

ژوندون

مجله هنری - شنبه ۲۳ سنبله
۱۳۵۳ شماره ۲۶-۲۵

Ketabton.com

رئیس دولت و صدر اعظم



بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم موقعیکه وزیر امور خارجه ایران را شام روز ۸ سنبله پذیرفتند و طعام شنبه را با وی صرف کردند

رئیس دولت و صدر اعظم توجه جامعه بین المللی را به وضع المناک مردم بلوچ جلب کرده اند

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم شب ۹ سنبله طعام شنبه را بناغلی عباس علی خلعتبری وزیر خارجه ایران در قصر ریاست جمهوری صرف نمودند این موضوع را ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد .
در این دعوت بعضی اعضای کابینه شازدهای سفارت کبرای ایران در کابل وعده از همراهان وزیر خارجه ایران اشتراک داشتند .
قرار يك خبر دیگر:
بقه در صفحه ۵۵

تجلیل روز تاسیس شورای ملی

بناغلی محمد داود از سران کشور ها و موسسات اسلامی خواهش کرده اند که قبل از خراب شدن مزید او ضاع اقدامی مناسب و موثر برای منصرف ساختن حکومت پاکستان از تعقیب سیاست ختن آن علیه برادران بلوچ ماورهم خوردن صلح و امنیت در این منطقه بعمل آورند .
مدیریت اطلاعات وزارت خارجه افزو دکه بناغلی محمد داود پیام مشابهی عنوانی دوکتور کورت والدهایم منشی عمومی ملل متحد به نیویارک فرستاده و از وی خواهش کرده است پیام شانرا بحیث سند رسمی ملل متحد نشرو توزیع نماید .

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم طی پیامی که عنوانی سران کشور های اسلامی منشی عمومی کنفرانس اسلامی ، موتمن عالم اسلام و رابطه عالم اسلامی فرستاده اند بسیار جلب توجه ایشان به اوضاع قابل اندیشه بلوچستان و سیاست بیر همانه کشتار و امحاء دسته جمعی پاکستان در آن منطقه و مخصوصا التیماتوم اخیر ذو الفقار علی بوتو که اگر از ادیخواهان تا ۱۵ اکتوبر به حکومت تسلیم نشوند بمباردمان عمومی و وسیع دهات و خانه هایشان شروع خواهد شد توجه خاص جا معه بین المللی را به جنبه بشری وضع المناک مردم بلوچ جلب نموده اند .



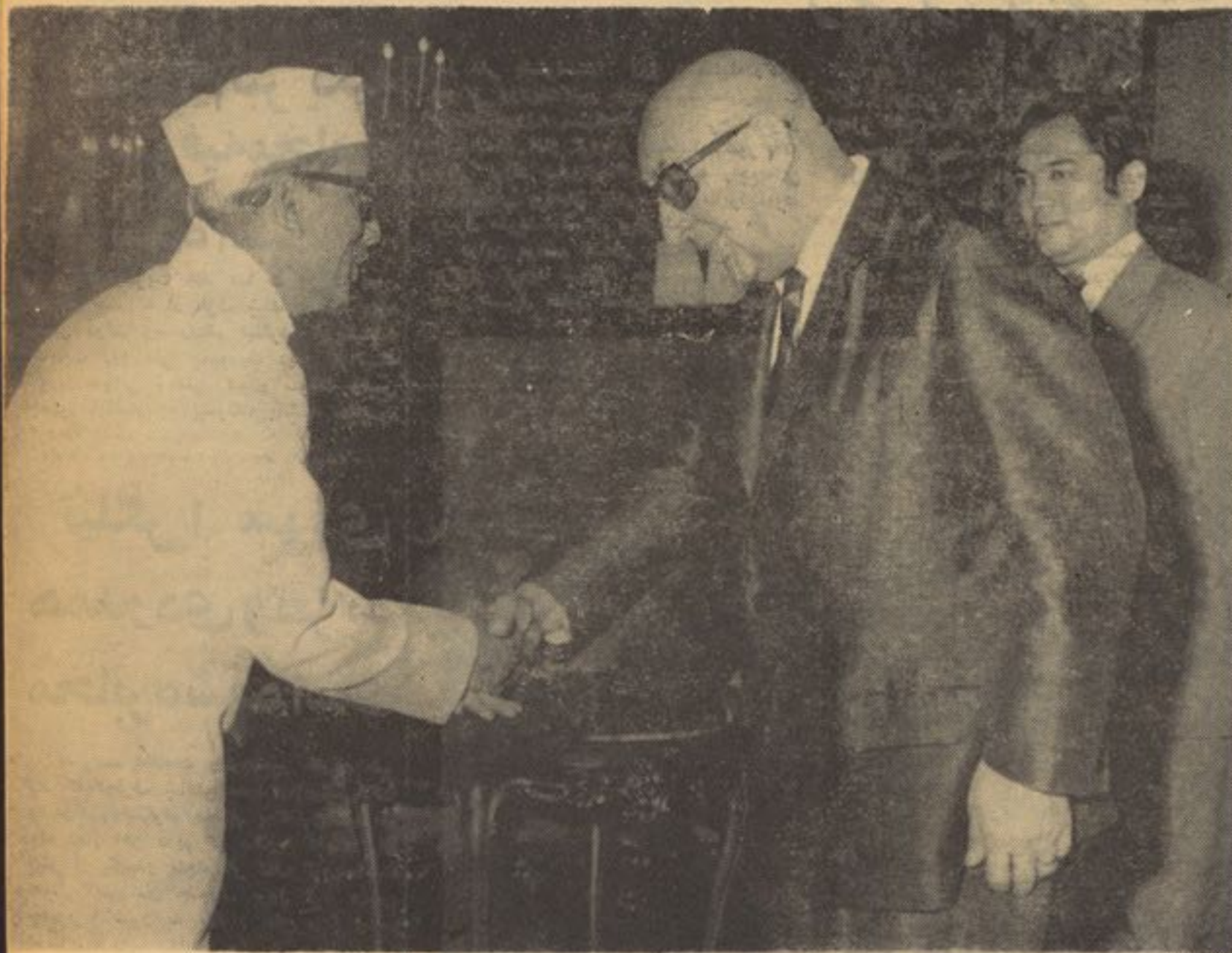
اعلیحضرت شهید محمد نادر شاه غازی

روز دوشنبه ۱۸ سنبله مصادف با روز تاسیس شورای ملی بود و در سراسر کشور تعطیل عمومی بود .
روزنامه های کشور فوتوی موسس نشر کردند .
شورای ملی اعلیحضرت شهید محمد نادر شاه غازی را در صفحات اول خویش بجا پرسانیده و ضمنا سرمقاله هایی پیرامون این روز تاریخی نشر کردند .

رئیس دولت و صدر اعظم دکتور التهامی را پذیرفتند

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم ساعت نهم قبل از ظهر روز ۱۶ سنبله دکتور حسن التهامی سکرتر جنرال کنفرانس کشورهای اسلامی را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند .
درین موقع بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه نیز حاضر بود .
قرار يك خبر دیگر
دکتور حسن التهامی سکرتر جنرال کنفرانس کشورهای اسلامی که روز ۱۵ سنبله بکابل آمده بود روز ۱۶ سنبله از کابل عزیمت کرد .
ریاست دفتر دولت جمهوری اطلاع داد که

رئیس دولت و صدر اعظم وزیر تجارت خارجی بنگلہ دیش را پذیرفتند



رہبر ملی میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم ساعت ۱۱ قبل از ظهر روز ۱۰ سنبلہ میناغلی خندہ کار مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی جمہوریت بنگلہ دیش را برای ملاقات در قصر ریاست جمہوری پذیرفتند.

ریاست دفتر دولت جمہوری اطلاع داد کہ هنگام این ملاقات میناغلی محمدخان جلال وزیر تجارت، میناغلی وحید عبداللہ معین سیاسی وزارت امور خارچہ و میناغلی محمد اکبر رئیس دفتر ریاست جمہوری نیز حاضر بودند.

میناغلی مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگلہ دیش صبح روز ۱۰ سنبلہ با دوکتور نعمت اللہ یز واک وزیر معارف ملاقات تعارفی نمود.

عمچنان موصوف بابوہاند عبدالقیوم وزیر معادن و صنایع ساعت دو نیم بعد از ظهر ملاقات نموده و روی موضوعات طرف علاقہ مذاکرہ کرد.

ہنگام این ملاقات ہا ذوات معینی میناغلی مشتاق احمد و شازدہ امیر سفارت کسری بنگلہ دیش در کابل نیز حاضر بودند.

قرار یک خبر دیگر وزیر تجارت و تجارت خارجی بنگلہ دیش شب ۱۰ سنبلہ دعوتی در ہوتل کابل ترنہب دادہ بود کہ در آن ذکور عبدالمجید وزیر عدلیہ بوہاند عبدالقیوم وزیر معادن و صنایع، میناغلی محمدخان جلال وزیر تجارت، میناغلی وحید عبداللہ معین سیاسی وزارت امور خارچہ و عدہ از مامورین عالیترتیبہ وزارت های خارچہ، معادن و صنایع و تجارت اشتراک ورزیدہ بودند.

طبق یک خبر دیگر میناغلی مشتاق احمد روز ۱۰ سنبلہ با میناغلی وحید عبداللہ معین سیاسی وزارت امور خارچہ و میناغلی سلطان محمود غازی رئیس عمومی ہوائی ملکی و تو ریزم نیز ملاقات تعارفی نمود.

زعیم ملی ما میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم ہنگامیکہ میناغلی مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگلہ دیش را برای ملاقات در قصر ریاست جمہوری پذیرفتند

باقر آیت پیامر رئیس دولت و صدر اعظم روز مطبوعات و روز جهانی سواد تجلیل گردید

تلگرامهای تبریکیه مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارچہ خبر داد کہ از طرف میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه بہ مناسبت روز ملی

برازیل عنوانی میناغلی رنستوجیزل رئیس دولت آنکشور بہ برازیلیا مخابرہ گردیدہ است. مدیریت اطلاعات وزارت امور خارچہ خبر داد کہ بہ مناسبت روز ملی مالیزیا از طرف میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه عنوانی میناغلی توانکو عبدالحکیم معظم شاه رئیس دولت مالیزیا بہ کوالا لہپور مخابرہ شدہ است.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارچہ خبر داد کہ از طرف میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه بہ مناسبت روز آزادی کشور قطر عنوانی والا حضرت خلیفہ بن حماد الثانی بہ الدوہ مخابرہ گردیدہ است.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارچہ خبر داد کہ از طرف میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه بہ مناسبت روز ملی جمہوریت مردم بلغاریہ عنوانی میناغلی نیودورکوف رئیس شورای دولتی آنکشور بہ سوفیہ مخابرہ گردیدہ است.

شماره ۲۶ و ۲۵

روز ۱۷ سنبلہ مصادف با روز مطبوعات و سواد بودہ و در سراسر افغانستان از این روز تجلیل بعمل آمد.

رہبر ملی ما میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم باین مناسبت پیامی صادر فرمودہ اند کہ توسط دوکتور نعمت اللہ یز واک وزیر معارف قرائت گردید.

متن پیام میناغلی رئیس دولت و صدر اعظم: هموطنان عزیز:

مسرت دارم روز مطبوعات و روز سواد را موقعی تجلیل مینماییم کہ هنوز خوشی های استقبال نخستین سالگرد تاسیس نظام جمہوری افغانستان را در قلوب خود احساس

نمکنیم. ملتیکہ سالروز تاسیس نظام مردمی خود را بان عشق و حرارت بر گزار و استقبال نمود امیدوارم در پر تو اعتماد بہ نفس و بہ نیروی تصمیم و ہمتوایی و شکیبایی بتواند رنج فقر، مرض و بیخبری را ہم مر خلع بہ مرحلہ از اجتماع خود دور افکند. یکی از

عناصر اساسی نظام زندگی ملی ما همانا چگونگی سطح حیات کتلہ های مختلف مردم ملاست کہ باید ضرور و متدرجا بہسپود و انکشاف پذیرد.

در زمرہ عوامل متشکلہ سطح حیات مردم همانا سواد و مطبوعات واقعہ دو جزو موثر است کہ بدل مساعی باین گبر و دامنه داری را التزام میکنند و باز خود این دو عامل نیز در عین حال لازم و ملزوم یکدیگرند تصمیم سواد شرط ضروری انکشاف مطبوعات است و از انکشاف سطح حیات مردم ضمانت میکند.

دولت جمہوری بر آنست کہ ہما ہنگ و ہمدردی سایر مساعی کہ تاکنون در جهت انکشاف سطح حیات مردم بعمل آمدہ و یادہ آیندہ رویدست گرفته میشود علیہیسوا دی نیز در دو جنبہ مبارزہ بعمل آید. باین معنی کہ از یکطرف تعداد مشمولین مکاتب ابتدائیسہ و دہاتی چندانگہ مقدور است افزایش پذیرد و از سوی ہم در جهت تعمیم سواد بین کتلہ بقیہ در صحنہ ۶۱



نو یسنده شہیر و نخستین خدمتگار وطن محمود طرزی

روز ملی پشتو نستان در هرگز و ولایات کشور بر گزار شد

تیلگرام تبریکه به صوفیه مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه گفت که از طرف یناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم تیلگرام تبریکه به مناسبت روز ملی جمهوریت دیمو گراتیک کوریا عنوانی یناغلی کیمال سونگ رئیس جمهور آنکشور به پیونگ یانگ مخابره گردیده است.

تیلگرام های همدردی و تعزیت مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف یناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم تیلگرام تعزیت و همدردی به مناسبت انحراف یک قطار آهن در یوگو سلاویا که در اثر آن بیش از یکصد و پنجاه نفر تلف گردیده است عنوانی سارنحال جوزف بروز تیتو رئیس جمهور آنکشور به بلگراد مخابره گردیده است.

همچنان از طرف یناغلی رئیس دولت و صدراعظم تیلگرام تعزیت و همدردی به مناسبت وفات یناغلی نارمن کرک صدراعظم زبلاند جدید عنوانی یناغلی سردینس بلنکل گورنر جنرال آنکشور به ویلنگتن مخابره شده است.

«بلسنهارته» توسط یناغلی کرزی مدیر تبلیغات وزارت امور سرحدات قرائت گردید. سپس یناغلی سرشار روشنی معاون مسؤل روزنامه جمهوریت شعر در یکه پیرامون روز پشتو نستان سروده است قرائت کرد که با کف زدنهای حضار بدرقه گردید.

بعدا ترانه ثبت شده خان عبدالغنی خان بنام «ای زماوطنه» بهمکاری رادیو افغانستان شونده شد و شاعران لیسنه های رحمن بابا و بقیه در صفحه ۵۵

کمیته مرکزی هیات کابینه لوی درستی زوالی کابل مامورین عالیرتبه عسکری و ملکی یناغلی اجمل خنک یناغلی خان محمد ایوب خان اجکزی وعده دیگر از مشران و پشتونستانی های مقیم کابل متعلمین لیسه های خوشحالخان و رحمن بابا وجهیت کثیری از سربان کابل حضورداشتند خبرنگار باختر مینوسد پس از آنکه بیرق ملی پشتونستان در بین ابراز احساسات و کف زدنهای ممتد حضار در اهتزاز آمد پارچه شعر پشتو از یناغلی اجمل خنک تحت عنوان

روز ملی پشتونستان روز ۹ سنبله در کابل و مراکز ولایات کشور طی مراسم شاننداری ساعت هشت صبح روز ۹ سنبله با قرات آیاتی چند از قرآن عظیم الشان آغاز گردیده و متعاقبا دکتور غلام سخی نوزاد بناروال کابل بیانیه راجع به این روز تاریخی برادران پشتونستانی ما ایرا نموده و بیرق ملی پشتونستان برافراشته شد.

در این مراسم که در پشتونستان میدان بر گزار گردید یناغلی محمد نعیم دکتور محمد حسن شریک معاون صدارت عظمی، اعضای



دکتور غلام سخی نوزاد بناروال کابل حیثیکه به مناسبت روز ملی پشتو نستان بیانیه خود را در پشتو نستان وات ایراد مینماید در عکس یناغلی محمد نعیم و دکتور محمد حسن شریک معاون صدارت عظمی، بعضی از اعضای کابینه و یناغلی اجمل خنک دیده میشوند.

عربستان سعودی ده میلیون دالر کمک بلاعوض و ۵۵ میلیون دالر قرضه بدون ربح به افغانستان میدهد

بروزه های اقتصادی استفاده بعمل خواهد آمد.

پراخت اساط این قرضه در سال سوم بهره بر داری پروژه ها شروع میشود.

وی در اخیر گفت بانک اسلامی بکشورهای اسلامی قرضه میدهد و بانک عربستان سعودی کشور های رویه انکشاف را مساعد مینماید.

اسلامی و بانک عربستان سعودی قرضه های مزیدی برای ساختمان پروژه ها بدست آورد.

وی افزود از پنجاه و پنج میلیون دالری که حکومت عربستان سعودی قرضه بدون ربح میدهد شرایط آن مساعد بوده و در تکمیل

سعودی به دولت جمهوری افغانستان کمک بلا عوش میدهد در تکمیل مطالعات تخنیکي پروژه های اقتصادی استفاده خواهد شد.

وی علاوه کرد مطالعات پروژه ها زمينه آنرا میسر خواهد ساخت تا افغانستان از بانک

عربستان سعودی ده میلیون دالر کمک ربح با افغانستان میدهد.

پروتو کول این کمکها بتاريخ سیزدهم سنبله بین یناغلی علی احمد خرم و رئیس پلان و یناغلی هشام ناظر وزیر دولت و رئیس اداره مرکزی پلان گذاری عربستان سعودی در ریاض با امضاء رسیده است.

قرارداد قرضه و مساعدت بلاعوض عراق به افغانستان

افغانستان قرضه میدهد.

همچنان مطابق باین قرار داد حکومت عراق مبلغ دو میلیون دالر به حکومت افغانستان مساعدت بلاعوض مینماید.

هنگام امضاء قرار داد استاد خلیل الله خلیلی سفیر کبیر افغانی در بغداد و بعضی از مامورین عالیرتبه عراق حاضر بودند.

نتیجه مذاکراتی که یناغلی علی احمد خرم وزیر پلان با وزیر پلان و سایر مقامات عالیرتبه عراقی بعمل آورده روز ۱۲ سنبله قرار داد بین وزرای پلان افغانستان و عراق با امضاء رسید که مطابق بان حکومت عراق ده میلیون دالر رابه شرایط بسیار مساعد به حکومت

به امضای رسید.

یناغلی علی احمد خرم وزیر پلان روز ۱۲ سنبله قرار داد مربوط به قرضه و مساعدت بلاعوض عراق رابه اسفا نستان امضاء کردند.

طوریکه از بغداد اطلاع رسیده است در

یناغلی خرم وزیر پلان که در داس یک عبات چندی قبل بدعوت کشور های عراق و عربستان سعودی به بغداد ریاض رفته بود روز ۱۸ سنبله بکابل مراجعت کرد.

وزیر پلان از پذیرایی و مهمان نوازی گرم حکومت عراق و عربستان سعودی ابراز تشکر و قدر دانی نمود.

وی به خبرنگار باختر گفت از ده میلیون دالریکه کشور برادر و دوست عربستان

روز طفل تجلیل گردید



منظره از تجلیل روز بین المللی طفل در تالار موسسه صحت عامه

استعداد های او از طرف نویسندگان و شعرا مطالبی ابراد گردیده و در ختم محافل به اطفالیکه از پرورش سالم بهر مند بودند تحایفی اهدا گردید در این محافل والیان مامورین و اهالی اشتراک داشتند.

روزنامه های مرکز و ولایات هم طی مقالات عکسها و اشعار در باره اطفال از این روز تجلیل نمودند همچنان رادیو افغانستان به مناسبت روز طفل پروگرام خاصی ترتیب داده بود.

نیز حاضر بود عده ای از اطفال و وکوتنهارامورد نوازش قراردادده تحایفی را که از طرف ریاست روزتون تهیه شده بود به آنها اهدا کرد.

خبرنگار با خسر آژانس از ولایات اطلاع میدهند که روز طفل طی محافل در مراکز بعضی ولایات کشور تجلیل گردید.

در محافل ولایات پس از آنکه سرود ملی نواخته شد راجع به طفل تریبه و صورت انکشاف

دوایر وعده از اعضای کوردیپلوماتیک مقیم کابل وعده زیادی از همسپریان اشتراک نموده بودند.

پس از آنکه اطفال و وکوتنهارا در این محفل سمبول طفل را پرافراشتند به اجرای آتملی و دیگر نمایشات پرداخته و از این روز تجلیل بعمل آمد.

در ختم محفل محترمه خانم رئیس دولت و صدراعظم در حالیکه پوهاند نظر محمد سکندر وزیر صحت عامه

پس از تلاوت چند آیه از قرآن کریم و نواختن سرود ملی مراسم روز طفل ساعت ۶ صبح روز ۸ سنبله در ادیتوریوم موسسه صحت عامه برگزار شد.

در این محفل که تا ساعت دوازده و نیم ادامه داشت میرمن زینب داؤد خانم رئیس دولت و صدراعظم و دکتور محمد حسن شرق معاون صدارت بعضی از اعضای کابینه، والی کابل روسای

یک فابریکه جدید نختابی به مصرف ۲۵ میلیون افغانی افتتاح گردید

فابریکه نساجی که در کشور بشکل خصوصاً سرمایه گذاری واحداث شده است فابریکه نختابی نیز در تقویه نساجی و مخصوصاً در حیات انکشاف اقتصادی کشور نقش مهم دارد.

یک فابریکه جدید نختابی به مصرف چهل و پنج میلیون افغانی در جوار فابریکه کسا جی سید مرتضی ساعت پنج روز ۱۶ سنبله افتتاح گردید.

در مراسم افتتاح این فابریکه پوهانده دکتور نظر محمد سکندر و زیر صحت عامه، عده ای از مامورین عالی رتبه وزارت ها و موسسات صنعتی و مستشار اقتصادی سفارت کبر ای اتحاد شوروی حاضر بودند.

بنیادلی سید مرتضی رئیس فابریکه گفت فابریکه نختابی که از دولت دوست اتحاد چهارم شوروی به عقسط پنج سال خرداری شده است تولیدات آن در بیست و چار ساعت دونیم تن نخ بوده و سه صد نفر کارگرو مامور در سه شفت در این فابریکه مشغول کار میباشد.

بنیادلی محمد یونس رفیق رئیس تشویق و انکشاف سرمایه گذاری وزارت پلان ضمن تشریح فعالیت های سرمایه گذاری خصوصی در کشور گفت که در پهلوی بیست

امسال پنج هزار نفر به مکه معظمه خواهند رفت

برای طبقه نسوان اختصاص داده شده است. اداره عالی اوقاف گفت انعامه از هووطنان مکه عزم حج خانه کعبه را دارند از همین اکنون میتوانند در خواستهای شانرا نهرایج مربوط در ولایات شان ارائه نمایند.

سهمیه فضایی وزمین هر ولایت بادر نظر داشت نفوس آن ارسال شده است.

امسال پنج هزار نفر از طریق فضا وزمین برای زیارت بیت الله شریف به مکه معظمه خواهند رفت.

یک منبع اداره عالی اوقاف وزارت عدلیه که منجمله این سهمیه سه هزار نفر از طریق فضا و دو هزار نفر از طریق زمین به زیارت کعبه الله معلوم شرف خواهند شد.

منبع اضافه نمود در این سهمیه ۲۰ فیصد

ملاقات با وزیر اطلاعات و کلتور

و کلتور ملاقات تودیمی نمود.

همچنان ساعت ده قبل از ظهر بنیادلی مک نیکل امر جدید انستیتوت برتانیای با وزیر اطلاعات ملاقات تعارفی کرد.

قرار یک خبر دیگر بنیادلی کاواساوسی مستشار سفارت کبرای جاپان در کابل ساعت دهنویم با پوهانده دوکتور نوین ملاقات نمود و طی آن پیرامون قرار داد کلتوری بین افغانستان و جاپان و همچنان همکاری کشور های جاپان در ساحه حفریات و ترمیم ابدات مذاکره نمود.

خبر بعدی حاکیست که بنیادلی گیمون بول شارژد افیر سفارت کبرای جمهوری دیموکراتیک کوریا ساعت یازده قبل از ظهر با وزیر اطلاعات و کلتور ملاقات تعارفی بعمل آورد.

هیات دانشمندان جامعه تاریخ و باستان شناسی بغداد ساعت ۱۰ قبل از ظهر روز ۲۰ سنبله با پوهانده دوکتور نوین و زیر اطلاعات و کلتور ملاقات نمود.

یک منبع آن وزارت گفت طی این ملاقات وزیر اطلاعات و کلتور و هیات دانشمندان جامعه بغداد درباره انکشاف علائق کلتوری بین افغانستان و عراق و همچنان توسعه مطالعات تاریخی مذاکره و تبادل نظر نمودند.

بنیادلی کی ال مهتا سفیر کبیر هند در کابل که دوره ماموریتش در افغانستان پایان رسیده است ساعت نه و نیم قبل از ظهر روز ۱۶ سنبله با پوهانده دوکتور نوین وزیر اطلاعات

کمکهای بلاعوض تخنیکي اتحاد شوروی در ساحه هوا شناسی توسعه مییابد

هوايي بين المللي کابل، تاسيس د ستگاه بررسی هوا شناسی، توسعه و دکشاپ تخنیکي و تنظیم بهتر شبکه مخابره هوا شناسی قبول کرده است و هم وعده داده که وسایل مخابره مراکز پرودکاست هوا شناسی کابل کندهار، هرات و کندز را از طریق موسسه بین المللی هوا شناسی با افغانستان کمک کند.

این پروتوکول را از طرف افغانستان معاون ریاست هوايي ملکی و از جانب اتحاد شوروی بنیادلی توستن کوف معاون ریاست اید و متر و لوزی اتحاد شوروی اعضا کرده اند.

پروتوکول کمک های بلاعوض تخنیکي اتحاد شوروی در ساحه هوا شناسی افغانستان روز ۱۲ سنبله در مسکو با امضاء رسید.

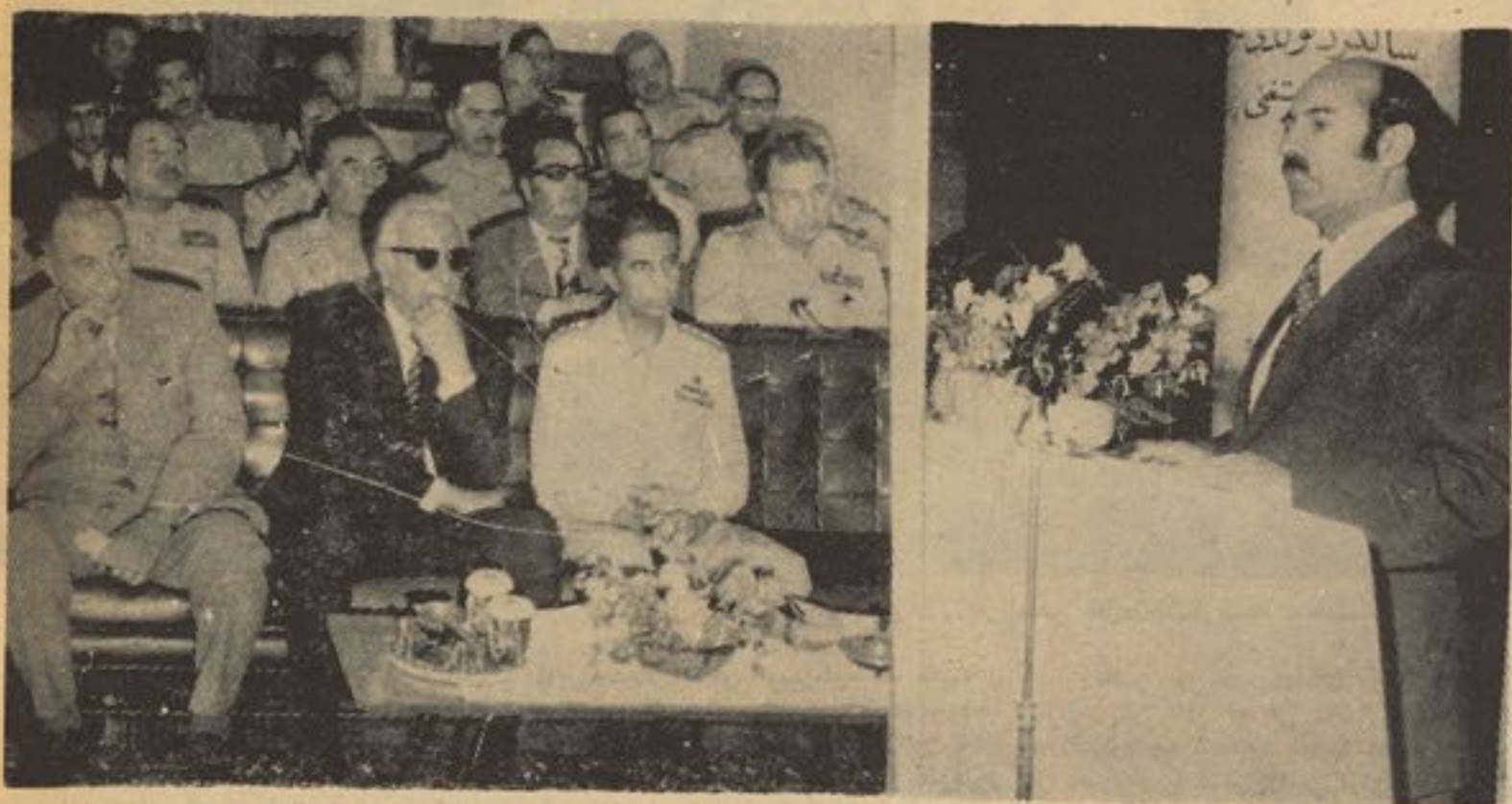
دکتور عبدالخالق معاون ریاست هوايي ملکی که در راس یک هیات برای مذاکره و امضاء این پروتوکول به اتحاد شوروی رفته بود صبح دیروز بکابل بازگشت.

وی حین مواصت بمیدان هوايي بین المللی کابل گفت که بر اساس این پروتوکول کمک های تخنیکي اتحاد شوروی که روی موافقه ۱۹۶۲ در ساحه هوا شناسی جریان دارد برای چهار سال دیگر تمدید گردیده است.

همچنان اتحاد شوروی توسعه همکاری را برای تنظیم بهتر مرکز هوا شناسی میدان

صدمین سال تولد شاعر نامور وطن

مرحوم عبدالعلی مستغنی تجلیل شد



رئیس تدریسات ابتدایی وزارت معارف در محفل صدمین سالگرد تولد مستغنی پیرامون زندگی آن شاعر شہیر صحبت میکند.

دکتور عبدالمجید از جریان محاکمه تمثیلی مرکز ستار قضایی دیدن کرد

دکتور عبدالمجید وزیر عدلیه و لوی خاتونال روز ۱۱ سنبله از جریان محاکمه تمثیلی مرکز ستار قضایی اداره تدقیق و مطالعات قضایی دیدن نمود.

هنگام بررسی از طرف محاکمه تمثیلی بوهندوی غلام علی کریمی امر عمومی اداری قضا و سایر اعضای شورای عالی قضا حضور داشتند.

وزیر عدلیه در ختم جلسه تمثیلی از حسن اجراء و طرف رسیدگی ستاروزان قضایی اظهار خرسندی کرد.

سفیر کبیر بلغاریا با وزیر معارف ملاقات نمود

بنیادغلی کرتزانوف سفیر کبیر بلغاریا در کابل ساعت ۱۰ صبح روز ۱۱ سنبله با دکتور نعمت الله پژواک وزیر معارف ملاقات نمود.

یک منبع آن وزارت گفت که طی این ملاقات در حالیکه بوهندوال دکتور فقیر محمد زمری رئیس پوهنځی و تفریحی نیز حاضر بود راجع به همکاری بلغاریا با پوهنځی مذکور مذاکره بعمل آمد.

بنیادغلی عبدالرحمن پژواک عازم ماموریتش گردید

بنیادغلی عبدالرحمن پژواک سفیر کبیر دولت جمهوری افغانستان در دهلی که چندی قبل برای مشوره بکابل آمده بود.

روز ۱۶ سنبله عازم ماموریتش گردید.

بنیادغلی زلمی محمود غازی عازم تهران گردید

بنیادغلی زلمی محمود غازی سفیر کبیر دولت جمهوری افغانستان در تهران که چندی قبل بکابل آمده بود روز ۱۱ سنبله عازم ماموریتش گردید.

تسهیلات بیشتری در امور ترانزیتی بین افغانستان و ایران بو و ودمی آید

مذکور درجمل ونقل ترانزیتی خاک یکدیگر را عبور نموده و از تسهیلات و مزایای معاهده مذکور استفاده نمایند.

این موافقتنامه را از جانب افغانستان بنیادغلی محمد فرید رفیق رئیس انکشاف صادرات و از جانب ایران بنیادغلی ابراهیم داوری مدیر عمومی تجارت داخلی وزارت اقتصاد ایران امضا نمود.

هنگام امضای موافقتنامه بعضی از مامورین مربوط وزارت های خارجه، مالیه و تجارت و بنیادغلی مهندس کریم اتابکی معاون تجارتي راه آهن و بنیادغلی مسعود مجلسی عضو همکار عمومی ایران نیز اشتراک داشتند.

قراریک خرید یکر هبات ایرانی صبح روز ۱۵ سنبله عازم کشورش گردید.

بنیادغلی محمد فرید رفیق رئیس انکشاف صادرات و بنیادغلی عبدالقیوم عباسی مدیر عمومی ترانزیت وزارت تجارت در میدان هوايي بسن المللی با هیات وداع کرد.

موافقتنامه ترانزیتی بین دولت جمهوری افغانستان و دولت شاهنشاهی ایران ۱۴ سنبله در وزارت تجارت به امضا رسید.

یک منبع وزارت تجارت گفت در این موافقتنامه که جاگزین موافقتنامه قبلی میباشد تسهیلات بیشتری در امور وسایط نقلیه و حمل و نقل اجناس و مال التجاره ترانزیتی برای هر دو کشور فراهم گردیده است.

علاوآ در گرایه اموال ترانزیتی افغانی که توسط خط آهن از طریق ایران انتقال می یابد تخفیف قابل ملاحظه بعمل آمده است.

منبع افزود در موافقتنامه جدید راه های ترانزیتی بیشتری نسبت به گذشته باالخصوص در خطوط راه آهن کشور ایران بین هر دو جانب در نظر گرفته شده است.

منبع علاوه نمود در این موافقتنامه به اساس مشاقق بین المللی که هر دو مملکت عضو آن اند وسایل نقلیه جانبین میتواند طبق شرایط

صدمین سال تولد شاعر نامور افغان مرحوم عبدالعلی مستغنی قبل از ظهر روز ۱۴ سنبله در مکتبی که به اسم آن مرحوم مسمی گردیده است از طرف وزارت معارف تجلیل شد.

در این مراسم که تا ساعت دوازده ظهر دوام نمود دکتر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی در ستیز عده از جنرال ها و صاحب منصبان عالی رتبه اردوی جمهوری، اراکین و روسای وزارت معارف، شعرا نویسندگان و عده کثیری از علاقمندان آن مرحوم اشتراک نموده بودند.

محفل با تلاوت چند آیه از قرآن مجید و نواختن سرود ملی جمهوری آغاز شده بعد از آنکه سوانح آن مرحوم فرانت گردید عده از شعرا و نویسندگان پیرامون شخصیت علمی و ادبی مرحوم

مستغنی شاعر و ادیب توانای کشور بیاناتی ایراد نموده از خدمات ارزنده آن شاعر گرانمایه و استاد سخن که به صفت استاد و مربی عمری رادر خدمت معارف کشور سپری نموده به قدر دانی یاد نمود.

مرحوم مستغنی در سال ۱۲۹۳ هـ ق در بالاحصار کابل تولد شده و به سن شصت سالگی وفات نمود.

در جریان این محفل مجله فوق العاده عرفان و کتابی تحت عنوان گزیده اشعار استاد سخن مرحوم مستغنی که به مناسبت تجلیل از صدمین سال تولد وی از طرف وزارت معارف طبع شده به حاضرین توزیع شد.

۱۴۸۰ جریب زمین دیگر به خانواده های بی زمین

توزیع گردید

یکصد و سی و یک خانواده موقعیکه زمین های شان را تسلیم شدند از اقدام دولت انقلابی مبنی بر توزیع زمینهای برای خانواده های مستحق ابراز خرسندی نموده و آرزوی سعادت کشور را نمودند.

دوم بوده و از نگاه انجیری آماده بهره برداری میباشد. منبع اضافه کرد این زمین هادر ولسوالی های نادغلی و گرمسیر موقعیت داشته و از کانال عمومی پروژه آبیاری میگردند. نامه تکار باختر از تکرگاه اطلاع داد که

باساس مشی دولت جمهوری یک هزار و چهارصد و هشتاد جریب زمین دیگر روز ۱۴ سنبله در پروژه وادی هلمند به خانواده های بی زمین توزیع گردید. یک منبع ریاست وادی هلمند روز ۱۴ سنبله گفت زمین های توزیع شده از نوع درجه اول

سفارت کبرای جمهوری مردم بلغاریا روز ملی آنکشور را تجلیل کرد

سفارت کبرای جمهوری مردم بلغاریا در کابل شام روز ۱۹ سنبله دعوتی بمناسبت روز ملی کشورش که مصادف با روز ۱۸ سنبله بود در هتل انتر کانتیننتال ترتیب داده بود* در این دعوت بعضی از اعضای کابینه دکتر جنرال عبدالکریم مستغنی، عده ای از مأمورین عالی رتبه عسکری و ملکی و کوردیپلوما تیک مقیم کابل اشتراک ورزیده بودند.



دکتر عبدالمجید وزیر عدلیه حینیکه روز ملی بلغاریا را به سفیر کبرای آنکشور تبریک میگوید.

سفارت کبرای جمهوری مردم کوریا روز ملی آنکشور را تجلیل نمود



بنیاد علی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه حینیکه روز ملی جمهوری مردم کوریا را به شازد دافیسرا آنکشور تبریک میگوید.

سفارت کبرای جمهوری مردم کوریا در کابل روز ملی کشورش را عصر ۱۷ سنبله ضمن محفلی در هتل انتر کانتیننتال تجلیل نمود* در دعوتی که به این مناسبت از طرف بنیاد علی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و عده ای از مأمورین عالی رتبه عسکری و ملکی و کوردیپلوما تیک مقیم کابل شرکت داشتند.

بنیاد علی مشتاق احمد از شاهراه سالنگ دیدن کرد

بنیاد علی مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگله دیش و همراهانش روز ۸ سنبله از شاهراه سالنگ دیدن نمود و نشان جانست را در خنجان صرف کردند* قرار یک خبر دیگر بنیاد علی مشتاق احمد و همراهانش شب ۱۰ سنبله در دعوتی اشتراک کرد که از طرف دکتر محمد اکبر عمر رئیس عمومی اتاق های تجارت در استورن باغ بالاتر ترتیب یافته بود بنیاد علی خنده کار مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگله دیش و زوات

معینی اش که بدعوت وزارت تجارت بکا پل آمده بودند قبل از ظهر روز ۱۱ سنبله عازم داکه گردیدند* بنیاد علی محمد خان جلالی وزیر تجارت نماینده وزارت امور خارجه و شازد دافیسر سفارت کبرای بنگله دیش در کابل برای وداع در میدان هوایی کابل حاضر بودند* بنیاد علی مشتاق احمد طی اقامت در کابل درباره توسعه تجارت بین افغانستان و بنگله دیش با مقامات مربوط افغانی مذاکراتی انجام داده است*

مالکان موثر های بی محصول میتوانند

محصول گمر کی را تا ۲۱ میزان امسال بدون جریمه تحویل نمایند

به اساس پیشنهاد وزارت مالیه تصویب مجلس عالی وزراء و منظور بنیاد علی رئیس دولت و صدر اعظم مالکین عراده جاتی که دارای اسناد گمر کی هستند میتوانند عراده جات خویش را بدون هیچ نوع جریمه تا ۲۱ میزان امسال محصول نمایند* بنامتدیع وزارت مالیه گمر کی در صورتیکه بعد از سیری شدن معیاد متذکره چنین عراده جات دیده شد طبق قانون مصادر و ضبط میشود* همچنان عراده هایی که بدون اسناد گمر کی در مملکت توریید شود طبق قانون گمر کی ضبط میگردد*

به مناسبت روز نظامی ترکیه دعوتی ترتیب یافته بود



دکتر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیروز نظامی ترکیه را به آتش نظامی آنکشور تبریک میگوید.

به مناسبت روز نظامی جمهوری ترکیه اطلاعات و کلتور، دکتر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیروز ۸ سنبله از طرف آتش نظامی سفارت کبرای آنکشور در کابل ترتیب یافته بود* در این دعوت پوهاند دکتر نوین و زیر

اردوی جمهوری مامورین عالی رتبه، اعضای کوردیپلوما تیک مقیم کابل باخانم های شان اشتراک نموده بودند*

ژوندون

شنبه ۲۳ سنبله مطابق ۲۷ شعبان المعظم برابر ۱۴ سپتمبر ۱۹۷۴

روز مطبوعات و سواد

روز هفدهم سنبله که بحیث روز بین‌المللی سواد شناخته شده است در افغانستان مصادف با روز مطبوعات بود. این روز در سراسر کشور با نشر مطالبی مبنی بر اهمیت مطبوعات و سواد در رشد و تکامل اجتماع تجلیل گردید.

مطبوعات بحیث رکن چهارم در ارگانهای اساسی دولت و وظیفه خطیری در راه پرورش استعدادها و افکار مردم بنوش دارد، ازینرواگر مطبوعات در راه بر آورده شدن اهداف ملی و اساسی یک ملت بکار انداخته شود بدون شک رول مهمی در امحاء بیسوادی میان افراد آن ایفا نموده و در ارتقاء و رشد سواد کمک بسزائی مینماید چه، مطبوعات در جوامع روبه انکشاف گذشته ازینکه وظیفه اطلاعاتی را انجام میدهد در راه تنویر افکار عامه نیز خدمت مینماید.

در نظام جمهوری رسالت تاریخی مطبوعات مسهم و ارزنده است. در چنین فرصتی که مادر آغاز یک انقلاب اجتماعی قرار داریم و وظیفه مطبوعات کشور ما بیشتر از هر وقت وزمانی حساس و پر اهمیت گردیده است. مطبوعات امروز ما باید مثل اهداف عالی جمهوریت باشد.

رهبر انقلاب ما در یکی از بیانات شان به اهمیت مطبوعات و سواد اشاره نموده می فرمایند: « دولت جمهوری برای امحاء بیسوادی عمومی و ایجاد تحول فرهنگی در مملکت، بر اساس فرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد نمود و نسل جوان را با تقوی، روحیه و وطنپرستی و خدمت ب مردم پرورش خواهد داد.»

بقیه در صفحه ۵۵

دسنبلی ۱۸ دملی شورا دتاسیس تاریخ و ورخ

زمونږ د هیواد تاریخی کرونده چه دیوی خوا د خپل لرغونی تاریخ ویاړنی پکی دولسی ژوند زینت او نیک الهام بښونکی در نښت دی د بلی خوا دملی، علمی او ولسی احساس او فکر په وړاندی زمونږ که ژوندون شریکو هغو او اصلاحی او مشورتی ارزښتونو چه په کوم معقول او منلی اساس او پریکړی د عا کړیده دهغو یا د تازه اود تاریخی نقش په حیث په درناوی سره نهانخل کیری.

مونږ چه دملی کروندی تاریخی پس منظر ته گورو وینو چه زمونږ د تاریخ لمن په ډیرو ویاړنو او خاطراتو ډکه ده اودغه منلی ارزښتونه چه دولس ټولنی او گډ ژوندون افتخار دی په دغه لاره کی کومی کړی جاری او کړی لاری چه دجر گوله خوا او په مشورتی اساسوتو فیصله شوی دی او اولس دجر گو په فیصله امین ویلی دی په دغه حقیقت لرغونی تاریخ شاهد دی چه دافغانستان دملی او ولسی جرگو د افتخاراتو ډک تاریخ لری چه ملی وثیقه کی منلی شوی ارزښتونه په درنښت سره ثبت اود تاریخ بابونه دی چه ددغو لویو کړنلارو او پښتو نسو پاتی په ۵۵ مخ کی

مطالب عمده پر شتمنانه



بیرق جمهوری افغانستان در بلند ترین قله کوه هندوکش بر افراشته شد
مصاحبه با کوهنوردان
چکو سلواکی



میزمور ژوندون در باره پلان ۲۰ ساله شهر کابل



ملکه زیبای از سرزمین ...



یک جنایت بزرگ و ...



قسمت دوم

ع : عبا

ارزشهای جهانی اسلام

از ذخایر زمین و از موهب های خلقت برای آبادانی جهان و برای بسبب اوضاع حیات- تمپه و آماده سازد و نتایج کار و فعالیتش را چنان بطور عملی و ساده مینماید که اگر کار کرد نم می برد و اگر عاطل و بیکار ماند بیچاره میشود و نیاز می کشد و عکذا اگر کار بیشتر انجام نمود حاصل بیشتر و اگر اندک و کمتر بکار پرداخت نتیجه اش نیز نا چیز و کوچک خواهد بود .

قرآن کریم در یباره اینگونه صراحت نمود که (لیمس الانسان الا ماسعی) یعنی آنچه از آن انسان و مال اوست که محصول و نتیجه عمل و زاده مساعی و فعالیت وی باشد .

اسلام با این ارشاد موجز و لسی عمیق و بر حکمت خود انسان را با فلسفه و مفاهیم واقعی و حقیقی حیات

و زندگی آشنا ساخت و برایش گوشزد نمود که کار و فعالیت و جدیت و تمرکز و معیار اصلی زندگی ، و بزرگترین عامل پیروزی چه در عالم معنی و چه در دنیای مادیات و ظواهر فریبده آن است .

انسان با ایمان و عقیده همینکه خود را در میان این گپرو دار می یابد و در عین زمان مشاهده هیولا های خیره کننده مظاهر آفرینش و بادرك وظیفه و مسئولیت سنگینی که بر دوش وی گذارده شده و وظیفه آبادانی زمین و فراهم سازی وسایل زندگی بهتر برای افراد انسان ، خود را از دست نمیدهد و ابراز شکست و عجز نمی نماید و چون بسوی ارشادات اسلامی چشم میکشاید بصورت

بقیه در صفحه ۵۸

انسان در روی زمین موجود نمسی بود .

پس اسلام با قبول این احیاء برای انسان بواقعیات خلافت او تحقق می بخشد و در حقیقت اسلام با اینکار و با این وصیت نگاهش یک امیدواری کامل و یک روحیه اتکا بخود را در وجود انسان خلق میکند و زمینه کار و فعالیت را در روی زمین برایش فراهم و مهیا میسازد و بوی مسی فهماند که او است که هر چه بخواید

مورد ضرورت انسان ها ، نان و آبی آماده و مهیا از آسمان فروایزد و یا آلات ابزاری بصورت پخته تهیه شده ، در دست اولاد آدم بگذارد زیرا در اینصورت نه تنها برای انسان چیزی قابل اجرا و انجام باقی نمی ماند بلکه انسان جز یک پیکرو هیكل عاطل و غیر قابل توقع چه چیزی متیوا نیست باشد و مهمتر از همه ، اگر موضوع چنان می بود ، دیگر مفهوم و موردی از آن خلافت

همچنان زمانی که انسان در طریق فراهم سازی اسباب زندگی بهتر ب فکر می افتد تا کشتی و سفینه ای بسازد دو نیاز مندی مهم و اساسی جلو نگاهش قرار میگیرد که یکی عبارت از موجودیت مواد مورد ضرورت معدنی از قبیل فلزات و غیره و دیگری عبارت از موجود بودن اقیانوس ها و دریا ها برای کشتی رانی میباشد ولی پس از اندکی درمی یابد که اقیانوس های عمیق قبلا آفریده شده و مواد معدنی نیز همه بصورت طبیعی اش و بحالت خام و اولی در دل کاینات جا داده شده است .

در بحال یک کار و یک وظیفه بدوش او باقی مینماید و آن اینکه از این مواد خام موجود و سایل طرف ضرورت را سازد و تمپه نماید .

درین مرحله وظیفه انسان پیش از هر وقت دیگر کسب و خامت و سنگینی میکند زیرا این مرحله ، دیگر مرحله سازندگی بصورت عملی و تطبیقی و مرحله ای است که او با درایت کامل انسانی اش است که او باید درایت کامل انسانی و بشری اش و سایل را فراهم نماید و هر یک را بموقع و بجایش قرار بدهد بطوریکه جوابگوی نیاز مندی های عمده و حیاتی افراد بشر در روی زمین باشد .

اسلام همه وسایل و اسباب زندگی را در مسیر حیات بصورت و حالت طبیعی اش قرار میدهد و آن را در اختیار انسان میکندارد تا در پیروان آن نیروی دماغی و فکری خود را دقیقانه بکار اندازد و آن را طوریکه تأثیری در زندگی انسان ها ایجاد نماید مهیا سازد بعباره ساده تر اسلام نخواسته که بعنوان رزق و روزی و بنام فراهم سازی اسباب

شخصیت های بزرگ اسلامی را معرفی میکنم

عبدالرحیم (عینی)

حضرت سهیل بن حنیف (رض)

علی کرم الله وجهه نمود، پیغمبر اسلام ازین امر او را ممانعت ننموده پس کاراکا و تربیت یافته خانه خود و زبده تر بن شاگردان خود را موظف ساخت که باوی عقد مواخات نمایند و این مواخات البته دلالت به موقف عالی و فضل بی شمار حضرت سہل (رض) می نماید .
همچنین حضرت رسول اکرم (ص) از ناحیه دیگری میان وی و عبدالله بن مسعود پیمان برادری رابست و این پیمان برادری گسه با عبدالله بن مسعود یعنی ششمین فردیکه داخل اسلام گردیده بهر دو هجرت اشتراک نموده است و همچنان کسیکه مقابل ابو جہل درغزوه احد قیام کرده و در بیعت مبارک رضوان شرکت ورزیده و رسول خدا علیه السلام بدخول جنت بشارت داده دلیل بر عظمت شخصیت سہل بن حنیف (رض) میکند .
گرچه این صحابه مجاهد در تمامی غزوات اشتراک ورزیده ولی شجارت و مهارت آن در جنگ احد بیشتر بنظر رسیده و از رسول خدا (ص) حفاظت می کرد و پیغمبر اسلام درین جنگ گفتند که وسائل بهتر را برای سہل میسازید زیرا نزاد و جهاد سہل است .
چه وی در تیراندازی مهارت تام داشته تمامی تیرهایش به هدف میرسید و قلب دشمن را می شکافت .
پیغمبر اکرم (ص) زمانیکه با عمل

بقیه در صفحه ۵۶

این صحابه جلیل القدر یعنی سہل بن حنیف از مردم انصار و از قبیلہ اوس میباشد که غزوة بدر واحد و دیگر غزوات را دیده است . در روز جنگ احد با پیغمبر خدا (رض) یکجا بوده سپس مضاجبت حضرت علی کرم الله وجهه را نمود .
حضرت علی (رض) او را بعد از در مدینه به حیت نائب خود تعیین نموده سپس امور ولایت فارس بسوی تفویض گردید .
پسرس ابو امامه (ابو امامه) و غیره از وی روایت حدیث نموده در کوفه بسال ۳۸ هجری وفات کرده است .
انالله وانا الیه راجعون .
اصلا شهرت این صحابه بنام ابو ابیست سہل بن حنیف بن واهب انصاری بسوده در مبارزه و جهاد سرآمد افسران گردید . در فاعیل ففیری چشم باز کرده توانی ندانست که تکافوی ضروریات زندگی او را نماید بناء پیغمبر اسلام صلی الله علیه وسلم زمانیکه غنائم قبیلہ بنی نضیر بدون قتل و قتال بدست مسلمین آمد برای اینکه سوبه و سطح زندگی مهاجران و انصار بیک سوبه باشد میان فقراء مهاجرین تقسیم نموده و به انصار ندادند اما از زهره انصار دوتن بی بضاعت را که عبارت از سہل بن حنیف و ابو دجانہ باشد نظر بشدند هم مهاجرین نمودند .
حضرت سہل بن حنیف (رض) بعد از هجرت اراده عقد مواخات را میان خویش و حضرت

از کاظم آهنک اسرائیل به تحریکات تازه در شرق میانهمیپردازد

بررسی مسایل روز

هنوز بحران قبرس به قسم يك معضله مغلق و پیچیده در این گوشه جهان راه حل نیافته و تاکنون مقامات مربوطه موسسه ملل متحد مخصوصا داکتر کورت والدهايم سر منشی آن موسسه و کشورهای ذی‌علاقه در جستجوی راه حلی در زمینه اند، که تهدیدها و تفتین‌های اسرائیل يك بار دیگر بر مشکلات این گوشه جهان افزوده است.

گرچه این تهدیدها هنوز مشکلی ایجاد نکرده که همین اکنون شرق میانه و جهان عرب از آن تهدید شوند ولی بدون شك مقدمه يك آینده پر مخاطره را در انتظار جلوه میدنویز. هر حرکت توأم با بر خورد گرم بین اعراب و اسرائیل یقینا خسارات و تلفات شدید مالی و جانی را در قبال خواهد داشت.

اسحق رابین صدرا عظم اسرائیل اخیرا يك سلسله مطالبی ابراز کرده که نشاندهنده این نوع تهدیدات و زور گوئی هاست و علاوه تا اعمال اسرائیل مانند مانورها و تمرکز قوای آن در سرحدات بعضی کشورهای عربی موید ایجاد چنین مشکلات است.

اسحق رابین گفته است اسرائیل تا زمانی از سرزمین‌های اشغالی عرب عقب نشینی نخواهد کرد که بدانند این موضوع برای صلح در شرق میانه مفید میباشد، وی همچنان گفته است که هر گونه اقدام اسرائیل در برابر اعراب باید از يك موقف قوت و زورمندی نشأت کند و به همین وتیره وی گفته است که کنار آمدن اسرائیل با اعراب و عقب نشینی اسرائیل از سر زمین‌های اشغالی عربی در صورتی عملی شده میتواند که اعراب موجودیت اسرائیل را برسیمت بشناسند همچنان صدرا عظم اسرائیل میگوید که تشکیل يك حکومت فلسطینی در شرق میانه معنی محو از بین رفتن اسرائیل را دارد.

از گفته‌های رابین که بگذریم شمون پریز وزیر دفاع اسرائیل گفته است برای مذاکره با اردن اسرائیل شرایطی دارد و یکی از این شرایط عبارت از این است که مذاکرات بین اردن و اسرائیل تنها در باره عقب نشینی عساکر اسرائیل از غرب رود اردن نبوده بلکه در باره برقراری يك صلح دائمی در شرق میانه باشد.

در گفتارهای صدرا عظم و وزیر دفاع اسرائیل چند موضوع قابل تحمل است. نخست هر دوی آنها از صلح صحبت کرده اند. دوم صدرا عظم اسرائیل هر اقدام را از يك موقف قدرت میخواید، سوم باز هم خارج شدن از سرزمین‌های اشغالی را به شرط رسمیت شناختن اسرائیل مربوط دانسته است و بالاخره تشکیل حکومت فلسطین را محو یهود تلقی میکند.

هر گاه به این گفتارهای رابین و پریز وقت شو دراجع بشویم هر یکی از آن طوری قضاوت حکم خواهد شد که از زور گوئی فتنه انگیزی و عقده‌های حقارت سرچشمه گرفته باشد موضوع اینجا است که هم اسرائیل از صلح صحبت میکند و هم عربها از صلح گپ میزنند ولی اینکه صلح واقعی را کدام یکی از آنها آرزو دارد سوالیست که بایست جواب داد.

عربها در هر گام خود متوجه‌اند که چطور میتوانند.

مساله شرق میانه از طریق صلح حل شود. این عربها اند که بهمین تازگی ها در جلسه وزرای خارجه خود در قاهره موافقه نمودند که مساله فلسطین را در جلسات مجمع عمومی ملل متحد مطرح ساخته و از این طریق راه حل صلح آمیزی برای آن دریا بند. و این عربها اند که از مرکز يك کشور به مرکز دیگری و از آنجا به کشور سومی رفته با مقامات مربوط این کشورها مذاکراتی انجام میدهند و راه حل مسالمت‌آمیز موضوع

شرق میانه و معضله فلسطین را جستجو میکنند. از این موضوع که بگذریم در همین کنفرانس وزرای خارجه کشورهای عربی يك بار دیگر راجع به کنفرانس صلح ژنیه و مذاکراتی انجام شد ولی در مقابل آیا این اسرائیل نیست که گاهی اشخاص سر شناس خود را به افریقای جنوبی نزد رژیم تبعیض طلب آن سر زمین فرستاده و از آنجا آواز جنگ و تجاوز را بلند میکنند آیا همین اسرائیل نبوده است که وقتا فوقتا در مراکز بعضی از کشورهای غربی رفته در پی تهیه و تدارک اسلحه و مهمات حربی میشود و آیا این اسرائیل نیست که همین اکنون بر مردمان قرای جنوب لبنان باتوپ و طیاره و تانک حملات خود را را وارد کرده نه تنها به مبارزین فلسطین در این ناحیه زیان رسا و خساراتی را تحمیل میکند بلکه هزاران نفر زن مرد و طفل ملکی آن سامان را متضرر میسازد در حالیکه همه میدانند مردمان آن ناحیه بی سلاح و بی دفاع اند، کوتاه اینکه هیچ روزی نیست که صدای حمله و آواز فتنه انگیزی‌های اسرائیلی‌ها و قوای اسرائیل بر سر زمین‌های عربی شنیده نشود.

یقینا خوانندگان محترم بخاطر دارند که در این روزها اسرائیل چند مانور نظامی را انجام داد.

و در این مانورها از قوای احتیاط خود هم استفاده کرد این مانورها بدون شك يك سلسله سوالهای را بین کشورهای عربی ایجاد نموده است و علاوه تا همین مانور خود جنبه نمایش را دارد که در آن قدرت اسرائیل تبارز داده شده گذشته از آن اسرائیل بارها گفته است که همه افراد خود را با تعلیم و تربیت عسکری مجهز میسازد اگر واقعا صدای صلح از قلب و دماغ از اعماق اسرائیل بیرون شود به چنین اعمال ضد صلح دست نمی‌زند.

بقیه درص ۵۶

کیو کو اساکورا

دوشیزه‌های که انگشتان ظریفش روی فلز سخت، هنرمی آفرینند

در تمام آثار هنری او روح لطیف و زیبایی زنانه دیده میشود .

...

او دوست دارد تا بخش زیاده‌زندگی اش را در سفر و مشاهده زندگی های نو، وقف نماید.

ترجمه : رهجو

جایان دست یافته و بحیث پرفیسور در پوهنتون هنر، عضو اکادمی هنر بوده و نشان فرهنگ را بدست آورد . دختران قریحه‌ی هنری را از پدر هنر مند شان به ارث برده و با پشت کار آن را بر شیوه خود شان رشد دادند .

قابل تذکار است که ایندو راه جداگانه هنر را برگزیدند . خواهر بزرگ در جهان نقاشی و کیو کو در عالم پیکرتراشی و مجسمه سازی دست به کار شد . کیو کو که در یک فضای پراز هنر هنر زاده است از همان آوان کودکی یعنی سه سالگی دست به موپیک نقاشی برد . در سن ۱۲ سالگی کج قالب‌زیرینجه‌های هنر منفس موم گردید و به این ترتیب روش

مهم نیست که در کجای جهان بنگریم، ولی این یک حقیقت روشن که بندوت می توان به زن پیکرتراش بر خورد، کیو کو اساکورا هنرمند و پیکر تراش جاپانی از همین زمره است .

سپان هنر جاپان ، رمحور سا زمان نیتتن که بزرگترین محل گرد آمدن هنر مندان آسامان بحساب می آید ، چسوخ می خورد . برای سالیان زیاد ، بخش پیکر تراشی این سازمان توسط قومبو اساکورا ، که از خود و دختر بجای ماند، اداره می‌شد . شستسو اساکورا ، دختر بزرگ در بخش نقاشی سنتی جاپان دست چیره دارد در حالیکه کیو کو اساکورا در پیکرتراشی مقام ارجمندی را بدست آورده است .

پدر این هنر مندان ، درستیغ جهان هنر



کیو کو با خواهرش شستسو در یکی از نمایش های هنری اش

داده است . بعد از ترک نیتتن او از بیوستن به کدام محل هنری دیگر دوری نمود اکنون آثار و ساخته های هنری او در نمایشگاه های متعدد هنری که بخصوص در فصل شکوفان بهار درهاگون، غرب توکیو، برپا می شود، به نمایش گذارده می‌شود .

برعلاوه ، در مدت سه سال توقف ، او با دقت خاص نمایشگاه یک نفری از آثار و کارهایش برای انداختن در هر حادثه هنری بخوبی مشاهده می‌شد که کارهایش بطرف پختگی و بلوغ پیش می‌روند .

در حالیکه در آثار ساخته شده اش استثنایی چون پیکر یک فروشنده روزنامه که سواپ ساخته شده است وجود دارد، بخش زیاد آثار او به ساختن پیکره های نازک که به صورت کامل ، نیم تنه و یا فقط چهره نمایش داده می‌شود ، وقف شده است .

آخرین نمایش آثار او در سپتامبر گذشته بعد از سه سال توقف ، در گالری هنر پوهنتون گینزا در توکیو برپا شد .

در این نمایش هزده اثر از او به نمایش گذارده شد و دو نمایه های اساسی این نمایشگاه بازهم «زن» بود .

ممکن مهمترین مجسمه او مجسمه ای باشد بنام «زن» که در آن تصویری از یک دختر در حالیکه بالاتنه کوتاه پوشیده ، روی چوکی نشسته و پای هایش را طوری دراز نموده است گویی که در تفکر ژرف و عمیق فرو رفته است . در تمام آثار او به روشنی قدرت بقیه در سال ۶۱

هنری اش راه خود را یافت .

زمانیکه ۱۶ ساله بود ، و هنوز شاگرد ساده مکتب بحساب می‌رفت توانست نجا یزده سالانه نمایشگاه هنری نیتتن را بدست آورد .

جایزه بزرگ نیتتن در سن بدست سالگی نصیب او شد افتخاری که او تاکنون چهار بار بدست آورده است . بعد در سن جوانی ۲۶ سالگی بحیث هیات منصفه سازمان هنری نیتتن نامزد گردید بدان معنی است که او به اوپله های طولانی زینه هنر را از همان آوان کودکی که پای هایش لرزان لرزان بود با سرعت یکسوی پشت دیگر طی نمود . نام او به دفعات روی روزنامه ها و جراید بچاپ رسید . کار های هنری او توسط وزارت معارف و دیگر نمایندگی های دولت خریداری شده و ورق دیگری پس شپرتش افزود .

در درون سازمان هنری نیتتن، بانهم برخی به او چشم تنگی نموده و انتقاد می کنند که علت پیشرفت او فقط مرهون شپرت پدرش می‌باشد . در همین زمان بود که او بحیث یک روح هنر مند به سازمان نیتتن به دیسک سک بنگرد و به همین علت در امر خروج از سازمان مذکور در ننگک نسود این این در سن ۱۳ سال قبل از مرگ پدرش بود .

او بخاطر این از سازمان مذکور برید تا از زیر تأثیر پدرش بدور بوده و در آفرینش هنری اش « دست باز» داشته باشد .

امروز ، این زن هنرمند ، هنرش او به صورت کامل در راه مستقل و تلاطمی سوق



کیو کو، پیکر تراش معروف بایکی از مجسمه عایش بنام «مینی ژوب»

مطابق پلان ۲۵ ساله شهر کابل تمام و باز ساز

در آینده نزدیک بناروالی در هر محل دو خبازی و دو قصابی را دایر میسازد تا هم زمینہ رقابت سالم در فروش مواد آرتزاقی، مساعد گردد و هم این مواد بشکل صحیح عرضه گردد.

مسلخ در حال حاضر باوصف آنکه با قدرت نهای خود فعالیت دارد باز هم عرضه گوشت نمیتواند جوابگوی احتیاج شهر یان باشد دولت در این زمینہ تصامیمی دارد که به تطبیق گذاشته میشود.

تلاشی پیکیر وجدیت مسئولان امور استقرار نیافته ونمی یابد عدم نرخهای استندرد در تمام کشور است همانطور یکه شا هدیم در کشور ما هنوز هم نرخها تابع عرضه وتقاضا است و کمیت و کیفیت جنس متکی باین دو اصل است.

یادم است چندی قبل با وصف آنکه نرخ بادنجان رومی از نسرخ عرضه آزاد در مار کیت ها ارزانتر نرخگذاری شده بود هر روز قیمت آن قوس نزولی را می پیماید. تا اینکه موجب شکایات شهر یان گردید وعده ای به بناروالی مراجعه و بکار ما انتقاد نمودند که این چگونه نرخگذاری است در حالیکه علت این ارزانی فقط عرضه زیادتر از حد پیش بینی شده بود وبس.

اکنون بناروالی برای جلو گیری از تخلفات فرو شنگان واستقرار بخشیدن بنرخها چاره ندارد جز جریمه ، اخطار ومسدود ساختن موقتی دایمی دکاکین متخلفان که از چنین روشی کار گرفته شده و باز هم کار گرفته میشود.

یک راه دیگر جاو گیری از تخلفات در فروش همکاری صمیمانه خود مردم است بانبا روالی ، هر خریدار باید در حکم یک مامور تفتیش باشد

نرخگذاری است در حالیکه علت این ارزانی فقط عرضه زیادتر از حد پیش بینی شده بود وبس.



رئیس تفتیش بناروالی



رئیس حفظ ا لصحه بناروالی



معاون بناروالی

ومتخلف را به شعب مسوول معرفی نماید در گذشته اعمال نفوذ برخی از صاحبان قدرت موجب میگردد که متخلفان مکرر کمتر تنبیه شوند. هر وقت با خبازی متخلفی رو برو بودیم وسیلی از واسطه وتو سعه کسانی که اهل قدرت بودند مبارزه با آنان بیرون از دایره قدرت وصلا حیت ما ، ولی اکنون دیگر نظام مردمی ما اجازه هیچ نوع اعمال نفوذ را به هیچ صاحب قدرت نمی دهد واین باعث میگردد که مادر کار خود موفق تر باشیم.

کشور نرخهای تثبیت شده واستندرد وجود داشته باشد. ذخیره گاههای بزرگ اعمار گردد. سرد خانه های مجهز بوجود آید ودر تمام فصول سال متوازن باتقاضا عرضه صورت گیرد در این صورت نوعی رقابت آزاد وسالم میان دولت وفرو شنندگان دست اول بوجود میاید ومانع بلند رفتن نرخها شده آنها در حد معین آن ثابت نگه میدارد.

تاکنون در کابل فقط گوشت ویغ باچنین شرایطی عرضه میگردد

ضرر مصرف کنندہ تمام شده است اکنون خواهش ژوندون این است که با احترام خواسته خوانندگان این مجله وشهر یان کابل ریا ست تفتیش بناروالی توضیح نماید که در مورد کنترل ومراقبت از نرخها چه اقداماتی صورت گرفته ویاینگه چه طرح وپلانی برای حل این مشکل عمومی وجود دارد که مورد تطبیق قرار گیرد؟

بناعلی سمیعی معاون بناروالی : عامل اساسی اینکه نرخها چه در کابل وچه در ولایات کشور باوصف

زیر نظر گروه مشورتی ژوندون باشتراک :
بناعلی محمد بصیر سمیعی معاون بناروالی
بناعلی محرم علی رئیس تفتیش بناروالی
بناعلی دکتور محمد عزیز سراج رئیس امور صحی بنا روالی
بناعلی عبدا لر حمن رحیمی وکیل ریاست کار وساختمان
بناعلی دکتور محمد موسی آتش معاون ریاست امور صحی بناروالی
بنا غلی انجنیر وزیر احمد بری مدیر عمومی کار وتختیک بناروالی
وبنا غلی محمد امین شفیق مدیر عمومی تهیه واصناف بناروالی
زیر نظر روستا باختری .
مریم محبوب افسری عضو مسلکی ژوندون .

محمد ناصر عز غنبت مدیر عمومی نشرات بناروالی ونگار ندم مسوول جریده پامیر
ومحمد یوسف غازی مدیر قلم مخصوص بناروالی محل جلسه : اتاق کارو کنفرانس بناروالی

روستان باختری یکی از ازمشکلات باشندگان نواحی مختلف شهر کابل موضوع عدم استقرار نرخها ، عدم عرضه درست وصحی مواد آرتزاقی وعدم کنترل ومراقبت جدی کارکنان بناروالی از نرخها است .
اغلبا باشندگان شهر کابل بسر شیوه کار مفتشین بناروالی انتقاد دارند واین انتقاد بجاست که هیچکس حتی خود اعضای بناروالی

نواحی کهنه ساز کابل ویران میگردند

ی می شود

مجله ژ و ندون واقعا مجله خانوادهاست وانعکاس دهنده نظریات و انتقادات مردم از زبان مردم؛ میزهای مدور شما یک کار عالی مطبوعاتی است.
برای استقرار نرخها بایدن خیره گاههای بزرگ ساخته شود.
سردخانه های مجهز ایجاد گردد و در تمام فصول سال عرضه متوازن با تقاضا صورت پذیرد.

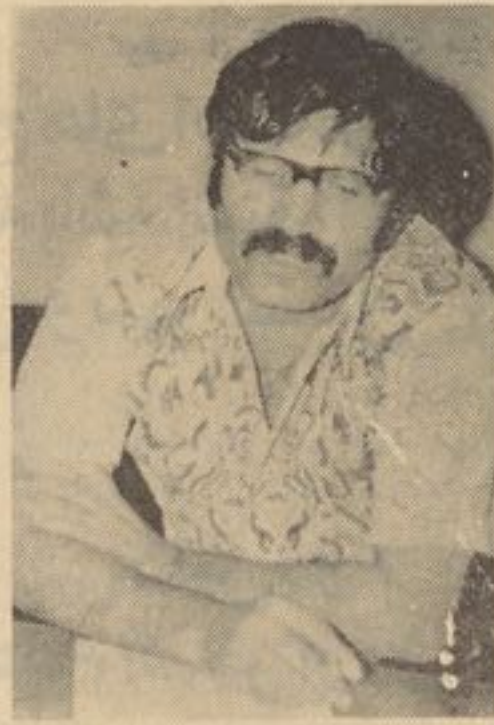
با میسر شدن امکان تعقیب پیگیر و صمیمانه مردم را خواهانیم تا باشد مراقبت همیشگی جلو تخلفات در حد قناعت بخش آن گرفته شود بناغلی محرم علی رئیس تفتیش بناروایی قبل از اینکه بانتقاد ژوندون در باره عدم استقرار نرخها جواب گویم از این مجله آموزشی و خانوادگی که همیشه نقش پیش آهنگی اش را در زمینه خدمات فرهنگی و مطبوعاتی به نحوه موثر ایفاء نموده است به عنوان یک همشهری و خواننده این مجله به نیکی یاد میکنم ژوندون رکن مهم مطبوعات کشور است و مطبوعات انعکاس دهنده خواسته ها، نظرات و انتقادات مردم افغانستان، پس وقتی ما با انتقاد

تنبیه قانونی کردند چنانکه همین چندی قبل مقدار زیاد پیاز که در لوگر احتکار شده بود توسط مسئولان این شعبه کشف گردید و به قیمت ارزان در مارکیت های شهر عرضه شد.

روغن باو صف آنکه یک ماده توریدی است و قیمت آن نیز در جریان سال گذشته در تمام مارکیت های جهان بلند رفته است، دولت با قبول مبلغ هنگفتی ضرر را از صعود نرخ آن در مارکیت های داخلی جلو گیری نمود و قیمت آن ثابت نگاه داشته شد.

سال گذشته در آغاز فصل سرما عده ای از محترمین چوب و ذغال را ذخیره نمودند و عرضه این مواد ارتزاقی را در مارکیت ها کم نمودند تا در موقع ازدیاد تقاضا آن را به قیمت گران بفروش رسانند که بناروایی متوجه گردید به کمک بعضی از وزارت ها و بانک ملی افغان چند هزار خروار چوب و ذغال خریداری نموده با عرضه آن و رقابت آزاد در بازار توانست از صعود نرخ این دو جلو گیری نماید در مورد مواد ارتزاقی متاسفانه هنوز هم عده ای سود جو و منفعت پرست بخاطر منافع شخصی منافع مردم را بخطر میاندازند که شعب تفتیش بناروایی از طریق توصیه، اخطار، جریمه نقدی مسدود ساختن مو قتی و یادایمی دکا کین و سلب امتیاز با آنها مقابله میکنند و تاجای امکان میگو شد جلو تخلفات شان را بگیرد به عنوان مثال یاد آور میگردم که در سه ماه اول سال ۱۳۵۱ ۲۰۳۱ نفر فروشنده متخلف

انتقاداتی ارائه گردیده بود. کلی داده نشده حتی نمایندگان وزارت پلان باین دلیل که مقدار زیاد عدم استقرار از نرخها در شهر



معاون حفظ الصحه بناروایی

کچالو و پیاز از اندازه مصرف شهر - یان زیاد است و امکان گندیده شدن می رود خواهان صدور آن بخارج بودند ولی بناروایی برای اینکه توازن عرضه و تقاضا بهم نخورد و موجب افزایش قیمت این دو ماده نگردد از صدور آن جلو گیری نمود. احتکار مواد ارتزاقی توسط عده ای سود جو و منفعت پرست دلیل دوم صعود نرخها و عدم استقرار آن میتواند باشد که در مدت یکسال با جدیت فراوان کوشش شده است جلو احتکار گرفته شود و محترمین

معاون ریاست سا ختمانی

اما اعتراف می کنیم که هنوز هم باو صف تلاش پیگیر و مدامی که برای استقرار نرخها صورت می گیرد جلوی بی مبالائی فروشندگان و تخلفات آنها را گرفته نتوانسته ایم ولی آمار واحصائیه های مستند گویای آن است که در مدت یکسال عمر نظام بالنده جمهوری طور نسبی و نظر بگذشته ما موفقیت های در زمینه داشته ایم. به عنوان مثال یاد آور میگردم که قبل از استقرار نظام نو کشور هفت کیلو پیاز ۱۲۰ - افغانی خرید و فروش میگردید ولی بعد اقداماتی که صورت گرفت اجازه صعود نرخ این ماده به

مدیر عمومی تهیه و اصناف بناروایی

این مجله روبرو میباشیم در حقیقت با گفته و نظر مردم افغانستان در باره خود و نحوه کار خود روبرو ایم که این کمکی است بما در جهت بهبود امور مربوط بما. ریاست تفتیش بنا روایی کابل با روحیه وطنپرستانه خود پذیرای هر نوع انتقاد سالم و روشنفکرانه مطبوعات کشور میباشد و امیدوار است با استفاده از این نوشته ها و ارائه نظرات مردم استفاده برد و راه حل منطقی مشکلات را بیابد. درمیز منور ژوندون بیشتر در مورد

محکوم بپرداخت مبلغ ۹۵۲۷۶۴ - افغانی نقد شدند در سه ماه اول سال ۱۳۵۲ - ۱۶۶۷ نفر متخلف به پرداخت ۱۱۲۸۰۰۰ - افغانی شدند که افزایش مقدار جرایم را حاکی است ولی در سه ماه اول ۱۳۵۳ - ۷۳۶۰ نفر فروشنده متخلف محکوم بپرداخت ۹۳۴۵۰۰ - افغانی نقد شدند که همه از نظر تعداد متخلفان و هم مقدار اخلال جرایم افزایش قابل توجهی را نسبت به سالهای گذشته نشان می دهد.

به همین اساس از ۲۶ سرطان سال ۵۱ تا ۲۶ سرطان سال ۵۲ -



گوشه ای از جریانات میزمدور ژوندون

تادر تمام کشور نرخ های استندرد شده وجود ندا شته باشد استقرار نرخها در يك محل و شهر مشكل است.

احتكار مواد ار تراقي دليل دوم صعود نرخها است وعدم استقرار آن

۲۹۲۷ نفر متخلف فروشنده محكوم بپرداخت جریمه نقدی ۴۶۲۲۲۵۱۰۰۰ افغانی واز ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ تا ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۳ ۲۴۲۳۸ نفر متخلف فروشنده محكوم به تحویل جریمه نقدی ۹۹۶۵۴۷۰۰۰ افغانی گشته اند که به مقایسه يك سال گذشته افزایش ۱۷۴۱۱ نفر فروشنده تخلف کار وازدیاد مبلغ ۵۳۰۴۲۹۶ -افغانی جریمه نقدی را می نماید.

ولی با این هم کمبود وسایط و پرسونل موجب میگردد که نتوانیم بطور قناعت بخش جلو تخلفات را بگیریم ومانع گرا نغروشی گردیم. همین اکنون نه گروپ از مفتشان

بناروالی همه روزه صبح ناشیب مصروف مراقبت نرخها میباشدولی باتوجه به بزرگی شهر وتراکم جمعیت این تعدادکم است ونمیتواند جوابگوی ضرورت ها گردد.

مارکیت هاو سوپر مارکیت ها : یکی از اشتراك کنندگان میزمدور ژوندون در بحث انتقاداز عماروالی تدویر مارکیت هاوسو پرمارکیت ها را توسط بناروا لپی يك راه حل معقول ومنطقی برای استقرار نرخها و جلو گیری از صعود نرخها خاطر نشان نموده بود درست است من این نظر را تائید میکنم ولی تا زمانیکه نقشه بزرگ شهریبه تطبیق گذاشته نشودو برای بناروا لسی



جریمه را در حقیقت مصرف کننده و خریدار می پردازد نه فروشنده و دوکاندار .

در سه ماه اول امسال ۲۳۶۰ نفر
متخلف محکوم به پرداخت ۲۳۱۹۳۴۵
افغانی جریمه گشتند و در مدت
یکسال جمهوری ۲۴۳۳۸ نفر از
اصناف تخلف کار مجبور به تادیبه
مبلغ ۹۹۲۶۵۴۷ افغانی پول نقد
شدند

برای استقرار نرخها بنا را در آینده کوپرا تیف ها و مار کیت
های بزرگ فروش را دایر میسازد.

سالها مندوی کابل در اجاره اجاره داران بود و قیمت ها در
اختیار فروشنده ولی حالا مندوی ها توسط گروه های بنا را و لی اداره
میگردد و جلو صعود نرخها گرفته میشود .



مدارک تازه عایداتی کاوش نگر در
عملی شدن این تیوری مشکل است،
در حال حاضر بنا بر ووالی
فاقد سرما به کافی است و دایر
ساختن سوپر مارکیت ها سر ما به
هنگفت به کار دارد .

به عنوان مثال باز هم بناد آور
میگردد که سال گذشته اگر وزارت
تجارت و بانک ملی افغان سر مایه
امانت در اختیار ما نمی گذاشتند ما
حتی برای ذخیره چوب و ذغال قدرت
بولی ندا شتیم .

روستا باختری :
فعالیت بنا را و لی در زمینه اخذ
جرایم نمایشگر تلاش آن است
برای استقرار نرخ اما پرسش اصلی در
این مورد است که آیا اخذ جریمه
و مسدود ساختن دکاکین تنها راه
حل مشکل است و یا اینکه طرق و
شیوه های بهتر و موثر تری هم
وجود دارد ؟

تجربه نشان داده است که بهمان
پیمان که حجم جرایم بلند میسرود
تعداد متخلفان نیز زیاد میگردد و
ضرر بیشتر متوجه مصرف کننده
میگردد که مجبور است جنس مورد
ضرورت را بعد از جریمه گشتن
فروشنده گرانتر از نرخ اول
خریداری نماید و یا به تعبیر دیگر
جریمه را فروشنده نمی پردازد ،
در حقیقت آنرا مصرف کننده
میپردازد در این زمینه بنا را و لی چه
دلایلی دارد ؟

بناغلی سمیعی معاون بنا را و لی :
نظر شما کاملا منطقی است و اخذ
جرایم نمیتواند راه حل منطقی باشد
از مدتهاست که بنا را و لی کابل طرح
تدویر کوپرا تیف ها و مارکیت ها
سر دست دارد و روی آن مطالعه می
نماید . کوپرا تیف ها و مارکیت ها
تنها راه حل معقول مشکل استقرار
نرخها میباشد و عرضه صحیح و درست
آن .

مندوی کابل که سالها با شیوه
اجاره داری اداره میگردد اکنون
توسط گروه های بنا را و لی اداره
میگردد که این موجب میگرد
که مواد از تزارقی طرف
ضرورت شهریان بنرخ معینه برای
شان بفروش رسد .

همین اکنون مطالعات دامنه داری
را شروع نموده ایم که بدون شک
بعد از تطبیق طرح های سرد است
استقرار نرخها به پیمان قناعت
بخشی عملی خواهد گردید و جلوشود
چوبی اشخاص گرفته خواهد شد .
بنا س یک طرح پیش بینی شده
که زیر مطالعه است در آینده نزدیک

در هر محل دو خیابازی و دو قصابی
توسط بنا را و لی دایر میگردد تا بنا
رقابت آزاد جلو صعود نرخ گوشت
و نان گرفته شود و طرق عرضه صحیح
این دو ماده عملا نشان داده شود .

بهر صورت بنا را و لی در تمام
مدت روز و شب برای شهریان کار
میکنند و خود را خدمتکار مردم می
داند . البته حل همه پرابلم ها کار
یکسال نیست و مدت زیاد تری را
ایجاب می نماید ، ما فقط از مردم
همکاری شان را در معرفی متخلفان
خواهائیم و همیشه به نظرات و انتقادات
شان احترام می گذاریم .

رووف راصع :
کمبود آب آشامیدنی صحیح در
محلات کهنه ساز کابل و مخصوصا
درخانه ها و منازل سر کوه ، یک
مشکل اساسی تمام باشندگان
این نواحی است ، طوریکه با ادعای
یک شرکت کننده میز مندور قبلی ما
یک مشک آب در منازل سر کوه ده
افغانی بفروش میرسد .

ممکن است مسئول شعب آب
رسانی بنا را و لی توضیح فرماید که
برای حل این مشکل و تهیه آب
مشروب صحیح برای همه مردم کابل
چه طرح های وجود دارد ، و در مدت
یکسال چه اقداماتی صورت گرفته
است ؟

دکتور عزیز سراج رئیس امور
صحیحی :
شهر کابل با نفوس شش صد هزار
نفری خود محتاج به پنجاه هزار
کوبیک متر آب در ۲۴ ساعت (یک
شب و یا روز) می باشد یعنی هر نفر
در حدود یکصد و شصت متر آب در
یک شب و روز ضرورت دارد البته
این مقدار آب تکافوی غسل دست و
رو شویی و غیره ضرورت همین نفر
را نیز می نماید .

فعلا ما با چهار چاه عمیق علاوالدین
که هر کدام ظرفیت سه هزار کوبیک
متر آب را در ۲۴ ساعت دارد دوازده
هزار کوبیک متر آب در یک شب و
روز در مخزن بریکوت میاندازیم
این مخزن در وسط کوه ده مزنگ
واقع بوده و هفت هزار کوبیک متر
ظرفیت دارد . در اینجا ممکن است
پرسا شود که شما دوازده هزار
کوبیک متر آب را در یک مخزن هفت
هزار کوبیک متره چطور میاندازید .
جواب اینست که این مخزن منبسط
دخول و خروج دارد از یکطرف که
آب در آن میافتد از طرف دیگر فوراً
برای توزیع خارج میشود .

علیشیر نوایی

ترجمه: ع. ح. ایلمدم

اساسی در باغ اغان بر نظامیان است از هر طرف دسته دسته سپاهیان سوار فرا میروند. اسبها مستی کتان شیشه میکشند و توغها در اهتزاز اند. خودها (کلاههای آهنین - ۲) وجوش سپاهیان در پرتو خورشید می درخشید دستهای سیمین آذیانه بیک ها، سامان و لوازم نقره کار اسپان آنها، پارچه های طلا، دانه های فیروزه و زبرجد غلاف شمشیرها، باتابش خود، چشمها را خیره می سازد. میان سپاهیان در کنار مردان دلیر و باشهامت کهنسالی که ریش انبوه برسینه های شان افتاده، اما تیز بین و تیز هوش چون جوانان بنظر میروند و پها دران مغروری که طوفانهای دشت زای معرکه جنگ را باز یچه ای بیش نمی پندارند. و در کار زاپیکار و ستیز آبدیده شده اند، نو جوانان کم تجربه ای که هنوز خط پروت دور لب شان ندویده نیز دیده میشوند. شهر هرات بدون توجه باین طنطنه و تشریفات بحیات عادی همیشگی خود ادامه میدهد. هرات چنین روزها را بسیار دیده است هرگاه اطفالی که بدون اعتنا به مستی و سرکشی اسپها، هر طرف میدوند و همدیگر را با شورش و فریاد صدا میکنند، استثناء قرار داده شوند، بزرگان سالان با شنیدن این خبر که سلطان بخاطر مقابله با محمد یار آماده گردیده است، میگویند: (خدا این سفر را با خیر مقرون سازد، آخر ملک به آرا می احتیاج دارد) و به زندگی معمولی خویش ادامه میدهند.

اسلم بر لاس - مرد چار شانه مغرور در حالیکه تیرو کمان مخصوص خود را حمل نموده است در پیشاپیش

تاینگای داستان

بهار، شهر زیبای هرات را - طراوت خاصی بخشیده است. خبر بازگشت عیشیر نوایی و تقرر او به حیث مهر دار دولت، چون حادثه مهمی در سراسر شهر انعکاس میکند، در یکی از شبها که نوایی تنها است، در وی شعلی برادرش نزدش می آید. هر دو پیرا موم امور مملکت بگفتگو میپردازند نوایی تصمیم خود را مبنی بر اینکه می خواهد کتابخانه بزرگ را اساس گذاری کند اظهار میدارد و میگوید که مسولیت امر را بدوش می - خواهد گذاشت.

فرمای آن، همینکه نوایی در دیوان حضور مییابد، حسین باقرا، اورانزد خود فرا میخواند و راجع به امور کشور با وی مشوره میکند و نظرش را در باره مجدالدین خواستار میشود. در همین آوان - ابوضیاء بازرگان معروف خراسان پیشنهاد میکند تا او جوه مورد ضرورت خزانه را نقلاً بپردازد مشروط بر اینکه بوی صلاحیت داده شود تا جوه مذکور را از طریق جمع آوری مالیات دو باره بدست آورد. این پیشنهاد در اثر وساطت مجدالدین پذیرفته میشود بعداً توغان بیگ مامور اجرای این وظیفه گردید، بیکی ازدهات وارد میگردد. ریش سفید دهکده از وی خواهش میکند تا درین مورد از ترش کار بگیرد.

از سلانکول با کامهای متین جلو آمده، کمی دورتر از حاضرین بر لب جوی نشست. به درختان اطراف، چند راس گاو، گوسفند و بز بسته بود. او بی بر دکه این هارا مباشرتاً اجباراً بعنوان گروگان ستانده است. لذا خشم و بغض بر گلویش فشار آورد و نگاه تند خود را بسوی آنها دوخت.

بسیاری از دهقانان با میداینکه شاید بتوانند مباشرتاً قسی القلب را بر سر عاطفه آورند، از زخانه های خود هر نوع غذا می آوردند. توغان بیگ که باریش سفید دهکده مشغول محاسبه و ثبت و کتابت بود، توجهی بطرف دستر خوان نکرد و فقط پس از ختم حساب و کتاب، اندکی غذا تناول کرده، دفعتاً از جابر خواست.

گاو و بزهای به گرو گرفته شده را به ریش سفید سپرد و بوی دستور داد تا ز مانی که وی از دهکده (فاریان) بر میگردد، بقایا را بایدم جمع آوری کند. و بعد از آنکه دست خود را بر سر روی اسب خود کش کرده نوازش داد، جبهیده روی زمین نشست و بسرعت از آنجا دور شد. ریش سفید چاق، گریبان خود را گرفته تکان داد و بسوی حاضرین نموده چشمان خود را دور داد و گفت: (دعا کنید، الهی این موجود از اسب بیفتد و گردنش بشکند) حاضرین دستها را بلند نموده، خشم آلود گفتند: (باید به سلطان شکایت برد شکایت!)

فصل چهارم

ساحه بزرگ پیشروی دروازه

حرف زد و گفت بعد از آنکه در فصل خزان، محصول زمینها جمع آوری گردد، حقوق خود را از خراج گرفته به شهر هرات خواهد رفت و برای خودش و دلدار لباس خواهد خرید. دلدار درباره مطالبی که راجع به بازار هرات و کالاهای گرانبهای آن از کهنسالان شنیده بود، پرسشهایی نموده از سلانکول با اینکه به شهر عظیم هرات پیش از دیوار (آنهم برای مدتهای بسیار کوتاه) نرفته بود، درباره تکه های کشمیری، ابریشم های چینی و دیگر قماشهای که سوداگران بفروش می رسانند، قصه های مفصلی نقل کرد. قلب هر دو از شادمانی و امید مالا مال شده، اندوه و مشقات، زندگی و نابسامانیهای روزگار را از یاد برده بودند.

بزرگ در همانجا گذاشته، بخاطر صرف غذا عازم خانه شدند. از سلانکول پانزده بیست قدم جلوتر حرکت کرد. همینکه دلدار به حویلی نزدیک شد، چشمش به توغان بیگ و ریش سفید قریه که روی شال، در زیر درخت نشسته بودند، و برخی از مردم دهکده افتاده که ترسان و لرزان آنجا گرد آمده بودند، بنا بر آن بدون آنکه بطرف آنها برود، به عقب دیوار خزید.

دسته سوار، بمشابه (طلاسه) لشکر، خاک برانگیخته حرکت کرد.

حسین بايقرا از دروازه (باغ زاقان) تازان براسب، باوقار و متانت خارج گردید. لوازم تجملی گرانبهایی که در پیراستن لباس هایش بکار رفته بود در برابر لوازم واسباب تجملی اسپ قیرگون برصلا بت او، چندان مایه تعجب نمیگردید. حسین بايقرا که در زمره سلاله تیمور به شمشیر زنی شهرت داشت، جلو توسن خودراکه باجویدن لجام سیمین پینا با نه کام بر میداشت، محکم بدست گرفته باوضعی بها درانه، روی زین قرار گرفته بود. از عقب او بیکه ها، سرگردگان، اقارب و اعضای منسوب بخاندان سلطان، مقرر بان و مصاحبان حضور و همچنان سواران (زیبای) منسوب بخانواده های بزرگ خراسان که زینت بخش سرای و مایه حشمت و شکوه مجالس ضیافت ویزمهای خسروانه بودند، کلا مهای نفیس گرانبها بر سر، چکمن های ماهوت دربر و کمر بند های گران قیمت بر دور کمر، دسته دسته بر اسپهای شوخ و سرکش قرار گرفته بودند.

دسته ای از قراولان از پی هم دویده تازیانه های خویش را در هوا به حرکت در آوردند و با این وضع، حرکت سلطان را ابلاغ نمودند. آنها راهگذران سوار را از اسپ و مر کب فرود آورده پیاده ها را به دیوارهای دوطرف کوچه می چسباندند. عابرین تاب خود حرکت دهند، ضرب تازیانه را بر سر و دوش خود احساس میکردند سو داگرا نازدگانها بر آمده، دستها را باوقار و متانت روی سینه نهاده، وصول سلطان را انتظار میبردند.

طلاب علم در عقب مدرسه «گوهرشاد بیگم» زیر رواق بلندی دسته بزرگی را تشکیل داده بودند آنها درباره یادگار میرزا که در نواحی استرا با، بخاطر بدست آوردن تاج و تخت، علم عصیان بر افراشته بود، حرف میزدند و راجع به اینکه او کیست، از کدام خانواده است و از چه راهی به تیمور می رسد، بحد آگه میپرداختند و نام شهبزادگان زنده و مرده، نامور و بی نام و نشان را بزبان می آوردند. سلطان نمراد وزین الدین با ایراد لطایف و سخنان هزل آمیز، بعضا همه را غرق در خنده میساختند. درین موقع قراولان حوالی خشمگین تازیانه خود را در هوا

چرخانده بادیده و تخیر از آنجا عبور کرد. زین الدین بصدا یسی نسبتا بلند گفت: هیچکس رانزد خود نکند اشتی. این دو شاخ گاو، اگر خرداشتی دوستان لحظه ای لبها را گزیده خاموش ماندند، اما همینکه قراول بدون درک مفهوم کنایه آمیز شعر از آنجا دور شدند، از لبان بسته آنها موجی از خنده قهقهه برخاست. سلطان نمراد به شانۀ دوست خود زده گفت: (اگر تو وجود نمیداشتی درین زندگی پر از ناملایمات، خنده را کاملا فراموش میردیم.)

همینکه موکب حسین بايقرا - نزدیک شد، تمام طلاب علم دست بر سینه نهاده، بعنوان احترام خم شدند. چون سلطان نمراد سر خود را بالا کرد، موکب از آنجا فاصله گرفته بود. چشمش به نوایی افتاد. نوایی در حالیکه جلو اسپ راملازم در دست گرفته بود، بی اعتنا به اینهمه شکوه و دبدبه، مثل اینکه مانند همیشه

قلیش دستخوش الهام و اندیشه باشد، با خواجه افضل شاعر شیخم سپیدی و کمال الدین حسین گزر گاهی، در یک صف مردان بود. شاعر در برابر طلابی که او را استقبال مینمودند، با چشمانی که نور شادمانی و محبت از آنها میتافت التفات صمیمانه نشان داد.

طلاب در صحن سنگفرش مدرسه داخل گردید، نا پدید شدند. سلطان مراد به حجره درآمد، اما علاقه ای بقیه در صفحه ۵۶



خه شى بايد و خورواو كوم غذايي مواد زياتره تاسو ته انرژي در كوي؟

محيط دتو دوشي درجه هم داسي تنظيمه شي چه تودوشي ياسرو ته دسانتيگراد ۱۸ درجي په كوته كښي او ۲۷ درجي تودي كه واري، بيا هم دژوندي پاتي كيدو دپاره دتودوشي ۱۶۰۰ لوني كالوري ته اړتيا لري چه بايد هغه دغذا له سوخيدو څخه تايمينه كړي. لويه كالوري دتودوشي هغه اندازه ده چه وكولسي شي ديوه ليترو اوپو دتسو دو خي درجه لوړه بوزي. مگر له دي امله چه انسان تل دكار او فعاليت په حال كښي دي، ددغي اندازه نه زياتي كالوري ته اړتيا لري او البته هر څومره چه دفعاليت اندازه زياته وي، زياتي غذا ته به هم اړتيا ولري. داسي اټكل شويدي چه دهغه چا دپاره چه او يا كيلو گرامه وزن ولري اود ميز ترشا فعاليت سرتو ورسوي ميلا ماموروي، په ۲۴ ساعتو كښي دوه زره څلور سوه كالوري كافي ده دكالوري دغه اندازه دغذايي دري اصلي موادو يعني غوښي(پرو تين، قندي موادو، چودي، قنده، مربي او عسل) او غوړو موادو (حيواني او نباتي غوړو) څخه لاس ته راځي په دي معني چه دهغو له سوزيدو څخه لازمه كالوري لاس ته راځي

ددي دپاره چه وكولاي شو دبدن دپاره داړتيا وپدغذايي موادو اندازه چه هره غذايي ماده يي منځ ته راوړي لاس ته راوړو بايد دكالوري اندازه مشخصه كړو. يو گرام قندي ماده او يو گرام پرو تين څلور كالوري تودوخه توليدوي، مگر يو گرام غوړ كالوري يعني دهغو له اندازه نه دوه چنده زياته تودوخه توليدوي. له دي امله پوهيداي شو چه ولي غوړ مواد دزيات چاغوالي اغيزه لري .

دسوخيديو به وخت كښي ددغي تودوشي يوه اندازه له منځه ځي او به دي وجه به سلو كښي شل بايدغذا زياته شي ترڅو دكالوري لازمه اندازه لاس ته راشي. بايد وپوهيدل شي چه دغذاگانو ترمنځ بايد مشخص نسبت موجود وي به دي ترتيب چه به سلو كښي ديارلس كالوري له پرو تينو څخه ، به سلو كښي يوويشت له غوړو څخه او به سلو كښي شپيته له قندي موادو څخه تمبه شي . به دي ډول وينو چه د انسان دبدن دتودخي دانرژي دوه دريمه برخه ژوندون

دسلا متيا يوه نښه وه اود غوړو ډوړيو څخه غذا نه پيژندله او په حقيقت كښي يي غذا نه خورله چه ژوند وكړي بلكه ژوند يي كاډ چه غذا وخوري مگر نن ورځ دتغذيوي ناروغيو په زياتوالي پيژندلو سره، ددغي وضع پته نشته او ځلك له غذا څخه هغه څه غواړي چه ددوي روغتيا ته زيان ونه رسوي اومونډ ددغي علمي څيړني په ترڅ كښي هغه څه چه پوهيدل يي دهرچا دپاره

په پخوا وختو كښي ځلكو دغذا دكثافت سره علاقه نه نه بودله او يوازي كميت ته يي اهميت وركاؤ. چاغوالي دسلامتيا يوه نښه وه اود غوړو ډوړيو څخه يي پرته بله غوره غذا نه پيژندله. مگر نن ورځ د تغذيوي ناروغيو په زياتو پيژندلو سره ددغي وضع پته نشته او ځلك له غذا څخه هغه څه غواړي چه ددوي روغتيا ته زيان ونه رسوي . څيړنو ښودلې ده چه انسان هره ورځ دخپل هريو كيلو گرام وزن دپاره يونيم گرام پروتينو ته اړتيا لري چه بايد نيمه برخه يي له حيواني پروتينو څخه او پاتي نيمه برخه يي نباتي پروتينو څخه لاس ته راوړي .



دښه ژوند شرط دبدن روغتيا او سلامتي ده وروستيو كلو كښي دغذا نقش په روغتيا راوستلو ياد ناروغيو په منځ ته راوړلو كښي ښه ترا څرگندشو او اوسني انسان پوره پوهيدلې دي دي چه دښه ژوند شرط دبدن روغتيا او سلامتي ده او كه څوك نن ورځ په ميالمستيا گانو كښي غذا خورلو څخه ډډه كوي، دمړښت له امله نه بلكه له دي كبله دي چه پوهيږي مثلا دوينو كلسترول يي زيات دي او بايد پرهيز وكړي . په پخوا وختو كښي ځلك دغذا دكثافت سره علاقه نه نه بودله او كميت ته يي اهميت وركاؤ، چاغوالي

په ښكته او ابتدائي سطح كښي ژوندي موجودات، له مختلفو موادو څخه تغذيي ته اړتيا نه لري، مثلا وايښه يوازي معدني موادو اود هوا كارپونيك گاز ته اړدي او مگروپونه يوازي له قند څخه تغذيي كوي. زياتره حيوانات كوم شي چه دبدن دپاره يي ضروري دي پخپله جوړوي، مگر انسان چه دمخكي دمخ ډيسر بشپړ موجود دي، دغه قدرت له لاسه وركړي او زياتو موادو ته اړتيا لري چه بايد له غذاگانو څخه يي لاس ته راوړي. كوم شي چه انسان غذا خورلو ته مجبوري ، لوړه ده چه په دي وسيله انسان دانرژي د تمبه كولو دپاره لازمه كالوري لاس ته راوړي. لوړه دتښي به شان هم دېشر دلومړنيو غرايزو څخه ده اودغه غريزه هغه مجبوروي چه په غذا پسې وگرځي او لاس ته يي راوړي. په انسان كې غذا خورل يوازي دبدن په اړتيا پوري اړه نه لري بلكه دحس او عاطفي موضوع هم پكښي لوي نقش لوبوي. دغذا خوند او پوي اشتيا خلاصوي او عاطفي او روحيي مساييل هم ور باندې زياته اغيزه لري . په

معدنی مواد :

ددری گونو غذایی موادو نه علاوه انسان معدنی موادو ته اړتیا لری او له دغو موادو څخه دورخی له پنځه څخه تر دیرش گرامو پوری بدن ته رسپیری چه نیمایی مالگه ده او نوریی له پوتاسیم ، گوگړو فاسفور کلسیم او منیز یوم څخه عبارت دی. سابه له معدنی موادو څخه ډک دی چه دپخیدو په وخت کنبی یی مالگه آزادپیری. باید وویل شی چه (سودیم) دسلولی بهر په مایع کنبی زیات دی او انډول ساتی کلسیم ددهوکو او غاښونو په جوړښت کنبی ضروری ده اود وینو په جوړولو کنبی برخه لری اودغه رازدعضلاتو او اعصابو په چارو کنبی مهم نقش لوبوی .

هډوکی دبدن دکلسیم اصلی مخزن دی اوبه سلو کنبی ۹۹ دبدن کلسیم په هغو کنبی دی او په هغه سړی کنبی چه اویا کیلو وزن و لری، اندازه ۱۰۴ کیلو ده. شیدی هغه مهمه غذایی ماده ده چه زیات کلسیم دبدن په جوړښت کنبی ضروری ده پاتی په ۵۷ مخکی

ویتامینونه دهغو په وسیله بدن ته داخلپیری او ځینی غوړ اسیدونه د بدن دپاره ضروری ده، خونه بنیایی چه دغوړو په اندازه کنبی افراط وشی ځکه چه دچاغوالی اود بدن دانډول دله منځه تسو سبب گرخی په کلی توگه دهغه چا دپاره چه اویا کیلو گرامه وزن و لری دورخی شپږ سوه گرامه غوړ کافی ده چه له دری څخه یوه برخه یی باید حیوانی اودوه نوری برخه یی نباتی غوړی وی. دغوړو موادو اندازه په غذایی موادو کنبی په سلو کنبی ۸۳ پیروی په سلو کنبی ۸۳ دمارگرین غوړی، مستی په سلو کنبی ۱۰۵ بوخ په سلو کنبی پنځه دیرش پیږ په سلو کنبی دیرش نباتی اوزیتون غوړی په سلو کنبی ۹۹ پسته په سلو کنبی شپيته غوړینه لوبیا په سلو کنبی اتلس ده. په دی ډول پوهیدای شو چه دانسان دپاره دورخی ۲۵ گرامه پیر وی (حیوانی غوړی) او څلو ویشتم گرامه نباتی غوړی کافی ده، حال داچه په اوس وخت کنبی زمونږ لگښت له دغی اندازی څخه ډیر زیات دی .

سلو کنبی لس څیگر په سلو کنبی یوویشتم خاویار په سلو کنبی شپږ دیرش، دهکیو ژپږ په سلوکی شپاړس اوسپینه یی په سلو کنبی یولس، مستی په سلو کنبی ۳۰۵ ، شیدی په سلو کنبی ۳۰۵، پیږ په سلو کنبی له ۸ څخه تر دیرش پوری اوکب په سلو کنبی له شپاړس څخه تر دیرش پوری پروتین لری. له نباتی پروتینو څخه، غوړه لوبیا په سلوکی پنځه دیرش، لوبیا په سلو کنبی ۷۰۵ نولس، وریجی په سلو کنبی ۱۰۵ او نوری دانی په سلو کنبی ۱۰۵ پروتین لری. نو ځکه انسان باید دورخی ۲۵۰ گرامه غوښی اولبنیات او هکی او ۲۵۰ گرامه لوبیا اونور نباتی پروتینو ته وخوری . باید وویل شی چه په هکیو کنبی موجود پروتین ډیر بشپړ ډول پروتین دی چه دبدن اته ډوله ضروری امینو- اسیدونه پکښی شته .

قندی او غوړ مواد :

دانسان ډیره مهمه غذایی ماده ، قندی مواد دی چه د انسان دپاره ډیره ضروری ده. ددغی مادی اهمیت له دوه پلوه دی یوه دبدن دپاره د ضروری تودوخی دتامین له پلوه او بل داچه دهغو مصرف ددی سبب کیږی چه زیاتو غوړو موادو له سوخیدو څخه مخنیوی وشی . لکه چه وویل شو دهغه چا دپاره چه دمیز ترشا کار کوی ، دورخی دری سوه پنخوس گرامه گلو سیدی مواد لازم دی چه په حساب سره له دغو موادو څخه یی لاس ته راوستلای شو- قند په سلو کنبی ۹۸، مربا په سلو کنبی ۶۰ تر ۷۰ پوری، عسل په سلو کی اتیا، غله په سلو کنبی پنځه اویا، ډوډی په سلو کنبی پنخوس، وچ سابه په سلوکی شپيته او پتاتی په سلو کنبی شل گلو سیدی لری. له دغه امله سړی کولای شی چه دورخی ۷۰۰ گرامه ډوډی یاد گلو سید په حسابولو سره نور مواد وخوری .

دغوړو موادو په باره کنبی ځینی کسان داسی عقیده لری چه باید غوړی له یوه سره له غذا څخه لیری کړی شی. حال دا چه دغه ډول فکر سم نه دی داځکه چه غوړی په بدن کنبی دزهره په ضد اغیزه لری او سربیره به دی لږه اندازه یی زیاته کالوری تولیدوی او له ټولونه مهم ټکی دادی چه په غوړو کنبی محلول

له قندی موادو څخه لاس ته راخی اوانسان دکار اوفعالیت دپاره په لومړی درجه کنبی ډوډی اوغلی دانی نه اړتیا لری. قندی مواد په بدن کنبی (گلیکوزن) په شکل په ځگر او عضلاتو کنبی ذخیره کیږی. وایل کیږی چه د انسان دبدن (گلیکوزن) ټوله ذخیره څه ناڅه دری زره کالوری تودوخه تولیدوی چه تقریبا دیوی ورخی دپاره کافی ده او که څوک له یوی ورخی نه زیات وزی پاتی شی بدن خپله اړتیا له خپلی غوړی ذخیری څخه تامینوی نوځکه هغه مامور چه زیات جسمی فعالیت نه لری د ۲۴۰۰ کالوری دلاس ته راوړلو دپاره ۳۵۰ گرامه گلو سید سل گرامه پروتین او اویا گرامه غوړینو موادو ته اړتیا لری. مگر دبدن اړتیا یوازی کالوری ته نه ده یعنی یو انسان نشی کولای چه یوازی ډوډی یا غوړو موادو په خوړلو سره متعادل ژوند ولری، له همدغه امله په غذاکی دتنوع مراعات باید وشی .

انسان غوښو اونورو پروتینی موادو ته اړ دی ځکه چه دبدن نسجونه لهمدغی مادی څخه جوړ شویدی اوبه دی وجه دهغو دجوړښت او ترمیم دپاره اودغه راز دانتی کور جوړیدو دپاره چه دغونونو په مقابل کنبی ددفاع دپاره لازم دی. باید دورخی یوه اندازه دغه ماده وخورله شی. باید وویل شی چه ټول پروتینونه یو خاصیت نه لری اود اسید امینو له پلوه یو ډبل سره توپیر لری. د انسان بدن دوه ډوله پروتینو ته اړتیا لری. یوه یی هرډول پروتینی چه په ځینو هغو امینو اسید ونو ماده او بل یی ټاکلی پروتینی ماده پوری اړه لری چه د انسان بدن یی دجوړولو توان نه لری ، حال داچه موجودیت یی ضروری ده. څیړنو ښودلی ده چه انسان سره ورخ دخپل هر یوه کیلو گرام وزن دپاره یونیم گرام پروتینو ته اړتیا لری چه باید نیمه برخه یی له حیوانی پروتینو څخه او پاتی نیمه برخه یی له نباتی پروتینو څخه لاس ته راوړی .

له پروتینو څخه ډک مواد په طبیعت کنبی زیات دی. مثلا دپسه غوښه په سلو کنبی اوولس دخوسی غوښه په سلو کنبی اتلس، دوری غوښه په سلو کنبی څولس، چرگوړی په سلو کی یوویشتم، دغوا اوپسه ماغزه په



انسان غوښو او نور وپرو تیشی موادو ته اړ دی ځکه چه د بدن نسجونه همدغی مادی څخه جوړ شویدی .

کلی ته رانک ددی نیاره وچه د (پتمن) په خپروباندي ښه زور فکروکړی او خپل دریغ په روښانه ډول څرگند کاندی .

سپا سپاروختی له کوره ووت . په کړندو کی یواځی روان شو . همدلته دی کړندو ته یی کتل سخه رخه ورغله . ترهغوچه سترگو یی کارکاوو له بارنه ډکو او درندووهیی توجه جلبوله له خانه سره یی سوچ کاوه .

- (آه چه گن شمیر خواران پدی کړندو کی کاراکوی خو په پای کی دلیوانو کندوان نوبته ډکیري . . اوبیاپه یی شاو دښتو ته وکتل اوله خانه سره به یی وویل :

- (که ددی هیواددخوار اوسپیرو انسان له پښونه داچارمیخ پندونه وسپول شی له دی شاوودښونه به خانو نو ته چنست جوړی کړی ...)

دسپارون پسته هوا ډیره ښه یی لکیدله . زورورو دکړندوپه منځ کی روان و له بزگرانو سره به یی خبری کولی او په خواخوږی سره به یی دهغوی خپرونه غوږنیوه ...

همداچه بیرته کلی ته راستون شوپوشمیر ماشومان یی ولیدل چه په خاورو کی لوبی کړی . سخت وپارید له خان سره یی فکر وکړ .

- (آه ! دغوماشومان په خپروملیون هاو خوارواوسپیرو ماشومانو دژوند په بیه ده چه یوه کوچنی ډله ما شومان په وکتونسو او روزنتونو کی سره اوسپین گړشی او لوبی کړی ... او داخواران دولی - بندمرغی - ناروغی اولیستی دښپهوله لاسه په مرگ محکومان دی ...)

اوله همدی تاثراتو سره دخپل کور خوانه روان شو . خو همددا خانانو دکلاخ نه تیریده نودهغوی دیرجوری کلادیوال یی ولید چه یوه زوره چاوده پکی پیدا شویده اودهغی په کتنه موسکی شوه .

دچنگاښ دمیاشتی وروستی ورشی وی . اودهغی میاشتی وروستی لسیزی په لومړی ورځ وچه (پتمن) خپل لاسی پکس وټاړه او همدلته سبا نازی یی وکړ نوبی پلارته مخ واړو . او ورته وی وویل :

- (پلار دعاوا ته کوه ... ژوند په یوه حال نه وی ډیری هسکی آتشی لری - مرگ اومیرنه لری اوداسی نوروهیله ده چه په هره دوعا کی درپه یادوسم ...)

(سپین) پلارچه یوسپین روپی مسری و لدی خبری نه په رقت راغی وی ډول اورنی اوبشکی یی په سپینه ډیره تو ی شسوی .

(سپین) هم زړه ودریدیدو مری یی دکه شوه مور یی هم یوگودته ولاړه وه - هغه هم په ژواشوه . (سپین) ته یی پلارترشده دوعا وکړه اوبیا هغه کوزشو چه دپلارپښی ونیسی . خو پلاری یی نښود او په تندی یی ښکل کړ .

دمور پښونه ورپښت شو دهغی پښی یی مخ کړی بیای دخیلو خوندواو خیلو ورو نو هغونه ښکل کړل .

پلارته یی وویل :

- (بیاهم پښته درنه غواړم پلاره ! موری ! ماوینسی ... هبله کوم ماوینسی اودوعا رانه وکړی)

هغوی ډول اودوعاوی یی ورته کولی او پدی توگه یی له ټولوشغه خدای پامانی وکړه . اوهمدلته له کلی نه لږشه لری شو نوبی خپل ترپورته چه ورسره راغلی و وویل :

- (شمینکبه) ته خو یوه پیری چه ژمون ترمیرغونه پیل شوی دی موږپه پراشوت کی له الوتکی نه خانونه اچوواوداموږ ډیرسخت ترمیرغونه دی وویل کپیری نه مرگ اومیرنه شته په همدی لنډوورشوکی ښارته راشه وروله مسی واړه دی او اکاری هم یو دواشوی ... که شه پښه په ما پانندی وشي چه بیانه یوخو خبروی . دتربوری هم مری دکه شوه .. خوداږینه یی ورکړه او ورته یی وویل :

- (خدای دی نکړی (سپینه) داته له سپاره راهسی دمرگ اومیرنی خبری کوی ... خدای لوی دی .)

- (ویل کپیری له وروړه ژوند شه اعتبار

نلری ... اوبیاپه خنداشو او (شمینکی) په داسی حال کی چه ډاډورکاوه - ډاکاربه ورکړی خدای پامانی یی ورسره وکړه اوسپین موږته وخت په داسی حال کی چه ټوله لاره یی د خپل ملگری (پتمن) خبره له نظره نه لری کیده

له اوپه همدی څورونکو سوچونو سره ښار ته ورسید . ښارخپل همیشنی نظم درلود . هماغه گڼه کوبه وه هبغ نهوه پکی بدل شوی .

سخه نو دوهو وه ... همدلته خپلی کوټسی ته ورسیدنو (څوک) هرسکی ورته وویل او دواړه ملگری دکلی په کیسو لگیاه شول .

هغه سهار (سپین) دهری ورشی په شان له (څوک) نه خدای پامانی وکړه او ورته وی وویل :

- (زه نولایم اندیواله . ته خوښ نه وشي ؟)

(څوک) خواب ورکړ : - (نه ... زه نن بیاهم شم اودخپل کار پوښتنه کوم ... نه پوهیږم چه غولری موکه رښتیا هم کاراکوی .. یوخبر خو آخلم ... بیا بیرته کوټی ته راشم ښایی چه نن مسی ایا هم راشی ...)

ورته ووت اوشاوخوانه یی نظروغی او سپایان کنه پورته تلل اورانلل خونووخوک یی شکمن برنظره ورته غلل . بیرته راغی اوله (پتمن) سره کیناست ورته وی کتل . یوه له معنی

سخه ډکه کتنه (پتمن) موسکی و . (سپین) دکت دپاسه یو کاغذ سویښ شوی و . دنمونو لست و کاغذته یی وکتل دخپل تندی خوله یی پاکه کړه اوبیای (سپین) ته وویل :

- (نن شپه نوکړی یی) - (لکه چه وینی ا هوکی نن شپه مسی واردی ام)

اوپتمن وویل : - (له شپه مرغه ... تولی دی چمتودی .)

(سپین) له معنی نه په ډک اندازکی ورتسه وکتل :

- (هرخه برابری دی .)

هغوی غلی وترشده پوری اواخر (پتمن) له شایه پورته شو . دسختی تودوشی نه ژوړه یی خپل په خولولوند خبشرت گمیس خ واره دپکی په دود وخنده . آخری یی یخ شو . او سپین ته یی وویل :

- (ماژدیگر دی بیاهم وینم ښایی دشپس شوڅو واره سره ووینو ...)

خوادپخوانتل . یوپریدگی راغی ورورو یی دلندی شیبی له پاره شه ورته وویل اوبیا ولاړ . (سپین) خپله خوله واخسته اوله قشلی سخه ووت ...

ورو وروښارته نژدی شو . په ښارکی دماژدیگر اومانبام ترمنځه خاص گڼه کوبه وه . ښار خپل همیشنی نظم درلود . دهری ورشی په شان هماغه حال و . دموترو نه پر یکیدونکی او پرله پسې تگ اورانگ ښاری وه ... هغه ورو د

کافی له ووه نه تیرشو اوباس په زینو کی وخت . هماغه ورننوت نوبی (پتمن) ولیدچه له یوه بل ملگری سره چه (سپین) دلومړی ځل له پاره لیده هلته ناست وه دواړوملکی دریشی کافی په شانونو کی وی .

دهغوی خوانه کیناست غلی وه . له یوه په هم غرنخوت . پوری هندی سنډری دکافی په قضاة کی انگاره کوله دکافی شاگردانو زوزه جوړه کړی وه اوچایونه وچه هاخوا دپخوا یی ډول په همدی وخت کی (پتمن) ورو دسترگو له څنگ نه خپل ملگری ته وکتل . هغه هم

(سپین) ته اودری واویول ته . او (پتمن) ورو (سپین) په غورکی شه وویل سپین ورو تکرار کړه :

دکافی په قضاة کی انگاره کوله دکافی شاگردانو زوزه جوړه کړی وه اوچایونه وچه هاخوا دپخوا یی ډول په همدی وخت کی (پتمن) ورو دسترگو له څنگ نه خپل ملگری ته وکتل . هغه هم

د ورو

داکسه چه سرله همدی گڼی څخه یی خپریدل پیل کپیری ، دژاړه نظام دتنگیدواو دپوه نوی دوران دجوړیدو نیم روڼ تصویر دی ، هغه ولس ته چه له موخیرستانه هشی سره وړاندی کپیری چه نن سپایی دویار او انفخار پر لیمه چنده رسپیری او رپیری ، او بیا هم هغه ولس ته وړاندی کپیری چه دانقلاب مشر اوسر غندولی یی دژوند او پریو نوو نوو افقونو ته لاریښونه کوی ، او بالاخر دجمهوری انقلاب مشر ته وړاندی کپیری ، هغه چاته چه دهیلو سپین گلانی زمونږ دولس په زړه کی وکړل .

یادونه: پدی کیسی کی ټولی صحتی اونومونه دلیکوال دخیال محصول دی .

او (سپین) له کوټی څخه ووت خوشدازده چه ولری یی په ډیره تودوخه خدای پامانی ترینه وکړه په زورو چورنو کسی ډوب تر خپلی قشلی پوری ورسید . همدلته دقشلی له ورته تیریده هری ورشی په شان ټک شو اوپیره دازسلامی ووهله . (سپین) لاس پورته کړ دخپلی خولی تربیکه یی ورساوه اوسلام یی واخیست اولیمه کړی وروسته یی ټولی دتعلیم له پاره میدان ته بوت ..

ټکنده غرغه وه چه سپین ټولی بیرته له ډگرته راوست سپایان ددوی خوراک له پاره لاړل اوهغه هم خپلی کوټی ته راغی . یوه شپه په خپلی بختری بانندی او پوځو غزیسه ، په سترگو بانندی یی دخوب لښکر یرغل وروزی وچه دوره غرنوخپله خولی یی په مخ بانندی ایښی وه خوله یی لری کړه اومترگی یی په (پتمن) بانندی ولگیدل . ژرپاشید او روغی یی ورسره وکړ همدلته (پتمن) په کت بانندی کیناست او (سپین) له شایه پاشیدله

- (خدایه ماته توفیق راوبخشی هغه درنه وظیفه چه زاله غاری ده برله ویری پرته له له جینه اوپه ډیره میرانه سرته ورسوم) له کپرکی نه یی بهرته وکتل . سپایان هماغسی تلل راتلل . یویو متصدار هم تیریده . خو (سپین) په ژورسوج کی ډوب و . (پتمن) یوه شپه هم دهغه له نظره نه لری کیده اوهماغسی یی په ذهن کی ... ترهغو چه دماژدیگر ۱۸۸۸ بجی شوی ..

له خپلی کوټی نه ووت . پرته له (سپینه) یودوه نورومتصداران دقشلی په انگرکی ها

- (انقلاب ا) اوموسکی شو . دشپس عمومی نوم انقلاب ټاکل شوی و . دهغی شیبی نوم چه په خپلی توری او پوله ویری اوحادثونه ډکی کیدی کی یی یومستر بدلون روژه ...

سپین خپله چنک نسبه گسسته تپل و دشپس جنازه ووتله

او نیمه کړی وروسته هغوی له کافی څخه راگوز شول وروستی سپارښتنی یی یو بل ته سره وکړی او هر یو چه خپله منځه روان شو .

ټولس بجی وی چه (سپین) بیرته قشلی ته ستون شو . سبا یانو تو لو ډډی موږی وخوره او کا لغو شو ته ولاړل .

(سپین) په ژورو سو جو نو کی ډوب دتولی په دایره کی ناست و . سخت پاریدلی اوهیجانی و . هره دقیقه دیوه کال په شان یی تیرید له . دهغه فکر هغه متر هدف ته متوجه و چه نن شپه باید ترسره شوی وای هغه هدف چه د یوولس دسر نوشت دبهر مخه یی بیخی بلی خواسته او: بوله په قشلی بانندی درندی چوپتیا وژروله خپره کړی وهغه همداسی ناست و اوپه خپلو ناپایه چو تووکی ډوب و . هماغه برید کی چه ماژدیگر کی هغه احوال راوړی وه راغی موسکی وار یوه تو ته کاغذچه دخبرت راویور پری لیکلی شوی ودهغه مخی ته کړشود

(سپین) هم موسکی شو په پته خوله یی خندل

ژوندون

اوریدگی ته یی وول :
(سپینه ؟)

اوریدگی چه په خو نو کی لوند خشت
وه ورته وویل :
(تر اوسه خو بیخی خبریت دی)
(عجب خبریت دی)

اوبیا ئی دمیونی خیر کرښی بیرته چدی شوی
خپل غټ سرنی چه دکوی وینشان یی نوی
شوی وپه لاسونو کی ونیو اوبیا په سوچ کی
دوب شو . خپلی گڼی ته یی وکتل ۲۱ پیوی
وی بریدگی ته یی وکتل اوبیا یی ورو څه ورته
وویل هغه پورته شو . دواړه پنی یی سره
وکتولی سلام یی وکړ و د تولی له - دایری نه
وکتولی سلام یی وکړ و د تولی له - دایری نه
دوتایچه گڼی یی خپل سرد خوکی په پستی
باندی لگولی و . او هندا سی خوب وهی وسخو
همدا چه دوره ترک شو نو بیرته یی سترگی
پرانتلی بریدگی مخی ته ولاړ و .
دیریدگی که خبری نه یی هیڅ نه موه لوستلی
درویی هغه ته وویل :

(سپین) بیاهم خپل سر په خوکی ولگاوه
وچه خپلی گڼی ته یی وکتل نو پوره خلونیت
بجی وی .

په همدی وخت که (پتمن) راپیدا شو
هماغه ملگری ور سره وچه مازدیگی یی په

د (۱۵) دقیقو په اوږدو کی پایی ته ورسیده
اودهغه میونی او غر ځنی تولی ولیدیده
خوشییبی وروسته یی له (پتمن) څخه وروستی
سپارښتی وای ریدلی او په خپله مخه روان
شو . دښار په زوره چوپتیا کښی ډوب و . که
څه هم دیونیم مو تر په تیریدو په دلنوی
شیبی له پاره دا چوپتیا ماته شوه هرڅه
دتر ویرمی په زړه کی خوندی او غلی وو . .
تولو افرادو په لاسو توکی لټه کی توپکوته
وو او هغوی په ډیره زړه ورتیاداسی حال
کی چه سخت پاریدلی او هیجانی و دخیل
هدفینخوا شغستل . ستر و او ښکل و دانیو
په توره ترومی کی قدونه ایستلی وو . او
دغو غر ځنیو ځلمیانو چه خپل سرورنه دخپل
ولس دسر نوشت داپولو لپاره په لاسونو کی
نیولی وه ددغو ښکلو ودانیو ددیوالو نوبه
سوری کی حرکت کاوه اومخ په وړاندی
خو خپدل . .

(سپین) یواشی دوه دقیقې وخت وموند
او خپلو افرادو ته ئی دا وروستی بولی ورکړ .
- بیرته زما له امره دهیجا امرمننی او
آجرا وړندی زه مو لو مرنی امر یم . هرڅه

هغه له بزدلی او ویری نه ډک غږ و اود
هغه چاله مری نه اوریدل کیده چه باید
چگری په میدان کی یی دیرغل او برید بولی
ور گڼی وای !
نوشییبی بیا هم چوپتیاوه (سپین) پمیر
خیر سره وضعه خارله . .
هغه وک چه باید دوی نیولی وای ورک
وو . داسی ښکاریده چه دکور هستو گنی
تول مړه شوی وی . دمرگ چوپتیا خبره وه .
افرادو یی دبریشنا سو چونه لگولی وو . مانی
په رڼا کی ډوبه وه . خو دهغی دهستو گتوڅه
پته لکیده . . په همدی وخت کی چوپسی
چوپتیا خپل ځای یو غریو ته ور گڼی . . .

هغه غږ او غوراته چه (سپین) غوږ په اواز
اومتظرو دښار په زړه کی هلهته چه کلونه
دځلکو سر نوشت ټاکل کیده او هلهته چه
برجلونو گنتی یی دځلکو زړونه رپړدولی
بولادوزمی . موجود - یو قهرمان ټانک په
غوړیدو وو . دی غږ (سپین) په زړه کښی
دهیلی او امید زری وکړل . مو سکښی شواو
روانه وه . په یوه حرکت سره یی ځان له
دیواله نه ها خوا - ورخواوه . بریدگی لاولاړو
او ورپسی دوه درېو تکره افرادو ځانونه

خبازه ووتله



لیدلی کته درښوده می . .
بریدگی چه ولیدل له بودا څخه څه نه
بوتیبری توپنه روان شو . خوشییبی وروسته
(سپین) هغه موجود مخکی گڼی وچه چیغی
ناری او سوری یی وهلی هغه بزدل او ډارن
مو چود چه گمان کیده دچگری په ډگر باندی
په دهبواد دساتنی پخاطر دچگری بولی ور
کوی . . یوچک او پند سوری په داسی حال
کی چه دخوب کوټ یی په شان کی و اوله
بشیا څخه یی غټنود وازدو او غوږپو په
ستیدلی سمندر کی ښکاریده . جو جوری یی
له ویری نه بریده اود شټ گونځی یی سر کوږ
شوده هغه سخت وایریدلی و . (سپین)
خپل لندگی توپک دهغی شاته لمبر گڼی و و
دسوری پنی ابله پنی وینی شوی وی او
لاسونه یی پورته نیولی وه پرله پسسی
غلرونه اوسنوتاتی کول . . . خود سپایانو
چرت یی خراب نه و (سپین) دیوزږه وړ -
قوماندان په څیر بولی ورکولی . خپل افراد
افراد وروستی ځل لپاره په خپلو وظیفویوه
کړل . اوبیا یی خپل پنه غنیمت په موتر کی
کښییاوه چه دلوی - زرو شت خواته یی یوڅی
هلهته چه ترهغه وروسته به دایقلابی محکم
هلهته چه ترهغه وروسته به دایقلابی محکم
حکم ته سترگی په لاری وی اود خپل لکس
وچندان غشی به هره شیبه خوری .
دښار په زړه کی هغه قهرمان ټانک هغه
بولادین موجود لاهما غسی غوړیده اود هروږ
ښار چوپتیا یی دابد لپاره وړ ماته کړی وه . .
هو داچه (سپین) خپل غنیمت دمقصود
دپلور ټپوه تویی یو وار پام شو هلهته دوات
په خواکی هغه قهرمان ټانک ولاړ وه او چه
دوی ورسیدل نو هغه خپل تاریخی گوزارد
شیبی په زړه کی داستیاد په زړه باندی وکړ
اودهغی ماننی زړه یی سوری کړ چه ځلک
سپین په تیاره کی موسکی شو اوبیا
یی له کتو نه وپریدل . .
یی موتر تر هغو چه کیدای شو چنک وویشت
دښار له هری خواته ډزی اوریدلی کیدی هغه
سپین خپله چنک تسمه کسه تړلی و



اوریدل کیده هم سپین او هم سپایانو یواشی
مانی په ترومی کی ډوبه وه . غږ او غوږله
له لویو لویو هیندارو نه جوړی وی . .
دغوږ څول .
هسکه مانی وه وروته او گڼی یی تولی

کافی کی لیدلی ددواړو ملکی ددیشی گانی
په ځانو نو کی وی .

خو شیبی سره وپریدل اوبیا سپین پداسی
حال کی چه سخت هیجانی او را پاریدلی و
له ځایه پاڅیده سترگی . یی سری اوبیتی
وی . خپله خوله یی په یی په سر کړه دخپل
مو زوتسی یی وتری او دتولی له دایری یی
په وتلو کی بریدگی ته وویل :
(ته له ما سره راشه)

دواړو دشبیبی په تبه تیاره او چوپه چوپتیا
کی دسلاح کوټ خواته مخه کړه . .
سپین خپله چنک تسمه کلکه تړلی وه .
هری خواته یی دهوسی په شان تو پکی وهلی
اوپه خبه مری یی بولی ور کولی .
هله زړ شی . . شاپس . . دتولی کاتب
څه شو . ور غږ کړه . ژر ژر . . نو څه شول
تا څو څار جوړه واخیستل ورشه . تیار
یاست ؟

اوریدگی دهغه هر بولی تر سره کول
اوهر امر یی مانه . تر څوهغو چه ټولو ته یی
له سلاح کوټ څخه وسله وویشه . . او چه
وروستی سپارښتنی یی خپلو افرادو ته وکړی
بیایی د لیردولو بولی ور کړه .
عملیات پیل شوی وو . دشبیبی عموسی
نوم انقلاب و . دسپین ژنگونه رپړیدل او زړه
یی په چتکی سره تو پکی وهلی . تول کارونه

بر فراز قله شامخ تندوکش هندو کش

بیرق جمهوری

کوهنوردان :

توقع داریم که یکی از قله بی نام هندو کش بنام ۲۶ سرطان مسما

گردد

در بلندترین نقطه کوه تفاوت درجه حرارت میان شب و روز (۶۰) درجه بود



در موقع برافراشته شدن بیرق جمهوری ما باد شدیدی میوزید

بود چنین به سخن آغاز کرد:
عیات ۲۴ نفری کوهنوردان کشور
چکوسلواکیا افتخار دارند که در او این جشن
جمهوریت افغانستان با مردم کشور دوست
خویش در سرود و شادمانی شریک و پلان
کوهنوردی را که پنج سال قبل طرح شده بود
در معرض تطبیق قرار دادیم.

این گروه کوهنوردان در اکثر کشور های
جهان و در کوه های مشهور جهان به این عمل
مبادرت ورزیده و آنها را موفقانه فتح کرده اند
فتح قله شامخ تندوکش که از نظر ارتفاع
در جهان بدرجه سوم قرار دارد و یکی از
مشهور ترین کوه های جهان بشمار میرود
و تقریباً همه او را می شناسند از آرزوهای
دیرین ما بود که با این فتح امروز خود را
موفق تراز بیشتر می بیندیم.

پلانی را که ما پنج سال قبل به طرح آن
آغاز نموده بودیم درین سفر بدون آنکه کدام
سنگینی در پلان وارد و یا خطری متوجه ما

مهمان نوازی و همکاری های مردم و موسسات
که با آنها در راه برآورده شدن اهداف شان
انجام داده بودند تشکر نموده و به معرفی
اعضای هیات پر داخت که به تعقیب آن
بکتن از اعضای هیات که تخصص در کوهنوردی

چیره شریک آنها معلوم میشد که اشخاص ورزیده
و جهان دیده ای هستند زیرا هیچ اثر ماندگی
و کسالت سفر طولانی و پر مشقت در سیمای
شان به نظر نمی آمد.

رئیس هیات کوهنوردان در آغاز سخن از

چندی قبل که کوهنوردان کشور دوست ما
چکوسلواکیا بغاطر بردگذاشت اولین سالگرد
جمهوریت درین خطه باستانی و بمنظور
اشتراک در شادی با مردم ما پروگرامی را که
سالها قبل طرح آن رویدست گرفته شده بود
به منصفه اجرا گذاشتند و با برافراشته شدن
تندوکش که از جمله معروفترین کوه های
جهان است گذاشتند و در نخستین لحظات
فتح یکی از قله آن بنام نوشاخ بیرق دولت
جمهوری افغانستان را با سمبول زیبایش که
کعبه آریانای کهن را نمایش می کند به
احتزاز درآوردند ، البته این قله شامخ که
در دل آسیا افتاده است گاهگاهی از طرف
کوهنوردان کشورهای دیگر هم
مورد دلچسپی و علاقمندی قرار گرفته است ولی
اینبار مثل سالهای گذشته نبود بلکه از راه
های بدان صعود بعمل آمد که تا امروز هیچیک
از ساکنان روی زمین را قدرت دست یافتن به
آن نبود. از همه مهمتر اینکه از همان راه های
صعب العبور را همیایی آغاز ، پلان منظم
تطبیق و خوشبختانه هیچ آفتی به کوهنوردان
نرسیده که البته این موفقیت کوهنوردان کشور
دوست ما از هر جهت قابل ستایش و درخور
تمجید و یادآور است.

این گروه کوهنوردان قبل از ۲۶ سرطان
وارد کابل شده و بعد از توقف مختصری در
کابل بصوب ماموریت خویش که عبارت از
فتح قله « نوشاخ » بود گردیدند .

که بعد از انجام و کسب موفقیت دوباره
بکابل عودت نموده ضمن کنفرانس مطبوعاتی که
در تالار محمود طرزی کلوب مطبوعات منعقد
گردیده بود این خبر خوش را با همه نکات
تازه و دلچسپ به اطلاع خبر نگاران
رسانیدند که اینک متن کنفرانس مطبوعاتی
آنها را خدمت خوانندگان ارجمند و بدون تقدیم
میداریم

هنوز چند لحظه ساعت سه بعد از ظهر
باقی مانده بود که عده از کوهنوردان داخل
تالار محمود طرزی گردیدند در میان آنها یک
نفر افغان بصفت ترجمان اشتراک داشت از



کوهنوردان به سوالات هریک از خبرنگاران پاسخ میدادند

نوشته: بلیکا

ما به اختر از در آمد

بلندترین قله ای که درین سفر فتح شد ۷۴۹۲ متر ارتفاع دارد

صعود بر دیوار عمودی به ارتفاع دو کیلومتر مشکلمترین قسمت سفر کوهنوردان را تشکیل میداد



مسافرت های مشهور دسته جمعی این هیات عبارت از کوه های هوکارپ در افریقا، الپ، راروپا و ففقاژ و قلعه (سنگ پرست) واقع در همالیا که ۸۱۲۵ متر ارتفاع دارد در آسیا میباشد.

نامفتم نهاد که ما در بسیاری از کوهها به مسافرت های پرداخته ایم ولی زیبایی هندوکش را هرگز ندیده و نشنیده بودیم روی همین علت باوجود آنکه پروگرام درنو شاخ ملی قبیح طرح شده بود باز هم در حدود یک ساعت را آنانیکه به قله آن رفته بودند سیری کردند و با تماشای زیبایی های طبیعت در آن جا گذشتانند.

ما در سفر نوشاخ با مشکلاتیکه همیشه کوهنوردان با آن مواجه میباشند روبرو شدیم مثلا در بعضی حصص بخاطر موجودیت باد شدید در راه رسیدن ما به قله نوشاخ مشکلاتی خلق میشد که با تامل با آن مبارزه کرده و راه خود را تعقیب می کردیم با آنهم اگر در همان روز اخیریکه به قله نزدیک شده بودیم اگر تندباد شدیدیکه تا ظهر جریان داشت

کاهش بخود اختیار نمی کرد ممکن بود پروگرام ما یک یا دو روز به تأخیر افتد. زیرا

باد در آن روز آنقدر شدید بود که فاصله ۷۰۰ متر را در هفت ساعت پیمودیم

اما با آنهم پروگرام را آنطور یکه پلان بود مورد تطبیق قرار دادیم اگر چه مامورد یک زلزله شدید قرار گرفتیم که صد فیصد خطر جانی از آن موجود بود زیرا ما به چشم خویش

می دیدیم که سنگ های سیار عظیم که هر کدام هزار ها تن وزن داشتند ویا توله های بیخ را که صدها متر متعب جسامت داشتند

درین زلزله از بدنه های کوه جدا شده و سرازیر می شدند. ما که کمپ های خویش را در یک محل مناسب نصب کرده بودیم از گزند آن در امان ماندیم.

کوهنوردان اضافه کردند: در قلعه «نوشاخ» ده سال قبل نیزه ای از کوهنوردان جاپانی رفته بودند همانطوریکه گفته شد.

بیرق افغانستان را بشاغلی یوزیف الویز ۱۵ ساعت ۳ روز (۹۵) اگست مطابق ۲۵ اسد در قله نوشاخ طوری به احتزاز درآورد که دو چوب سکی را با هم بسته و بسیرق را

فتح قله دیگر که در نقشه بنام (رخ دراز) یاد شده و (۵۷۹۰) متر ارتفاع دارد و پنجمین سفر هیات را تشکیل میدهد که در آن صرفه دو تن ازین هیات بالا شدند.

کوه بنام دیگری در نزدیکی قله خارپشتنگ نیز توسط هیات فتح گردید و آخرین قله را که مادران راه یا تقسیم قله «گوتل جنوبی» بود که (۶۰۰۰) متر ارتفاع دارد در مورد طرز کار این هیات یکتا دیگر ازین هیات چنین گفت: اولین کمپ در ارتفاع (۴۴۰۰) متر و بعدا تا قله «نوشاخ» سه کمپ دیگر ترتیب شد که این کمپ ها در اواسط رسانیدن مواد مورد احتیاج کمک می کردند که اگر بصورت درست محاسبه گردد درین سفر مجموعا (۲۰۰) نفر با هم دیگر همکاری مشترک داشتند.

گردیده باشد کاملا مورد تطبیق قرار گرفت. دیدن «نوشاخ» یا بلندترین قله هندوکش دارای ۷۴۹۲ متر ارتفاع است از آرزو های دیرین ما بود که خوشبختانه به فتوح موفق شدیم و (۹) نفر از اعضای این هیات موفق گردیدند به بلندترین قسمت آن قسم گذارند و بیرق های افغانستان و جکوسلوواکی را در آن به احتزاز در آوردند البته بخاطر موجودیت باد شدیدی آنرا واپس با خود آوردند.

دومین قله که ما به فتح آن موفقیت حاصل کردیم قله «گنبد سفید» بود که دارای (۶۸۰۰) متر ارتفاع است که ۴ نفر ما به بلندترین نقطه آن خود را رسانیدند.

گنبد سفید بخاطر ارتفاعیکه دارد مورد توجه نیست زیرا ممکن است کوهنوردان دیگری نیز به آن راه یافته باشند ولی نکته را که باید از آن یاد آور شود اینست که این کوه دارای دیواری به ارتفاع دو کیلومتر است که درست مثل دیوار سنگی عمودا قرار داردها میخواستیم به راهی روییم که دیگران را قدرت رفتن به آن نباشد همان بود که ما صعود برین دیوار را برگزیدیم به آن اقدام کردیم که مشکلمترین سفر ما حتی اگر بگوئیم که مشکلمترین قسمت کوهنوردی را در جهان شاید احتوا کند به قله «گنبد سفید» راه خود را دنبال کردیم و به آن رسیدیم این قسمت کوه هندوکش را همه می شناسند و مثل خود هندوکش بر همه کوهنوردان معلوم است ولی تا امروز هیچیک جرات نکرده که این راه را تعقیب نمایند. زیرا صعود برین دیوار بزرگ انرژی کافی و نیروی کامل جسمی بکار دارد.



کوهنوردان در هر نقطه هندوکش می نشستند و زیبایی های طبیعت را که در دامان این کوه موجود است از نزدیک تماشا میکردند.

سومین قله که درین سفر موفقانه به آن رسیدیم قله «اسپ سفید» است که (۶۶۰۰) متر ارتفاع دارد که دو تن از ما درین قله بالا شدند چهارمین قله که ما موفقانه بالا شدیم به آن شدیم عبارت از قله «خارپشتنگ» است که (۵۷۰۰) متر ارتفاع دارد که ۴ تن به آن قله رسیدند یکتا از افغانهاستیکه به حیث ترجمان با کوهنوردان همراه بود نیز درین قله با کوهنوردان یکجا با لاشه و بیرق افغانستان را در آن جا به احتزاز در آوردند.

قله دیگری که در نقشه تنها از ارتفاع آن تذکر رفته که (۵۷۰۰) متر است نیز مورد کوهپیمایی این هیات قرار گرفت چون در نقشه کدام نام مشخص از آن موجود نیست امیدواریم بعد ازین آنرا بنام ۲۶ سرطان یاد نمائید و مامتوقع هستیم که اسامی رسمی آن از طرف دولت افغانستان به این نام یسار شود شماره ۲۶ و ۲۵

بعدا عده ای از خبر نگاران بشمول نگارنده به سوالانی در اطراف چگونگی مسافرت این هیات طرح نمودند که ما بدون تذکر نام خبرنگاران محترم تنها به توضیحات هیات اکتفا و به شرح آن می پردازیم

هندوکش اولین کوهی نیست که این هیات به آن راه یافته باشد بلکه عده هم در میان رفتای ما موجود است که هیچ کوهی درجهان نخواهد بود که مورد کوهنوردی آنها قرار نگرفته باشد.

خاطرات... به گفته یکتا از کوهنوردان هرگز فراموش شان نخواهد شد.

برافضا برافراشت. آب و هوای این کوه ها تقریبا (۶۰) درجه و زوشبش با هم فرق داشت که شب تا ۴۰- و روزش تا (۲۰+) درجه سانتی گریت میرسید.

مجموع فاصله از اولین کمپ الی قله نوشاخ در ظرف پنج روز طی گردید و قله «اسپ سفید» در ظرف ۲۸ ساعت طی شد.

یکتا از اعضای هیات کوهنوردان جکوسلوواکی که تخصصش در بیالوژی است گفت: تا ارتفاع (۴۰۰۰) متر حیات موجود بود مثلا خزندگان، حتی پرندگان بسیاری مثل کبوتر و غیره زندگی میکردند. خزندگان و حشرات صرف دو یا سه ساعت زندگی داشتند و منبالی ساعات روز را در غارها بطور منجمد می بودند اما از ۴ هزار متر بلندتر اصلا حیات موجود نبود.

در آخر هر یک از کوهنوردان در حالیکه از مهمان نوازی مردم افغانستان و همکاری موسسات مختلفه و از خبرنگاران تشکر می کردند خدا حافظی کرده و تالار راترک دادند.

يك جنایت بزرگ و



سلو یستر سکو تنیک به روز ۷ جولای به سرعت ۸۰ کیلومتر در ساعت از يك ناحیه پر کند و مرتفع واقع در ناحیه واخار اتریش موتر می راند، درست به قسمی که برایش تفهیم شده بود. در کنار دستش قربانی بی خبر از جهان یوهان بوخمایر تاجر ۶۷ ساله اهل کریم نشسته بود.

این مسافرت فرمایشی و جنایت کارانه مطابق يك نقشه قبلی عملی میشد و در نتیجه یوهان بوخمایر کشته شد. راننده در حالیکه جراحات شدیدی بر داشت، ازین حادثه جان به سلامت بردواز مرگ نجات یافت. سلو یستر سکو تنیک نه تنها از او امر دوست و پسر خانه اش آرتور زیم بورگر اطاعت کرد و در نتیجه مرتکب جنایت شد، بلکه زندگی خود را هم درین قمار به بازی گرفت و نزدیک بود خودش هم از زندگی محروم گردد عامل این جنایت زیم بورگر بود و غالباً پیش خود اینچنین تصور کرده بود که حادثه سقوط موتر در ناحیه کوه زاپرگ باعث مرگ دو نفر خواهد شد او حتم داشت که درین تصادم هر دو نفری که سوار موتر هستند، خواهند ماند تا راز این جنایت را بر ملا سازد. به این حساب راه تصاحب تقریباً نیم میلیون شلنگ پول بیمه برای زیم بورگر به تنها می هموار میشد.

درست مبلغ ۵۰۰۰۰۰ شلینگ پول بیمه یوهان بوخمایر، کسیکه زیم بورگر را بصفت یگانه وارث قانونی خود معرفی کرده، نسبت به او بخشایش بزرگی را روا داشته بود، برای زیم بورگر می رسید.

زیم بورگر برای تصاحب همپس مبلغ پول، پسر خاله اش را تطمیع کرد که پس از انجام خدمت، حاضر است يك عراده موتر سپو رتی برای او بخرد.

اما طوریکه زیم بورگر حساب کرده بود این نقشه ما هرانه تطمیع نشد، و در عوض بچیب زدن پول بیمه حیات، خود شرا بحکم توطئه چینی و کشیدن نقشه شیطانسی

دوستش خواهش کرد که برایش کار کند و سلو یستر سکو تنیک به خدمتش در آمد.

سر انجام دوستش امر کرد که آدم بکشد و سلو یستر سکو تنیک به يك قاتل و جانی تبدیل شد



باوصف آنکه به دست های زیم بورگر دستبند زده اند، باز هم او سعی مینماید در برابر اعضای محکمه و عکاس پوز بگیرد و میخواهد با ارائه يك چنین حرکت توجه خبرنگاران و مطبوعات را به نفع خود بر گرداند. یوهان بوخمایر دوست خوب و همبربان زیم بورگر زندگی را بیمه کرده و صلاحیت اخذ بیمه زنده گی اش به زیم بورگر رسماً منتقل ساخته بود.

ما برای اینکه زیم بورگر زود تر به پول بیمه دوستش دست یابد در صدد طرح نقشه قتل بوخمایر به شیوه طینت باری می بر آید.

این دختر که در پایگاه شهود قرار گرفته در برابر سوال رئیس محکمه که می پرسد: آیا واقعا تمایل به ازدواج با زیم بورگر دارد می گوید: آری من تصمیم دارم با او ازدواج کنم پیغله الفریده لانسن لیشنر نامزد زیم بورگر بوده ضمناً سخت شیفته درشتی بند و بازوی ورزشی او می باشد اما يك روز پس ازین اعتراف از گفته خود پشیمان می شود و نامزدی اش را با زیم بورگر بر هم می زند.

برای کشتن دوستش به حبس ابد محکوم کردند.

زیم بورگر به جرم تطمیع و محتر يك یکنفر به قتل یکنفر دیگر و تطمیع يك عمل جنایت آمیز از طرف محکمه محکوم به حبس ابد گردید و قاتل که آلت دست زیم بورگر قرار گرفته بود، ۱۲ سال زندانی شد. اعترافات قاتل باعث آن شد تا تخفیفی در تعیین جزایش قایل بشوند.

اما آرتور زیم بورگر دروغ میگفت و حقه بازی مینمود.

عامل اصلی وانگیزه طرح این

حیدر علی ابد



ابتدا این شارلا تان در صدد اغوای شوهر سابق همسرش شده می‌خواهد او را بوظیفه را نندگی موتر جنایت بگمارد. اما بعد ها تغییر عقیده داده، سلو یستر سکو تنیک و این پسر یو گو سلاوی را مامور اجرای این نقشه شیطانیه نموده به امر او گردن مینهد. وقتی از توزیم بر گر چند روز پیش بقیه در صفحه ۶۱

خانواده اش حیات خود را بسیمه میکند و سر انجام در یک حادثه ترا فیکه در موتر خودش جان می دهد. وقتی از توزیم بورگر، دوستش یوهان بوخمایر را تشویق میکند تا او را بصفت یگانه وارث خودمعر فی بدارد و یک بیمه حیات برای خودش منعقد سازد، از همان وقت در صدد طرح این نقشه شیطانیه می برآید.

نقشه شیطانیه همانا یک نمایش تلویزیونی بنام (مسا فر معانه گر) تلقی گردید. ارتور هیبار ائسر خود را به صورت درامه ای نوشت و بتاریخ ۱۵ می ۱۹۶۸ روی پرده تیلو یزیونی بنام (مسافر معانه گر) تلقی گردید. او تور میلر ائسر نمایش تلو یزیونی ازین قرار بود که یکی از نمایندگان متوجه میشود در حال افلاس است، لهندا به نفع

هلکا هولاکتو که سه سال همسر قانونی زیم بورگر بود، شوهرش را شدیداً متهم به توطئه قتل ساخت و از زبان او شهادت داد که چندین بار گفته بود میخواهد موضوع نمایش تلویزیونی بنام (مرگ مسافر معامله گر) را خودش عملاً تجربه کند.



یوهان بوخمایر ۶۷ ساله که به اثر سقوط موتر در یک پرتگاه کشته شد وزیم بورگر درصدد بود تا نیم میلیون پول بیمه اش را تصاحب کند.

صفحه ۲۵



از طرف بورگر هنگام صدور حکم در دادگاه
مستند برادر این زن
وکیل از طرف اوست
زیم بورگر بصفت نماینده ائسر
به هیبار ائسر و سکو یستر
سکو یستر (مستند برادر ائسر)
سکو یستر (مستند برادر ائسر)

نمایی از محکمه هنگام قرائت حکم صادره در مورد زیم بورگر.

فورد در دو مین هفته ریاست

و متیقن به

مانند رئیس جمهور ترو من و رئیس جمهور لنکلن روی میز خود
برایم فوری را که چطور زخم های کشور را التیام بخشیدیم. اراده
دارم تا این کار را بکنم.

باشد بحیث امر اداره کار آزمودگان
مقرر کرده است. مدعوین و استقبال
کنندگان در قرائت بیانیه فورد
و قتیکه وی اعلام نمود که «غوی بدون
قیدو شرط آنها بیکه بصورت غیر
قانونی از خدمت عسکری سر باز
زده اند و یا از خدمت عسکری فراز
نموده اند یک عمل نادرست و غلط
است».

هلهله و شادی نموده کف زدند
اما وقتی فورد گفت که وی از
آنها بیکه از خدمت نظامی در جنگ
ویتنام، فرار نموده اند خواهش میکند
تا در صورت تیکه خواسته باشند
به وطن خود باز گردند، نظا میان
کهنه کار تکان خورده بزمین خاموش
می نشستند وی وعده داد که در تانامین
عدالت گومش میکند که وزن
ریاست جمهوری را در پله ملایمت
بگذارد. ولی علاوه کرد که «غفو
انتقام را رد میکند».

فورد تو ضیح نکرد که بر ملایمت و
مهربانی چه شرائطی را میخواهند.
درین موضوع وی بعد از ارائه راپوری
که از طرف خازنوال عمومی ویلم-
ساکس بی وزیر دفاع جیمز شلنجر
در اول سپتمبر بوی سپرده میشود
تصمیم میگیرد.

اما چنان معلوم میشود که وی
غالباً در بهای غفو طالب کدام نوع
خدمت عامه می گردد. به یقین کسی
انمیداند که به چه تعداد مردم از
این ناحیه متأثر خواهند شد. فورد
تعداد عمومی سر باز زدگان و
فراریان نظامی را ۵۰۰۰۰ نفر
وانمود کرد این رقم شاید به
احصائیه های متکی باشد که از
طرف حکومت امریکا در مورد این
نوع نظامیان داده شده است. قرار
این احصائیه ۴۴۰۰ نفر از خدمت
به بهانه حبله سر باز زده اند و
۸۹۰۰ نفر متمم به نقض قانون
خدمت انتخابی می باشند.

اکثریت آنها تیکه با مکلفیت
ژوندون

پس از انجام آبیازی در حوض
الکز اندریه روز دو شنبه به قصر
سفید داخل شدند رئیس جمهور
فورد به هفته خسته کننده خود آغاز
کرد.

وی توسط یک طیاره نظامی به
شیکاگو پرواز کرد. بهاییه خطاب
به کهنه کاران و کار آزمودگان
جنگ های خارجی امریکا ایراد نماید.
این اولین مسافرت فورد بود که
پس از احراز ریاست جمهوری
صورت گرفت.

وی و خانمش بتی در میدان هوایی
نظامی او هیر شکاگو با این اطلاعی
مضحک که از خلا لود سبیکر های
میدان هوایی بگوش هارسید استقبال
شدند.

خانم هاو آقایان
رئیس جمهور ایالات متحده امریکا
و خانم نکسن.

در امتداد جاده شمالی مشیکان
فورد با انبوهی از مردم با اشتیاق
و ولع استقبال گردید رئیس
جمهور در داخل موتور سر باز لموزین
ایستاده بود و دست های خود را به
طرف استقبال کنندگان مانند یک
فاتح و یک برنده شور میداد در نقطه
وی بسوی جمعیت مردم غوطه ور شد
و با ایشان دست داد. این موقع
دختران جوان وی را بوسیدند و
دست بموهای سرش کشیدند یگانه
اعلامیه و نشانها گفت صداهای ملی
بود که از طرف چندین هزار امریکائی
یونانی نژاد بگوش میر سید آنها در
گراند پارک با متداد سرکی که به
کونراد هلتن هتل منتهی میشود
علیه سیاست امریکا در مقابل قبرس
مظاهره می کردند لهذا هدف اجتماعی
مظاهره چیان هنری کیسنجر وزیر
خارجة امریکا بود نه فورد. در یکی
از لوابح مظاهره چیان این مظا لبه
رانموده بودند «فورد کیسنجر را عزل
کن».

در داخل هتل به تعداد ۴۷۵۰
نفر از کار آزمودگان جنگ های
خارجی از این اعلام رئیس جمهور
فورد بگرمی استقبال کردند که وی
ریچارد رودیش یکی از قوماندان های
سابق کار آزمودگان جنگ های
خارجی را که از ایالت اند یانا می

صورت گرفت تا وی تصویر یک
رئیس جمهور ویا رئیس قوه اجرائیه
را تبارز دهد که بکلی اقتدار را در
دست دارد. با این فعالیت ها وی
خواست هر نوع شك و تردیدی را که
مردم نسبت به او بعنوان یک رئیس
جمهور جدید وبدون امتحان، و

با این کلمات رئیس جمهور فورد
هفته گذشته تعهد خود را برای
اعاده حسن وحدت ملی، و تانامین
اهداف ملی یکبار دیگر تأیید کرد.
فورد در دومین هفته ریاست
جمهوری خود قدم وسیعی به پیش
برداشت. وی نلسن را کفیلر رئیس



جرالد فورد رئیس جمهور جدید ایالات متحده امریکا

جانشین ریچارد نکسن، داشتند
از بین ببرد. مانند فعالیت های
رئیس جمهور لیندن جانسن که بعد
از قتل کتیدی فقید انجام داد، فورد
هم در صدآ ن بر آمد تا اعتماد و
اطمینان مردم را کمائی کند و حمایت
هر دو حزب یعنی جمهور یخواهان
و دیموکرات ها را جلب کند. وی
در واقع این کار را با یقین و اطمینان
انجام داد. سناتور ادوارد کتیدی که
متعلق به حزب دیموکرات است
در باره روز های اول دوره ریاست
جمهور فورد باری چنین گفت: حیالی
خوبست. فکر نمیکنم که وی لحظه
پرا یگان را از دست داده باشد.
بعد از اینکه اعضای قامیل فورد

گورنر سابق نیو یارک را بحیث
معاون رئیس جمهور نامزد کرد و
اتخاذ یک سیاست ملایم را در مورد
جنگ ویتنام اعلام داشت.

او واضح ساخت که برای احراز
ریاست جمهوری در انتخابات ۱۹۶۷
مبارزه خواهد کرد. وی از اوایل
صبح تا ناوقت شب در دفتر خود
مشغول کار گشت و قوانین را توشیح
کرد.

بیانیه هائی دایر و اعلامیه هائی را
بدست نشر سپرد. با یک تعداد زیاد
مردم در قصر سفید و در (کپیتول هل)
ملاقات نمود.
این فعالیت ها اصلا برای این

تجمع‌های خود مطمئن

نظر میخورد

مردم طبقات مختلف آمریکا را به قصر سفید دعوت نمود. وی به نظریات شانزده عضو سیا هیوست کانگرس گوش و - بایشان اطمینان داد که تقلیل - مصارفات حکومت صرف متوجه پروگرام های بهبود اجتماعی نه خواهد بود. بعد وی برای اینکه این عزم و نیت خود را ثابت کرده باشد دو مصوبه قانونی مسایل داخلی را امضاء نمود.

یکی از این دو مصوبه به حکومت صلاحیت میدهد که مبلغ ۹ و ۱۱ بلیون دلار را برای کسایکه دارای عاید کم میباشد خانه بسازد. مصوبه ۵ و ۵ می ۲۵۴ بلیون دلار را به مسکاتپ ابتدایی و ثانوی مساعدت می نماید. وی گفت اگر اشتباه نکرده باشم این اولین کمک عالی فدرالی است که باین حجم، مصوبه آن از طرف یک رئیس جمهور برای معارف کشور به امضاء رسیده است.

رئیس جمهور فورد همچنین یک مصوبه قانونی دیگر را با امضاء رسانید که با اساس آن شو را می مضارف زندگی که وظیفه آن - بر رسی مردها و قیمت ها میباشد احیاء گردید.

در دورانی هفته، فورد یک قدم فورد با بعضی از زنان بانفوذ و سرا بقیه در صفحه ۶۱

کرد مگر باین نکته اشاره نکرد که را کیفیلر درین مبارزه شرکت خواهد داشت. اعلامیه فورد برای شرکت درانتخابات ۱۹۷۶ نقض صریح از عنعنه سیاسی آمریکا بشمار می رود زیرا بصورت عنعنوی روسای جمهوری آمریکا معمولاً انتظار پرده اند و اراده خود را تا سال مبارزات انتخاباتی آشکار نکرده اند. یکی از یاوران نزدیک به رئیس جمهور درین مورد گفت غرایز تقلیدی فورد را به تقلید از رئیس جمهور ترومن و رئیس جمهور جانسن که هر دو ریاست جمهوری را بمراث گرفتند و آنرا از آن خود ساختند گشاید. فورد شاید هم خواسته باشد تا به محافظه کار حزب جمهور یخواه که بعضی از آنها صرفاً کیفیلر را بحیث معاون رئیس جمهور تحمیل می کنند، اطمینان دهد که وی اراده در انتخابات ۱۹۷۶ برای احراز ریاست جمهوری مبارزه خواهد کرد.

بهر حال، قدر مسلم اینست که اعلامیه فورد درین مورد، هر نوع ضعفی را که شاید وی بحیث یک رئیس جمهور در معاملات با کانگرس و حزب جمهور یخواه میداشت از بین برده است.

در دورانی هفته، فورد یک قدم فورد با بعضی از زنان بانفوذ و سرا

آنها در عمل بکار برید. روز دیگر زعمای مجلسین عوام و سنا و اعضای کابینه و خبر نگاران در دفتر (اووال) جمع شدند تا اعلام نامزدی معاون ریاست جمهوری نکسن را کیفیلر را از زبان فورد بشنوند. رئیس جمهور پیش از اینکه کیفیلر را بحیث معاون ریاست جمهوری نامزد و آنرا اعلام نماید با مراکز و حلقه های سیاسی تماس گرفته و خود شخصاً جورج بشس معاون حزب جمهور یخواه دونالد رمزفیلد سفیر کبیر آمریکا در پیمان ناتو، را از موضوع اطلاع داده و به ریچارد نکسن رئیس جمهور سابق در سان کلینت، و به زعمای کانگرس تلیفون کرده و آنها را از تصمیم خود مطلع ساخت.

ب ساعت ۱۰:۴۵ قبل از ظهر فورد و را کیفیلر به اطاق معینه در حالیکه دست های هر دو بکمر یکدیگر قرار داشت داخل شدند. رئیس جمهور نامزد معاون ریاست جمهور را معرفی نموده و گفت: (این نامزدی مشکل برای یک کار مشکل بود) تشریفات معرفی را کیفیلر نسبت به تشریفات معرفی فورد از طرف نکسن بحیث معاون رئیس جمهور که در (اتاق شرقی) صورت گرفت به سوی پائین تری برگزار شد. انتخاب را کیفیلر بحیث نامزد معاون رئیس جمهور آمریکا این پیش گوئی را بمیان آورد که فورد در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۷۶ آمریکا مبارزه کرده و را کیفیلر رفیق مبارز وی خواهد بود.

عوض اینکه وی راجع به آینده خود چیزی نگوید فورد توسط سکرتر مطبوعاتی خود جی - اف اورست این موضوع را روشن ساخت که غالباً در انتخابات ۱۹۷۶ احراز چوکی ریاست جمهوری مبارزه خواهد

عسکری مقاومت نموده و از خدمت عسکری فرار نموده اند طی مصاحبه با نماینده تایم هفته گذشته گفتند که هر نوع فیصله را که کمتر از عفو بلاقید و شرط باشد قبول نخواهند کرد. آنها توضیح نمودند که غیر از عفو بلاقید و شرط هر فیصله دیگری که در مورد شان به عمل آید یک عمل غلط خواهد بود. اداره نظا میان کهنه کار جنگ های خارجی، یک موقف تهاست سخت را علیه تغییری که فورد در سیاست حکومت خود در برابر این موضوع وارد آورد اتخاذ نموده است. یکروز بعد از ایراد بیانیه فورد، اداره مذکور فیصله را اتخاذ و در آن مخالفت خود را علیه هر نوع عفو آنها بیکه از جنگ کردن در ویتنام سر باز زده اند اعلام نمود. چین باز گشت به واشنگتن فورد در حالیکه پیراهن آستین کوتاهی بپوش داشت و نگارشی اش باز بود.

در میدان هوایی نظامی در برابر خبر نگاران قرار گرفته و بایشان توضیح کرد که چرا وی سیاست خود را در برابر این موضوع تغییر داده است.

وی گفت فکر وی درین مورد اصلاً از نظریات اطفالش و از نظریات رفیق نزدیکش ملوین لیرد ویر دفاع سابق آمریکا که سعی غیر موفقانه نمود تا نکسن را مجبور سازد موقف سخت خود را در برابر این موضوع تغییر دهد تشکیل یافته است گذشته از این فورد باین نتیجه رسید بود که تعهدات وی برای التیام زخم های کشور مستلزم اتخاذ یک طریق تازه می باشد. وی چنین توضیح داد «شما نمیتوانید از التیام سخن گویند مگر اینکه بمعنی عمو می آن



جرالد فورد با را کیفیلر نا مزد کرسی معاون ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا

روزنه‌ای بسوی تاریخها

یادداشت از: لیلا - تنظیم از: دیدبان

صورتش از حالتی به حالت دیگر بر میگردد، درست مثل اینکه عمری روی سن تیاتر گذارنده باشد و در بازی نقشهای گونه گون مهارت و استادی داشته باشد.

من در برابر محسن خان در برابر این دلقک، این بازی گر کثیف که هر لحظه رنگ عوض میکند و هر لحظه چهره تازه بخود میکشد در مانده شده ام. میخواهم حرفی بزنم، نمیتوانم. میخواهم از برابرش بگریزم، نمیتوانم. زنجیرزشت کاری های او مرا نیز پدام کشیده است و دست و پایم را بسته است. پا بیحالی خودم را روی تخت می اندازم و میگویم:

- بلی! خوب شد برای هیچکدام اتفاقی نیفتاد.

بعد چشم در چشمش میدوزم: - چطور شد که امروز سراغ من آمدی.

با تعجب ساکت میگویم:

- چطور شد؟ آمدم خبرت را بگیرم گذشته از آن تو باید به پول احتیاج داشته باشی من مدتی است...

از جایم نیم خیز میشوم:

- بی جهت زحمت کشیدی، من به هیچ چیز احتیاج ندارم. پول هم بقدر کافی دارم.

- پول مجالش نمیدهم:

- لازم نیست قیافه بگیری بدون شك از همه چیز خبر داری. آقای (ص) صبح آن شب ۲۵۰۰ افغانی بمن داد.

رنگش از سپیدی به سرخی میگراید و میگوید:

- آقای (ص) پول داد ۱۱۹

- بلی!

صدایش به فریادی شبیه میشود:

- و تو هم آنرا گرفتی ۱۱۹ بابیقیدی چنانکه اینکار حرفه ام باشد، میگویم:

- البته! چرا نگیرم؟

نمانده بود که ... محسن خان چنان قهقهه میزند که من از حرف زدن باز مینماید. پا انگشتا نشن روی شانه ام فشار می آورد و میگوید:

- آقای (ص) این موضوع را به من گفت، گفت که چیزی نمانده بود کار به رسوایی بکشد. اما خوب، بلایی بود و بخیر گذشت.

من خو شحالم از اینکه آقای (ص) کارش به رسوایی نکشید، آن هم رسوایی خانوادگی. منظورم را که میفهمی! آقای (ص) خانم حسود و حساس و بد دهنی دارد.

دست محسن خان را از روی شانه ام دور میکنم و میگویم:

- خو شحالی تو بیشتر از این است که آقای (ص) گرفتار درد سرو ناراحتی نشد و اگر مصیبتی دامنگیر من میشد برای تو اهمیتی نداشت؟

محسن خان مثل اینکه تازه متوجه حرف خودش شده باشد، با عجله می خندد، خنده زورکی و با عجله میگوید:

چرا! چرا! پای تو هم در میان بود و من از جهت تو هم ناراحت می شدم. اما آقای (ص) در چنین مواردی تجارب فراوان دارد. مطمئناً نمیکنداشت کار بجای های باریکی بکشد. در هر حال خوشحالم که برای هیچکدام اتفاق بدی نیفتاد

من همانطور که ایستاده ام، یک لحظه صورت محسن خان را از نظر دور میدارم، می بینم که این مرد، مردیکه در اولین بر خورد، قیافه پدرانه بخودش گرفته بود، چگونگی تغییر حالت میدهد و چگونگی خطوط

امروز چهار شنبه است، وقتی روز بیایان برسد، محسن خان پیش از ۹ روز است که سراغ من نیامده است و خبری از من نگرفته است. اما روز بیایان نمیرسد و ساعت سه بعد از ظهر است که صدای زنگک در حویلی صدا میکند و متعاقب آن محسن خان وارد میشود. از روی تخت که دراز کشیده ام بلند میشوم از پشت شیشه محسن خان را می بینم که لبخندی چاک دهنش را باز کرده است و با قدمهای سنگین و مطمئن بطرف ساختمان می آید محسن خان چنان شادمان و بخیال به نظر میآید که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است و او هرگز مرا دو دستی تقدیم آقای (ص) نکرده است.

وقتی محسن خان ضربه بسدر میزند و وارد اتاق میشود، بطرفم می رود، خنده طولانی و پر صدایی می کند و در حالیکه مرا میان بازو هایش می فشارد، میگوید:

- لیلا! تو چه دختر نازنینی هستی یک پارچه جواهری، وقتی آدم ترا دارد، مثل اینست که همه چیز دارد.

بعد صدایش را پائین میآورد و شمرده میگوید:

- بلی، مثل اینست که همه چیز دارد.

ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو وانش بیرون میآیم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم

ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو وانش بیرون میآیم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم

ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو وانش بیرون میآیم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم

ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو وانش بیرون میآیم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم

ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو وانش بیرون میآیم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم

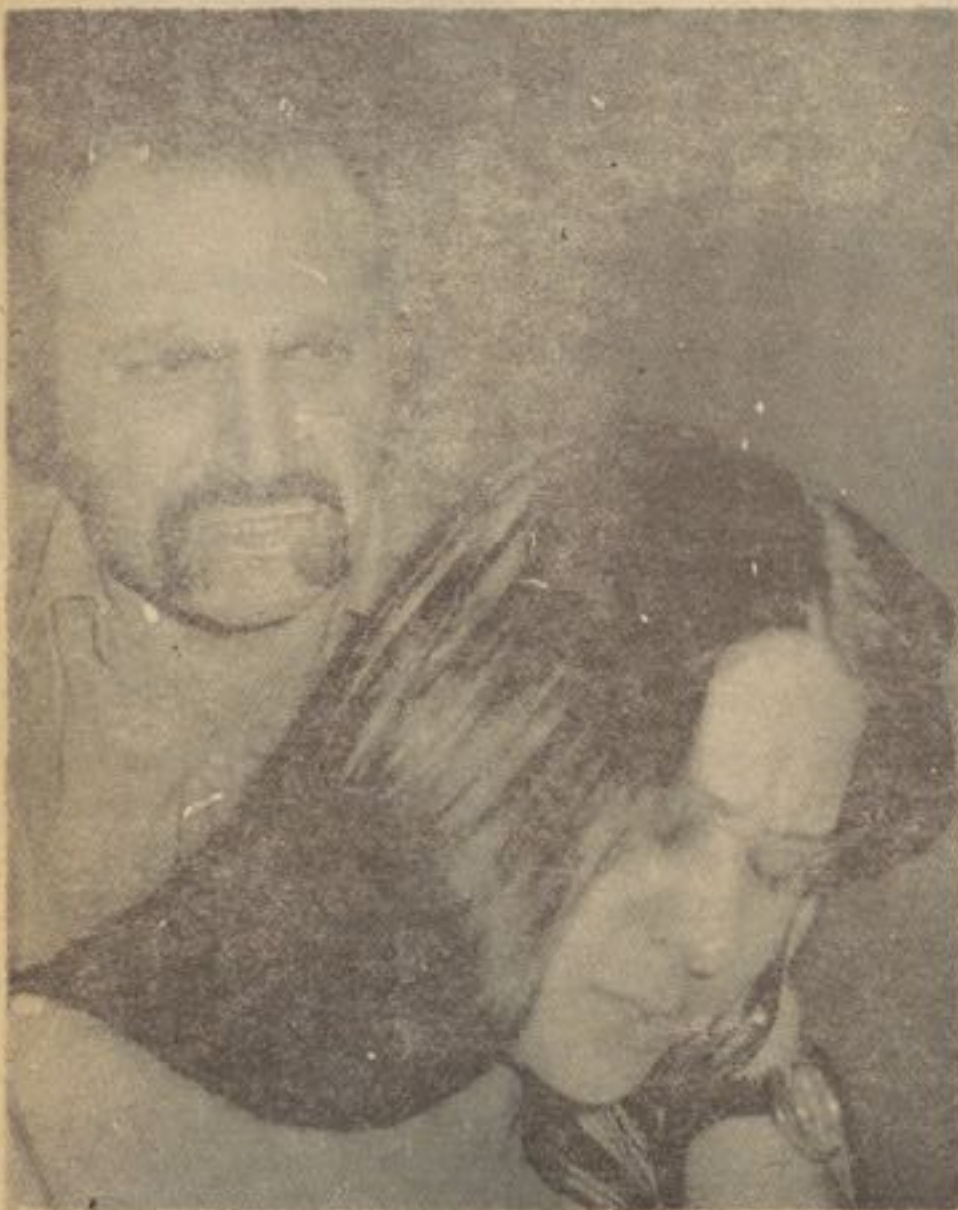


ده مندان خارسان

دومین اثر « تنسی و ویلیامز » روی

ستیز تیا تر

مرکز فرهنگی امریکا به سلسله فعالیت های فرهنگی اش این روزها سخت مصروف ساختن یکی از آثار بسیار پر ارزش « تنسی ویلیامز » نمایشنامه نویس پر آوازه امریکا است بنام (تابستان و دود) تابستان و دود دومین اثر تنسی است که از اعماق اجتماع واز درد های گوناگون جوانان گفتگو دارد. صدها درد ناگفته جوانان ، عقده های روانی حسارت ها، خشم عصبانیت ، احساس حقارت و غیره در این نمایشنامه انعکاس یافته . تنسی ویلیامز خوش دارد کرکتر های را در نمایشنامه های خویش انتخاب کند که بازگوگر شخصیت های مریض باشد . تمهایی و انزوگزیینی جوانان که درامه های او را میسازد . تابستان و دود دومین اثر تنسی است که در کابل روی سن میاید . بازیچه های شیشه اولین نمایشنامه او بود که به گرمی استقبال شد .



گلشن یک چهره تازه هنری



میر من گلشن خواننده جوان و خوش آواز که تازه همکاری اش را با امریت موسیقی آغاز نموده است اولین آهنگش را به همکاری امریت موسیقی از طریق رادیو افغانستان برای شنونده ها و هنر دوستان پیشکش نمود .

آوازش چون نسیم لطیف است و گیرا و به دلها چنگ میزند گرچه تازه میسراید ولی آواز رسا و دلکش دارد آوازش شبها هست زیاد به میرمن قمر گل دارد .

خودش میگوید : از آواز خوانان زن قمر گل را دوست دارم . وقتی از نزدیک او را دیدم و در باره هنرش پرسیدم . محجوبانه چادرش را بروی کشید و با لبخند خترانه گفت پشتو صحبت کنید ! و من از او خواستم که نخستین آهنگش را « به تور سترگوز کومه گزار نو او آشنه »

که به رادیو ثبت نموده بشنوند و او لطیف و آرام این آهنگ را زمزمه کرد .

او خواستم که نخستین آهنگش را « به تور سترگوز کومه گزار نو او آشنه »

سوفیا لورن بار یچار د برتن

حتما از دیدن سوفیا با برتن بدین گونه تعجب خواهید کرد ... ظاهرا برتن کلمات عاشقانه ای را در گوش سوفیا زمزمه میکند و کلمات چنان لطیف و موثر است که سوفیا را سخت تحت تاثیر قرار داده است . به عکس نگاه کنید سوفیا با پیخودی و علاقمندی فراوان مشتاقانه به سخنان ریچارد برتن گوش فرا داده است .

خوب خوانندگان عزیز اگر قبول کنیم این دو عاشق هم شده اند . تحکیم کار لو یوتی شوهر سوفیا با دو طفلش چه خواهد کرد والیزابت تایار همسر ریچارد برتن درین میانه چه برخوردی خواهد داشت ؟ شما هر چه می خواهید فکر کنید . ولی واقعیت اینست که قرار است در همین نزدیکی ها سوفیا با برتن فیلمی تهیه کند و انگیزه نزدیک شدن آنها هم همین موضوع است . ولی خدا عاقبت کار را بخیر کند . کسی میتواند پیش بینی کند ، که آنها در جریان ساختن فلم عاشق هم نشوند ؟



ونوس

بود زیبا بسان چشمه نور
 بکر صاف و نیمه عریانش
 ناب بار نگاه تنو بدانت
 از لطافت جیب پستانش

پیش او زانوی نیاز زدم
 کفتم: ای خالک بات تاج روس
 با چنین بکر خیال انگیز!
 زام ناک تو هست ۲۰۰۰؟
 کفت: ونوس

بکر صاف و نیمه عریانش
 بود زیبا بسان چشمه نور
 اسناده کنار استخری
 میدرخسند چون بطور زودور

کاکل فد. بعد کشیده او
 برورده آب رامی ماند
 زلف افتاده دور دور رخس
 سناه افتاب رامی ماند

از سرود های جاودانی ناگور

من و تو

باتکاهی خیره ترا می نکرد
 در همچون آسمان وسیع بلند
 و من چگونه دریای بیکران، پیستم
 نوآرامش جاودانی داری
 و من بیقرار لایزال
 باین حال، در افق دور، خیلی دور
 باید دیگر پیوسته ایم

سب و روز از خود بر مسازی:
 فکر و اندیشه ام را
 و من در تنهایی

خارج از این جهان به پیشواز تومی آیم
 نازندگی و مرگم را بدست خود گیری
 قلبم چون آفتاب بگام

روستای ما

به روستای ما بیا
 به روستای ما
 سخن زمردی و دودی است
 و خاطرات مرده نشین

(به سینه شب کنار آتش اجاق)
 لبالب سب از غرورهای خاطرات دور

• • •

هنوز هم
 ستاره های از قدیم
 و اشک های غیبی کرده جانماز ما
 دوست های ملتس
 بر آستان قدس
 و آستان عشق

• • •

به روستای ما بیا
 ندیمی



خند ترانه از سیف فرغانی شاعر قرن هفتم

م. کریم «شیون»

آتش بی دود

گفتی که شب آیم تو نیانی ز چه روزود
 از سینه کشم در غمت آهی شرور آلود
 باز یسجّه مینداز تو عشقم که بزرگ است
 دادم بتو هر آنچه که در سینه من بود
 چشمان تو آتش به و جودم ز دو خوش سوخت
 سوزم همه شب شمع صفت ز آتش بی دود
 صد شیشه تهی گشت که ترک تو توان کرد
 نی نی نتوان کرد توئی کعبه مقصود
 گفتی که شبی زود به پیش تو بیا یم
 قربان شو مت دیسر بیا نی تو اگر زرد
 تو تاج گلی نیستی یک برگ تواز گل
 گلپسای جهان پیش رخت برگ گلی

شیون یکنیم تا که بگوش تو رسد بسا ز
 این ناله جانسوز که افسانه دل بود

درد صبر

عسفت که بدل گرفته ام چون جانش
 در دست و به صبر می کنم درمانش
 وز غایت عزت که خیالت دارد
 در خانه جسم کرده ام پنهانش

ترا می خواهند

درد مندان غم عشق دوا می خواهند
 بامد آمده اند از تو ترا می خواهند
 روز وصل تو که عید است و منش قربانم
 هر سحر چون شب قدرش بدعا می خواهند

جوش غم

سب نیست که از غمت دلم جوش نکرد
 از بهر تواز هر اندوهی نوش نکرد.
 ای جان جهان هیچ نیارودی یاد...
 آنرا که ترا هیچ فراموش نکرد

آه های پائیز من

ای نگاهت هر زمان جویای من
 ای امید زندگی در چشم تو
 ای که شیرینست ناز و خشم تو
 ای نگاه تو امید زندگی
 زندگانی بی تو باشد بندگی
 من بهارم آه، ای پائیز من
 می پذیری هدیه ناپائیز من؟

ای چراغ روشن شب های من
 ای تسلی غم و تب های من
 ای همیشه در پی غمخویم
 ای پرستار شب بیماریم
 ای ز تو شیرین همیشه خواب من
 ای تو خوردشید و مه و مهتاب من
 ای همیشه در سرت رویای من

اشک تمنا

ز آتش نگهت آفتاب می ریزد
 که از تبسم لعنت شراب می ریزد
 چو ناله از سختم مشک ناب می ریزد
 ز دیده ناز و مؤمان عتاب می ریزد

چه لعبتی؟ که ز رویای بوس و اغوش
 غریب اشک تمنا بخواب می ریزد

جو زاله از رخ و زلفت کلاب می ریزد
 لبان بوسه نوازت بخنده باز گشای
 از صف آهوی چشمان و نظر گیسویت
 چه مستی هست که چشمان نیمه مغمورت



بخش دوم

خانم صاحب اپارتمان پرسید: چه تصمیمی دارید. بالاخره میخواهید بالا بروید یا اینکه نزد ما میمانید داخل اتاق میشوید. آخر از دهان دروازه بجنبید. من در آشپزخانه کار دارم و نمیخواهم مزاحم شما شوم. شما می توانید به آرامی روی کوچ دراز بکشید. و اگر میل به خوابیدن داشتید، بی دغدغه بخپسید.

ب با اظهار همتنان از صاحب اپارتمان علاوه کرد می خوا هم بالا بروم کلکین اتاق پیشخدمت هم مطابق معمول مهندسی روبه سمت شمال

نیست که دروازه را کسی بزد کند ب به زمین چشم دوخته با تردد پرسید، شما هم با من می آید. خانم پاسخ داد: البته که می آیم. من اتاقی را بشما نشان میدهم که همسر تان در آن زندگی میکند. ب پرسید: در کدام اتاق سکونت دارد. خانم مالك اپارتمان در جواب گفتید: شما میفهمید که در اپارتمان خود با کرایه نشین تان که چهار نفر هستند، یکجا زندگی می کنید. همسر تان به رضا و رغبت خود دو اتاق را در اختیار کرایه نشین گذاشته خود شوپسر تان کیورکابه اتاق پیشخدمت زندگی میکند. اما تشناب و مطبخ مشترک است. بحر فی نزد.

زن پرسید: چه تصمیمی دارید. بالا می روید یا صبر میکنید تا همسر تان از کار بر گردد. اگر میل داشته باشید، می توانید در اتاق من به روی کوچ دراز بکشید و قدری استراحت کنید تا همسر تان از راه برسد. ب پرسید: مطبخ و تشناب مشترک است بلی؟ خانم مالك اپارتمان اظهار داشت. بلی. البته که مشترک استفاده می کنند. ب سر انجام سرش را بالا نگه داشته بچهره آذرن خیره شده و پرسید: پس منم حق دارم برای غل و تمیز کردن سرو جانم از تشناب استفاده کنم.

خانم در حالیکه می خندید جواب داد: البته که اجازه دارید. بعنوان کمک از بازوی ب گرفته حر فهایش را تکرار کرد: شما البته حق دارید و هم چرا باید نداشته باشید. اپارتمان هنوز به شما هم تعلق دارد مطبخ و تشناب هم همان طوریکه عرض کردم بین تان مشترک می باشد. من حاضرم تشناب را برای شما گرم کنم. یک مقدار چوب سوخت داریم که از سال گذشته باقی مانده است. اما تصور میکنم کرایه نشین وقتی از منزل بیرون می رود، تشناب را قفل میکند. ب سکوت کرد و مجدداً متوجه زمین شد.

صاحب آبار تمان اظهار داشت: به درون اتاق بیایید. در خانه شما کسی نیست که دروازه را باز می کرد. حتی همان کرایه نشین سابق شما که يك اتاق تان را به کرایه گرفته بود، هم بیرون از منزل بوده. ب نگاهش بز زمین دوخته سکوت اختیار کرد. خانم شما از طرف روز بالا ی کار می رود و پسر تان کیورکا هم در مکتب درس میخواند لطفاً از دهن دروازه به درون تشریف بیاورید. او تنها بعد از عصر می آید. ب پرسید: کرایه نشین ماهنوز هم اینجا زندگی میکند. او انسان نهایت خوبی هست. همسر تان از او رضایت دارد. ای خداوند بزرگ! شما واقعا بخانه و منزلتان بیش همسر و پسر خود برگشته اید؟

صاحب اپارتمان پس از ادای این کلمات لختی به قیافه ب خیره مانده اظهار داشت: من يك کلید اپارتمان شما را دارم اگر خواسته باشید، می توانید بالا بروید و تا وقتی همسر تان بر گردد، استراحت کنید. دودانه کلید بيك میخ آویزان بود خانم مالك اپارتمان یکی از کلیدها را برداشته از اتاق بیرون رفت و دروازه را از عقبش بسته نگاهي به سوی ب افکند و گفت از دنبال من بالا بیایید و استراحت کنید. زن صاحب اپارتمان پرسید: به دنبال چه کسی میگردید؟ ب گفت: من ب هستم. همسر من هنوز اینجا زندگی میکند؟

خانم اظهار داشت: ای خداوند بزرگ! طبعاً او همینجا هست. او هم مثل من خبر ندارد که شما به منزل برگشته اید؟ ای قادر متعال! طبعاً او همینجا زندگی میکند. ب سوال کرد: و پسر من زنده هست؟ خانم در حالیکه پریشانی خاطر بپرا میفهمید، جواب داد: آری پسر تان کاملاً صحت و سر حال هست. هیچ شکایت و کمبودی ندارد. پسر هوشیار، مقبول و جوان سالمندی بار آمده است. ای خداوند بزرگ! ب سکوت کرده بود. خانم با صدای مرتعشی تقاضا کرد: منتظر چه هستید. چرا به درون نمی آید، لطفاً داخل شوید من میدانستم که شما گناهی ندارید میدانستم که يك روزی بالا خواه نزدیک همسر و پسر تان بر می گردید. ب پرسید: اما هیچکس دروازه منزل را برویم باز نکرد. اگر چه سه مرتبه زنگ را فشار دادم. صاحب اپارتمان اظهار داشت: بیایید به درون! در خانه شما کسی



باز میشد. در مقابل کلکین يك درخت گيلاس كه سال قد بر افراشته ، در سمت چپ قلعه بلند و سياه كوه اكر معلوم ميشد ، در سايه درخت گيلاس تاريكي سبز رنگي اتاق را فرا گرفته بود . هيمنكه ب تنها ماند و تنفسش حالت عادي را به خود اختيار نمود ، متوجه رايحه عطر آگين و مخصوص همسرش در فضاي اتاق شد . كنار كلکين نشسته ، نفس عميق گرفت و آن رايحه لطيف را يك مرتبه ديگر در سينه فر برد . ب به تاج پراز برگ درخت گيلاس چشم دوخته ، تمام وجودش در ميان بوي خوشه و رايحه



مستی آور همسرش غرق شد پا هر بار نفسی که بمیکشید ، مقدار از هوای معطر را بصورت مرتب در سينه فرومی برد .

رنگ رفتنه سفید ، يك چپرکت در آن اتاق كوچك يك الماری فلزی ، يك ميز و يك چوكی قرار داشت اگر آدم می خواست بهر روی چپرکت دراز بکشد ، مجبور ميشد اولتر چوكی را از سر راه خود بر دارد .

ب به روی چپرکت دراز نکشید بلکه صرف به لب آن نشسته ، به تنفس کردن هوای اتاق پرداخت به روی میزاشيا خوردوريزه فراوان بصورت پراکنده افتیده بود مانند کتابها ، البسه و سامان بازی اطفال در ميان اين اشيا يك دانه آيينه كوچك جیبی هم وجود داشت .

ب صورتشرا در آيينه دید . او قیافه خود را شبیه به مودی یافت که در ويترين واقع در خيابان سان راد دیده بود .

ب آيينه را از دستش به روی ميز چپه گذاشت و بخود اجازه نداد در ميان اشيا و سامان مربوط به همسرش تجسس کند . در خاکستر دانی يك توپ كو چك سفید رنگ را بری با خطوط سرخ نظرش را بخود جلب کرد . حتی به روی ميز هم رايحه دل انگيز پخش بود .

هنوز دو باره سر جایش در کنار کلکين نشسته بود که خانم مالک اپارتمان يك گيلاس قهوه و شير با دو پارچه نان برایش در اتاق آورد وقتی ب تنها شد ، پارچه های نان را فرو برده سر آن قهوه را نوشيد رنگ دروازه مجددا به صدا در آمد و خانم گرايه نشين طبقه روی زمين عمارت نیز يك پياله قهوه و يك پارچه نان مسکه دارو يك حلقه ساسيج با يگدانه سيب برای ب آورد . اين سيب درست از همان جنس سيب های بود که ب در راه آمدن به منزل ، مقابل مغازه اتحاديه دولتی دیده بود ، خانم ظرف قهوه را بهر روی ميز گذاشت . در چشمهایش اشك دور می زد ، و پس از توقف چند دقيقه مختصر از اتاق بيرون رفت .

ب به مجردی تنها شد محتويات سینی را پاك خورد . او هنوز هم ساعتش را كوك نکرده بود و نمي دانست چقدر دير است که کنار

پنجره نشسته . در انتهای باغ که اين کلکين به آنست باز می شد ، سکوت بر قرار بود . در ميان برگ های سبز روشن درخت گيلاس آفتاب می تابيد و بصورت خفيف بداخل اتاق منعكس ميشد و سايه لر زانی به روی ديوار تكان ميخورد .

وقتی ب بقدر کافی رايحه عطر آگين همسرش را در سينه فرو برد و به تدريج به آن عادت کرد ، بهر روی

خيابان فرود آمد در مقابل دروازه باغچه منزل منتظر ماند ، ديگری نگذشته بود که خانمش در حالیکه چهار ، پنج طفل ديگر به دو پهلویش روان بودند ، از يك کج گرد شمی خيابان پيدا شد . وقتی نزديکتر آمد ، قدمهایش را سست کرد وقتی برای يك لحظه از راه رفتن باز ايستاد و

آنکاه يکباره بطرف ب خيز برداشت ب هم بدون آنکه متوجه باشد بنای دویدن را گذاشت . وقتی فاصله بين آندو کم ماند ، همسر ب دفعتا جابجا ايستاد و برا يك لحظه باور نکرد بر گشت ا و حقيقت داشته باشد ، ولي معطل نشد و با آغوش باز مجددا به دویدن به سوی ب ادامه داد .

ب جاکت پشمی رهدار فولادی و سياه را با آستين های درازی آن شناخت پيش از زندانی شدن خود از يك مغازه مود برای همسرش ریده بود همسرش يك ترکیب اصجاب انگيز و خاص از زیبایی بود و در ميان سائر زن های شهر در نوع خودش يکتا بشما ميرفت .

ب تمام خاطراتی را که در طول دوران هفت سال زندان از همسر خود داشت ، همه اش با تمام تصورات ب نسبت به همسرش صندق میکرد . وقتی آندو از آغوش هم جدا شدند ب به کناره باغچه تکیه داد . چند قدم دور تر پشت سر خانمش چهار یا پنج طفل ديگر با قیافه های نا آشنا و کنجکاوی به آندو خيره می نگرستند .

بچه ها در حدود هفت سال داشتند آنها چهار بودند نه پنج ب در حالیکه به کناره تکیه داده بود ، هر يك از آن بچه ها را بانگاه پرسشگری از نظر گنشتاننده از همسرش پرسيد : کداميك پسر من است ؟

درين لحظه اشك های همسرش مجال فرو ريختن یافت و در حالیکه گريه راه گلویش را بند ساخته بود اظهار داشت : بگذار که بالا برويم ب دست خود رانور شانه همسرش قرار داده گفت : گريه مکن صدای خانم که همرا . با هك و گريه بود مجددا بلند شد : بگذار که بالا برويم .

ب تکرار کرد : گريه مکن ، کداميك از اين بچه ها پسر منست ؟ همسر ب پله دروازه باغ را پسا بادست زده باز کرد و شتابان بسوی اپارتمان رفت در وسط راه باريکی که دو طرف آنرا پقه های نسترن می پوشانيد از نظر ب پنهان شد .

او هنوز اندام موزون وقد کشيده داشت از زیبایی هفت سال پيشش چیزی نکاسته بود . او مانند دوران دختری اش دوران جوانی به طرف عمارت رفت ، همسر ب چنان مينمود که ترس ميبیبي احاطه اش کرده باشد تا اینکه ب او را در مقابل دروازه ورودی عمارت متوقف ساخت آنکاه بود که قدری آرام گرفت . تنها صندوق سينه اش زیر جاکت فولادی رنگ پشمی از شدت هيچان به سرعت که بالا ميشد . او از گريستن باز ايستاده بود .

اما چشمهایش هنوز مرطوب و آثار اشك که به عجله پاك شده بود زیر چشمهايش ديده ميشد .

زن بيخ گوش شوهرش زمزمه کرد : بی همتای من ! بی همتای من ! زن چنان کنده کنده و شمرده اين حرفها را ميزد که گمان می رفت فقط قدرت ادای اين کلمات را تا به لبهایش دارد و از آن بعد کلمات به زحمت از دهانش بيرون ميايد .

ب به همسرش گفت : بگذار به داخل منزل برويم .

در اینجا مردم ديگر هم با ما زندگی میکنند .

ب پاسخ داد : آری ، ميدانم ، پسا اينهم بگذار به درون برويم .

تو به منزل داخل شده ای ؟

ب در جواب گفت : بلی . بگو کداميك از اين بچه ها پسر من بود ؟ وقتی وارد اتاق شدند ، همسر ب مجددا در برابر او زانو زده ، سر خود را به آغوشش گذاشت و بنای گريستن را گذاشت . تار های سپيد موی با درخشش بيگانه در بقيه در صفحه ۵۸



دەجران شپە

دەریغە وڵندی یو خەل مەخونە
 چە دراز تۆری مەزگان دراز قەد ونە
 دراز قەد دراز مەزگان درازی زلفی
 دەری شونەیی زەرە حوله وازە غا بنو نە
 دگەمان شەمس و قەمر نە تۆری قەربان کەرم
 عەبد زەمکی بە سەر وازە سەرە گەلو نە
 چە بی و وینم بە مەخ می او بی دەرومی
 دەسێرلی لە مەخ وازی پارا نو نە
 کە یو خەل بی مەخ و وینم بە سەرگە
 مە بە زەرە کەشی قەبول کەری بە تۆی تەدرەت
 دەجران بە شەبە سوور کەتەرانی سوور اور شی
 یو زەمان می باندی نە لکی از خو نە
 تۆری زلفی دی بە سەببێنۆی چو زانکی
 بێنا ماران دی دەخەنۆ بە بێنا خو نو
 کە خدای غەم دەجدا بی ورتە آسان کەری
 ورحمان و بە آسان دی تۆر غەمو نە

عجز او نیاز

خاوری شومە نومی خای پاس بە وریل شە
 نە دی رەشکە بە گلشین کەشی مەر او تی کل شە
 دلالە زەکی شە تۆر لە دەرە غەمە
 لە ناکامە دەصحرأ لور نە ماییل شە
 رگس ژیر شە لە ارمان نە شینکی باغ کەشی
 چە داخای و حقی زما و ئی دەبل شە
 آسمان مەلە قەمر شین شە چە داوئی
 بە مەعنی کەشی جەک لە مەنە بو بە سل شە
 دەعاشق بۆی بە عجز او پە نیاز دی
 چا چە کەر لە سەر لویی راتە خجیل شە
 زاهد قەرب غوشتە بە زور دەعمل باندی
 هەم دەغە عمل ددە مەحکەبی حاییل شە
 دا خاکی نەن چە چا خاوری کەر بە عەشق کەشی
 دالغەت بە زبە داسی و ستا ییل شە
 (الفت)

زگاہ

بە یوہ نگاہ می زەرە دەر بیا یوو
 هەبێخ عەجب نەدی کە خەس کەربا یوو
 دشتەک قەصاص شوک نە غواپی لە شەم
 خە شوپاز کە نە ما زەرە بە خەندا یوو
 عەقە زەرە چە وی خالی لە مەجبتە
 دەجباب پە خیر بێسکازە شو دەر بیا یوو
 دا ستم چە می ستا وری دی پە عمر
 نە رواشە کە یوہ لحظە چا یوو
 دەر و شەکلۆ می دەرە دینکار عوس کەر
 ستا دسترگوبار تر وازو پەخوا یوو
 (کامکار خەتک)



داوینکو ماتم

دەخە سوز نە دی پیدای کەرم لکە شەم
 یوہ لەبە دی سەر تر بیا کەرم لکە شەم
 خیر کە سوزم، ماد خیل کالە رینا کەرە
 هەدیرو تەدی رینا کەرم لکە شەم
 پەندو سترگو تە داوینکو ماتم خەدە
 تا پەندو تە بە ژرا کەرم لکە شەم
 رقیب پەوندە دی، یار ویدە دی نەو پەنپیری
 زە سەلگی کە تر سببا کەرم لکە شەم
 (دوست)

کوتاه و دلچسپ خواندنی

قصه‌ای از «آریستید»



«آریستید» یکی از رجال معروف یونان قدیم بود، زمانی بسمت خزانه دار عمومی مقرر شد. چون مرد دروستکار و شریف بود، دست‌رجال نادرست و مردان رشوه خوار را از اموال عمومی کوتاه کرد، و با جدیت هر چه تمامتر در جمع آوری اموال عمومی و گرفتن مالیات که از سالها مانده بود کوشید تا اینکه بالاخره مخالفینش علیه او دسته بندی کردند و متهمش ساختند و او محکوم به پرداخت جریمه شد و مردم در دستکار از این واقعه متأثر شدند و نه تنها اینکه پولی جمع کردند و جریمه او را پرداختند بلکه برای سال بعد هم بهمان سمت انتخاب شد.

امادرین سال (آریستید) از سخت گیری دست برداشت و در نتیجه آنان که در غارت اموال عمومی جرمی داشتند مانعی در ادامه دزدی نمی دیدند و در نتیجه دیگر کسی با او مخالفت نکرد بلکه همه از او تعریف و تمجید میکردند. تا سال دوم هم تمام شد و سال سوم نیز در حالی

که همه تعریفش می کردند خواستند او را انتخاب کنند ولی او گفت: (خدا همه ای شما را لعنت کند، زمانی که در کار جمع آوری اموال عمومی و جلو گیری از حیف و میل شدن و دزدی اموال کوشش میکردم، همراه پرداخت جریمه محکوم گردیدم و بعد که سستی پیشه گرفتم تشویق گردیدم و در همه جا از من تعریف گردیدم.... این تعریف و تمجید شما مایه تنگ من است و از قبول این شغل برای بار سوم معذورم.)

استفاده از تایرهای کهنه

پس از کوشش و تلاش بی نهایت متخصصین کار خانجات بایر، توانسته اند که روش نوینی را برای استفاده از تایرهای کهنه بکار بندند تعداد تایر کهنه در آلمان فدرال سالانه قریب به ۳۰۰۰۰۰ تن بر آورد شده است. با استفاده از روش جدید تایرهای کهنه به قطعات کوچک بریده شده و سپس با نوعی هارتز انعطاف پذیر جدید تر کیب گشته و بماده مصنوعی تازه‌ای تبدیل می‌گردند بعلت انعطاف پذیری و همچنین دایر شدن منفذ مناسب برای عبور آب، ماده نوین مخصوصا برای پوشش



تشخیص جواهرات بدل از اصل

شناخت جواهر اصل از بدل کاریست دشوار، ولی کار خانجات سازنده امو نیاک در آلمان، چندی پیش به این فکر افتاد تا بدل سنگ های قیمتی را بسا زد برای رسیدن به این هدف با یدناب ترین الومونیوم اوکسید را بدست آورد. کارشناسان بالاخره روشی را یافتند که ۹۹٫۹ درصد خالص را بوجود آورد، یعنی ماده اصلی لازم ساختن جواهر

بدل. این نکته از آنرو حا یزاعمیت است که، اندک کثافت در سختی سنگ تاثیر دارد.

بدل سنگهای قیمتی به اندازه تقریبی ده سانتی متر در دو صددرجه سانتی گراد حرارت کوره های احتراق گازی ساخته می شوند و بعدا به آنها شکل و صیقل داده می‌شود. علاوه بر گوهر فرو شان، یکی از خریداران مهم سنگهای قیمتی بدل کانسجرات ساعت سازی می باشد.



پر حرفی نباید کرد



شده که فی صد هشتاد از آنها کسی که موی سرشان را از دست داده اند، پر حرف بوده اند بدینوسیله به پر حرفان توصیه می‌شود که اگر به موی سرشان علاقه دارند، کمتر حرف بزنند.

تاحال در مورد اینکه چرا موی سر انسان می ریزد، نظریات متعددی داده شده است، ولی درین اواخر یک عده از دانشمندان امریکائی نظر به داده اندک: پر حرفی زیاد باعث از بین رفتن موی سر می‌گردد زیرا تاحال دید شماره ۳۶۹۲۵

ملکه زیبایی سال ۱۹۷۴ جهان



دوشیزه سوئین ایوا

به آسمانها میفرستادند در پایان بر نامه عکسبرداری که در کنار استخر فلیپاین ویلج هتل برگزار شد اهل مطبوعات بدرستی پی بردند که کدام دوشیزگان از طرف وینوس الهه عشق و زیبایی خوانده شده و چه کسانی نشده عکسبرداران سخت گیر در مورد عیب های دوشیزگان از ذکر هیچ حرفی خود داری نکردند داغ هاو نقص جلد به دقت خاطر نشان گردید .

دز آستانه داوری نهائی از دوشیزه گان مذکور پر سیده شد که به عقیده شان چه کسی به حلقه سحر آمیز داخل خواهد شد. ایلات سیسیلیا اسکاندن دوشیزه خیلی زیبا و خوش اندام کو لمبیائی مطلوب بسیاری از آنها واثمود شده بود.

این دوشیزه ۱۱۴ پوند همیشه قیافه فریبا و قشنگ محفل پنداشته میشد حتی هنگامیکه تحت پروگرامی هیجان انگیز هم قرار میداشت. وی در يك مصاحبه دو انگشتری را که خوش دارانش بوی تحفه داده بودند بی پرده نشان داد .

سوئیا سستیگی پورتور یکوئی یکی از زیبا رویائی بود که در جریان

زندگی برای ۶۵ دو شیزه که به کشور ملکه زیبایی جهان جهت رقابت برای کمایی کردن لقب زیبا ترین زن جهان گرد هم آمده بودند ، مانند ماهی طلائی در طر فی شیشه یی بود. این دو شیزه گان از همان آوان موصلت شان با سا س عنعنات مردم این کشور مبنی بر مهمان نوازی از مردمان ممالک دور دست پذیرائی شدند ، و سر شار از خورد و نوش گردیدند .

هر جا که آنها میرسیدند مردم کردن می افراشتند تا باین زیبارویان جهان نکاهی کنند و حتی اگر برای لحظه ای زود گذر هم اگر باشند این روز مراسم پر شکوه در مانیلا برای مردمان عادی آن شهر که بسیاری شان نمیتوانستند حتی امید آنرا داشته باشند که انتخاب ملکه زیبایی سال ۱۹۷۴ جهان را شخصا تماشا کنند ، روز کیف آور ولدت بخشی خوانندگان روز نامه ها جزئی

از اخبار مسابقه کنندگان زیبا یی را در نامه ها و مجلات با حرص و ولع تمام میخوانند .

که رویداد های هر روز را درین مورد به نمایش میگذاشتند میزان تماشای گران خود را پمرا تب افزایش دادند . همینکه روز موعود فرارسید دو ستداران مسابقه به اصطلاح به جدا کردن گاه ازدانه و انتخاب زیبا رویان سال پرداختند .

بسیاری از دوشیزگان مسابقه دهنده در نگاه اول بسیار جذاب و دلربا به نظر میرسیدند در حقیقت تماشاگران چنان مبهور دسته ، زیبا رویان بودند که نمیدانستند کجا را دیرتر تماشا نمایند . پس از دور نخست فقط خاطرهای از گروهی بلوندها ، سبزینه ها و سرخ مویان در ذهن مردم بجا ماند و پس . بسا گذشت روز ها دا و ران بانگاه زیره کانه تری به بررسی زیبا رویان پرداختند تماشا چیان مسابقه زیبایی اکنون برندگان احتمالی را بهتر

تمیز میدادند . حتی از آغاز کار برخی از مردم نظر به چیز کمی که در مورد کاندید ها دیده یا شنیده بودند به نتیجه گیری پرداختند ، روزیکه مسا بقه - کنندگان جامه از تن در آورده و به لباس رسمی شنا خریدند اهل خبره لست رقیب های نیرومند را از نظر خود ترتیب دادند .

پاره ای ازین دوشیزگان تنها چهره زیبا داشتند . بنا بر آن شکفت آور نیست اگر آنها در میان مردم با دامن های مینی نمایان نمیشدند . برخی دیگر باهای خویش را در بطاون پنهان میکردند .

در حالیکه بعضی از دوشیزگان با لوازم سنپور تی تقریبا همه اندام خود را برهنه میکردند برخی دیگر لباس معینه شنا را فقط هنگامی بتن میکردند که دیگر نمیتوانستند از پوشیدن آن طفره روند .

دسته های زیبا یان خوش اندام مردان نظر باز و زیبا پرسترا



دو شیزه گانی که برای ملکه زیبایی انتخاب شده اند



داوری اولی مورد بیشترین بد رقه و کف زدن قرار گرفت که این داوری در ۱۶ جولای گذشته در تیاتر هنر های مردم (فولک آرت تیاتر) بر گزار شده بود. صرف نظر از پاهای بلند و دوست داشتنی اش طرز رفتار شکو همندش نیز ندا های تحسین آمیزی از طرف تما شا گران بر انگیخت .

دو شیزه یونان -

جذابش را نمایان میساخت خیل سی برجسته می نمود . نیلا مپرو نتوای ونیزو یلائی نیز بهمین پیمانان شایان توجه بود چشمان افسو نگرش دارائی بزرگ او بشمار میرفت وی تنها عده اندکی از فلیپاینی های خون گرم و باحرارت را در جریان مسابقه بیقرار نساخت بلکه عده زیادی را بر انگیخت . چندین نفر از گاند یدان پی پرده ابراز داشتند که کارین مسور یس

دوشیزه عروسک مانند فنلندی ها بنام جوها نارا نیونه تنها مورد پسند عکاسان مطبوعات قرار نگرفت که قبلا او را بنام ملکه عکسبرداری یاد نمودند بلکه مطلوب دیگران نیز واقع گردید. ولی وی در فکر آن نبود تاج پر طمع مسابقه ملکه زیبایی را بر باید .

ساندرا گویمار او لیو پورا دوشیزه برازیلی نسبت بچندین کا ندید. نمره بلندی تری گرفت . این دختر جوان امریکای جنوبی در لباس بومی دارای رنگ زرد روشنش که پا های



دو شیزگان آسترلیا ، انگلند ، سنگاپور ، هانکانگ و جاپان

بلند قامت و شانان پهن دوشیزه • مدل عکاسی لندن دارای اندازه های اضلاع متحده در میان پنج نفر برنده ۲۶-۲۴-۳۶ میباشد . ماریا جانس لائبر یائی اطمینان نهائی یقینا جای خواهد گرفت . زیبای هسپا نوی بنام امپا رو مونوز در همه چیز عالی مقام ترا از دو شیزگان دیگر بود. یکی از ناظران گزارش داد که وی گل سر سبب سر نشینان هوا پیمایی دی، سهی اشرکت هوا پیمائی فلیپاین بوده این اکتوریس عالی در منزل تنها بزبان هسپانوی سخن میزند اندازه های او ۲۲-۲۳-۳۳ میباشد . بعضی فکر میکردند که کاتی آن دو شیزه انگلندی چیسی کمتر از لقب ملکه زیبایی سال ۷۴ جهان با خود به ارمغان نخواهد برد . این



دوشیزگان پارا گوای ، فلیپا ئن پر تکالی، وپور تو ریکو باجلوه ای شکوه پس از تاجگذاری جهت ر سم گذشت ملت ها، درین جا نشسته اند شماره ۳۶۲۵

شاعر کلاسیک پشتو



خوشحال خټک

خو شحال خان خټک بخوبی میدانست که در مبارزه ضد امپراتوری مغل، تامین پیروزی، بدون اتحاد و همبستگی تمام قبایل پشتون گامی بس دشوار است و با اینکه تا آخرین دقایق زندگی، باشمشیر خامه در راه تمامین وحدت و یگانگی پشتو نهاد بخاطر تاسیس دولت مستقل ملی رزمید اما نتوانست در زندگی باین آرمان دیرین دست یابد. خوشحال خان علاقمندی شدید خود را باین آرمان شیرین چنین ابراز میدارد:

که توفیق داتحاد پښتانه مومی زور خوشحال به دوباره وشى په دا خوان (۱)

به نسبت قرار داشتن در یک موقعیت اجتماعی مشخص، برای خوشحال خان خټک دشوار بود تا به عوامل اصلی تضاد های اجتماعی موجود در جامعه افغانها پی ببرد و از همین رهگذر نیز فقط بی سوادى پراگندگی و تشتت قبایل قوم خود را عوامی میداند که او را از رسیدن به هدف و امیدارند، چنانچه میتوان از وراى ابیات ذیل، باین درك خوشحال خان پی برد:

هره چار دښتانه تر مغل پښه اتفاق ور سره نشته ډیر ارمان دښلول او دشیر شاه خپری اورم

چه په هندکي پښتانه ووبادشا هان شپير - اوه پیری یی مسی باد - شاعی وه چه په دوی درست خلق وه حیران یا هغه پښتانه نورو وو ، داخه نور شول یا دخدای دی اوس دا مسی شان فرمان

که توفیق داتفاق پښتانه مومی زور خوشحال به دو باره شی به (۱) کلیات خو شحال خان خټک با مقدمه و شرح دوست محمد خان کامل، پشاور، ۱۹۶۰، ص ۲۱۵

دا جوان (۲) شاعر با ادامه اینگو نه اندیشه های خود، در جای دیگر چنین میسر - اید: چه مغل وته می و ترله توره درست پښتون می وعالم وته بنکاره کړ. اتفاق په پښتانه کښی پیدا نه شو گڼه مابه دمغل گریوان پاره کړ. سره یوتر بله اخته دی به خپل کور کښی.

په نفاق یی غم وماته اجاره کړ (۳) جهان بینی شاعر، باین تصور که میتوان در جوامع دارای تناقضات اجتماعی، تمام اقشار و طبقات را بهم پیوند داد، دستخوش محدودیت میگردد. صرف نظر از آن، اشعاری که شاعر، درین زمینه سروده تا کنون هم از لحاظ ارزش ادبی، خوانندگان را بسوی خود میکشاند و مایه اعجاب آنان میگردد.

ابیاتی که خوشحال خټک در زمینه ضرورت اتحاد و همبستگی انشاد کرده در شعور ملی افغانها نقشی بزرگ ایفا نمود و اکنون هم افغانها، این درهای گرانبها را با شور و حرارت خاص، آویزه گوش میسازند. مثلا به اشعار ذیل توجه کنید:

(هر گاه یکی از پنج انگشت در دست نباشد، کار انگشتان دیگر به کجا خواهد کشید؟

قدرت دستها وابسته به اینست که انگشتان پنجگانه یکجا باشند. هر گاه انگشتان یکجا و فشرده باهم باشند، کار دست نیز نیکو خواهد بود.

(سعدت و شاد کامی مردم زاده اتفاق است. خواری و ذلت هنگامی گریبانگیر آنها خواهد شد که اتحاد و یگانگی از میان شان ریخت بر بندد) (هر گاه دو قلب بهم نزد یک

(۲) همانجا، همان صفحه (۳) همان جاص ۸۷۶

شوند، میتوانند حتی کوه را هم از میان بر دارند. سرم فدای اتفاق باد که سر چشمه تمام نیکی ها است. (اتفاق گل برو یاند و گلزار آفریند، اما نفاق خار زار بد آورد.)

خوشحال خان خټک ضمن اظهار نظر پیرامون شعر و شاعری، اهمیت بزرگ شعر را در ساحه تربیه و تبلیغ یاد آور میگردد. بعقیده او، شاعری کار هر انسان فاسق و کج اندیش نیست. این فن خاصه کسانی است که قلبی پاک و بی آرایش دارند راستگو و درستکارانند و بر خو دار از دانش و فضیلت. خوشحال خان خټک که در کار ایجاد ادبی خود بدین پرنسیپ اتکا داشت، در جوکات محدود افاده های انتزاعی و مفاهیم پندار گرایانه محصور نماند

در اشعار وی، مسایل مهم حیاتی و رویداد های دوره زندگی او، انعکاس وسیع می یابند. مثنویها، چاهه ها چکامه ها رباعیات و قطعات شاعر، از لحاظ موضوع، باار تباط خویش به وقایع مهم حیاتی بر جستگی خاص دارند درین اشعار و قهرمانی های شاعر در صحنه پیکار موضوعاتی از قبیل - حالات اجتماعی معشیتی قبایل مختلف پشتون مناظر طبیعی، موقعیت جغرافیائی سر زمین مادری شاعر و مناطقی که دیگر قبایل افغان در آنجاها حیات بسر میبرند.

آنها و شغل و حرفه ای که بد آنها اشتغال میورزند، حوادثی که در حیات معنوی آنها روی داده و معلومات مربوط بتاریخ زندگی افغانها، ترسیم میگردد و مسایل مهمی چون اخلاق، علوهیت، کار و شهامت، عزت نفس، تسوا ضعو

خود خواهی ، مردانگی و جبن و امثال اینها بسا فضایل و رشاییل انسانی مورد گفتگو قرار میگیرد .

شاعر در یک قصیده طویل خود که متضمن بیش از ۱۲۸ بیت میباشد پیرامون زندگی و فعالیت شعری خود سخن میگوید . این قصیده یک سلسله معلومات ارزنده ای را که به ایجاد ادبی خو شحال خان خٔک ارتباط دارد ، دربر گرفته است .

دانشمندان سر شناس شوروی و ، ا . لیو شتیس در مقاله ای که تحت عنوان (شاعر بیکار جو) نوشته ، به آفریده های ادبی خوشحال خٔک ارزش بلند قابل گردیده و یکی از عوامل شهرت بزرگ او را در جهان شعر و ادب چنین میدانند که (او یکی از آن شاعران کلاسیک پشتو می باشد که تحت نفوذ صوفیزم قرار نگرفته اند) .

اشعار لیوریک خو شحال خٔک در آثار شعری او موقعی بر جسته دارند .

شاعر در جامه ها و دیگر اشعار لیوریک خود ، عشق و محبت ، زیبایی طبیعت و مناظر محیطی را که خود در آن میز هست مستانید . جامه ها رباعیات قطعات ، چکامه ها و مثنوی هایی که شاعر درین زمینه ها سروده با سلاست و روانی خود ، با هماهنگی افاده های بدیعی و تشبیهات خود با واقعیت ، خواننده را به شور و هیجان می آورند ، با آنهم هنگامیکه سخن از سمن ایت میگوید ، نمیتواند از تأثیر جر یان صوفیزم که طی قرنهای طولانی بر ادبیات کلاسیک دری حاکم بود ، بر کنار بماند . اما عشق و محبتی که در اشعار (صوفیانه نما)ی خوشحال ترنم میگردد ، انسا نه بار به ترک دنیا فرا نمیخواند . شاعر در اشعار خود عشق پاک و بی آرایش ، شور و نشاط زندگی ، اضطراب و بیتابی دل را یک جا با بندی که از حیات فرا میگیرد ، افاده میکند . ما میتوانیم با خواندن این غزل شور انگیز اساساً عمیق پر جاذبه خوشحال را بی ببریم : نیمه شبه می به پالنگ راغله دلبره

پری رویه ، عنبر بو یه ، سمنبره رنگینه جامی اغو سنتی زر نگازی سره درسته تجلی وه باقر سره سربوی تور ، بنیینه به لاس ، باده بی خنبلی .

دمستی به خیل خان نه وه خیره دپائیلی اود خری بی شرنکها ر شو زله خوبه را پرتاب شوم لیر په دیره ماوی گوره شا پیری وه که حوره چه داهسی شان په ما شوه برا بوه توره وروخی بی لینده ، بانه بی غشی غابیس بی در قیمت بها به لب شکره

په خندا اخندا بی دا اووی وماته چه ناوته نظره کته بی بصره ته مانه بیژی زه هغه خو بایم . بله نشسته به خوبی ترما بهتره عاشقان خما دخولی په ککلی دیروی بختور بی چه می و نیوی په غوره خو بوسی بی دلبانو ومارا کپی حقیقی پیاله بی را کرله احمره و کپی نرسته شبه مو سره زله پالنگ و کپی دوصال خوبی بی لانه وه توره چه آواز موذن داذان وشو

په سحر له مانه ولاړه ناز پروره چه په دیر ارمان محبوبه درومی کشکی شیده خوار عاشق وی بیسحره چه عسی محبوبیا خوشحال جداشو دآتش لمبی بی درومی له بستره (۴)

ترجمه : (دلداد پیر پچیره عنبری بوی سیمین بر ، نیمه شب بر بسترم آمد .

جامعه های رنگین زرنکار بتن داشت و سر ایا جلوه و درخشش بود .

با موی سیاه ، قدح در دست ، باده مینو شرید و چنان مست بود که از خویشتمن خبرنداشت .

با شنیدن صدای بازیب او و زیوراتی که بر سینه و جبین آویخته بود ، ناگهان از خواب بیدار شدم .

با خود گفتم : مگر این حور است یا پری که بدین سان با ابروان سیاه چون گمان با مزگان های درز چون تیر ، بادندانهای سفید چون درو بالبانی چون شکر ، با روپرو شده است .

بالبان متیسم گفت چشم بکشا و بمن نظر کن ، مگر مرا نمیشناسی من آن سر خیل خوبانم که بهتر از

(۴) همانجا ص ۱۰۲ - ۱۰۳

من در میان خو برو یان نمیتوان کردار شان فاصله زمین و آسمان وجود دارد .

دلداد گان لب و دندان من ، در اینجا بی شمارند ، اما خوشبخت آن که من او را برگز نیم .

بوسه ای چند از لبان خویشم ارزانی داشت : باده ای حقیقی از ساغر گلگون خود بگام ریخت ... تمام شب با هم در بستر راز گفتیم دقایق شیرین وصال پایان نداشت .

همینکه بانگ موذن بر خاست آن ماهروی ناز پرور از برم رفت ، هزار افسوس که دلداد می رود اینکاش شب عاشق بیچاره سحر نمیداشت .

(خوشحال) که از آن مجبو به طنز جدا مانده است ، از سرا پایش روی بستر آتش می جهد .

از بر سی دقیق متطلع ک غزل دیگر خو شحال خان روشن میشود : عشق و محبتی که او سرا بنده آنست ، همان عشق واقعی و حیاتی است ، او درین باره چنین میگوید :

که دینکلو دیدن مینه گناه ده . سکه خو شحال خٔک درست عمر جنایت کا (۵) ترجمه :

(هر گاه عشق دیدار ماهرو یان گناه باشد ، در آنصورت باور داشته باش که خوشحال خٔک تمام عمر گناه هکار بوده است) .

شاعر آنانی را که ترک دنیا گفته و بگوشه عزلت خزیده اند ، اینگونه با سخنان نیشدار مورد خطاب قرار میدهد :

کینینی به خلوت کینیی شیخه ، سو دی راته وایه

ولی به خیل خان داهسی ارت جهان تنگ کپی (۶)

خو شحال خٔک زاهدان ریاکار را بیاد طعن و ملامت گرفته رندا نه پرده سالوس وریارا از چهره آنان یکسو میزند و فاصله کردار آنان را با گفتار شان نشان میدهد .

ترجمه : (آنها کتاب آسمانی) و کتا بهای زمین را میخوانند ، اما میان گفتار و

(۵) همانجا ص ۵ (۶) همانجا ص ۱۲۱

(پیوسته کتاب خدا را میخوانند ، اما ذره هم بر آن عمل نمیکنند) بزبان ، لاف از اسلامیت میزنند ، اما سخنان شان عاری هر گونه و برکت و خالی از تاثیر عقیدت است) . در جای دیگر :

(به دنیا می نگرم و حیران میشوم این فریبگران بخاطر نفس ، چه کاری است که انجام نمیدهند .

(کار های که از آنان سر میزند حتی شیطان هم از راه یافتن بدان عاجز است .

(آخر بکجا روی آورم و از کجا بجویم؟ دانایان چون کیمیا نایاب شدند) .

میتوان از و رای ابیات ذیل خو شحال خان بی برد که عشق مورد ستایش وی چقدر بازندگی سر چشمه میگیرد .

پیوند دارد و تا کدام حد از حیات زه خو شرابی یه شیخه خه را سره جنگ کپی .

بخری از لی ده کشکی ما دخان به رنگ کپی

بنه وایی واعظه بوکت دستا به ژبه .

بنه نهی به ویلو ددریاب او به کونگر کپی .

ولاړل و جنت ته چه به پوهسه خبرنه وو

ولاړل و دوزخ ته چه بی لافی د فرهنگ کپی

ززه خو دزړه درد غواړم به هر یوه مذهب کینیی .

تازه ده ستاخبری چه نقلونه رنگا رنگ کپی

را ئیشه مطربه ! دنور و زسرود آغاز کړه

نهی نغمی زړه سوزی به رباب ، په نهی وچنگ کپی

تحميل بیجا



تشخیص این بیماری آنقدر اشکال ندارد کسیکه گرفتار است بی منطق، متخاضم و متعصب جلوه میکند بعضی اوقات به تمام موضوعات و گاهی فقط را جمع بیک موضوع یا فشاری نشان می دهد این بیمار میکوشد مفکوره های غلط خود را در قالب سیستم و اصول بریزد و همیشه این مفکوره ها را بالا و پائین میکند تا تعبیر اصولی برای آن پیدا کند و نفس خود را اطمینان دهد هر گاه کسی بساری بحث و مناقشه پیر دازد بسرای مدافعه خود گاملا متعرض میشود و یا اینکه عقب نشسته در بساطن متغیر میگردد. این بیماری مانندی دیگر انحرافات از عدم مسئولیت هیجانی و از خوف های اعتراف ناشی شده نشئت میکند. بیمار می کوشد حتی از نزد خود این علل را بوسیله عقیده باطنی مخفی نگه دارد.

علامت این مرض :

۱- طرز تلقی بیمار بصورت مزمن بر شک و تردید و بی اعتمادی

بنا یافته تصور میکند دیگران همه دشمن وی میباشند و کردار دیگران را همیشه تعبیر غلط میکند بنابراین به هیچکس اعتماد ندارد. ۲- بیمار مفکوره ثابت داشته و مفکوره های خود را در قالب سیستم و اصول میریزد و برای به کرسی نشاندن گفتار خویش تا پای مرگ می ایستد اگر هر قدر دلیل و منطق بگوئید باز هم به گفتار سابق

ایستاده و هرگز گفتار و دلایل دیگران را قبول نمی کند. ۳- نشانه سوم این بیماری خصوصیت و عداوت است ممکن این خصوصیت فعال یا غیر فعال باشد بیمار بوسیله خصوصیت سعی می کند خود بشتن را از تاثیر نفوذ دیگران و قوانین خود را دور نگه دارد. قوانینیکه در وی شک و تردید ایجاد نماید خود را حفظ کند.

معلومات تازه برای جوانان

کشتی ئیکه داخل بکس جا میگیرد



تعجب نکنید در عصر اتوم هر چیز امکان پذیر است.

ناگفته نباید گذاشت که تمام این چیز ها برای آرامی بشر واستفاده بهتر از آن به میان آمده و می آید. در عکس شما یک کشتی را می بینید که یک نفر بخوبی در آن جا میگیرد و بدون کدام مشکلی آنرا حرکت میدهد در حالیکه این کشتی کوچک داخل یک بکس سفری شده و بدون کدام زحمت از یکجا بجای دیگر نقل اده میشود.

کشتی مذکور از موادی ساخته شده که در آب شناور بوده دارای وزن ۱۵۰ کیلوگرام و طول آن ۷۰ متر عرض آن ۴۵ متر و ارتفاع آن با کناره های آن در حدود ۲۵ متر میباشد این وسیله جدید حمل و نقل در آلمان ساخته شده و علاقمندان آن اکثرا جوانان میباشند. قیمت این کشتی در حدود هفت هزار افغانی میشود.

جوانان و استفاده از قضاوت سالم

در جستجوی

دوستان قلم

اینجانب احمد فرید متعلم لیسه تجارت میخوآ هم با کسانیکه با مطالعه و کتاب علاقمند باشند مکاتبه نمایم.
آدرس: احمد فرید متعلم صنف دهم لیسه تجارت.

آرزوی مکاتبه را با کسانیکه به جمع آوری تکت پستی علاقمند باشند و درین قسمت معلومات داشته باشند میخوآ هم مکاتبه کنم.
آدرس: زهرا متعلم صنف نهم لیسه آریانا.

اینجانب عبدالروف می خواهم درباره موسیقی مخصوصا موسیقی کلاسیک معلومات حاصل کنم کسانیکه به این رشته علاقه و معلومات دارند لطفا به این آدرس مکاتبه نمایند.

آدرس: کندز عبدالروف متعلم صنف دهم لیسه شیر خان.

مایل به مکاتبه با کسانیکه درباره ادبیات افغانستان معلومات دارند میباشم.

آدرس: نذیر احمد متعلم صنف یازدهم لیسه حبیبیه.

اینست که يك نفر جوان آلمان با پروازی که از فراز يك قلعه قدیمی واقع در شهر «هی شین گن» واقع در آلمان غرب نموده است چنانکه در عکس دیده میشود باعث تعجب و حیرت همگان مخصوصا جوانان شده است.

این جوان توانسته است که فاصله نسبتاً زیادی را با آله ایکه بشکل کاغذ پسران است طی نموده.

البته باید گفت که آله مذکور از تکه پراشوت و سیخ آهنی ترتیب و تهیه شده است عجیب این جاست که این ورزش در بین جوانان طرفداران زیادی پیدا نموده و هر روز بر تعداد آنها بیشتر میگردد.

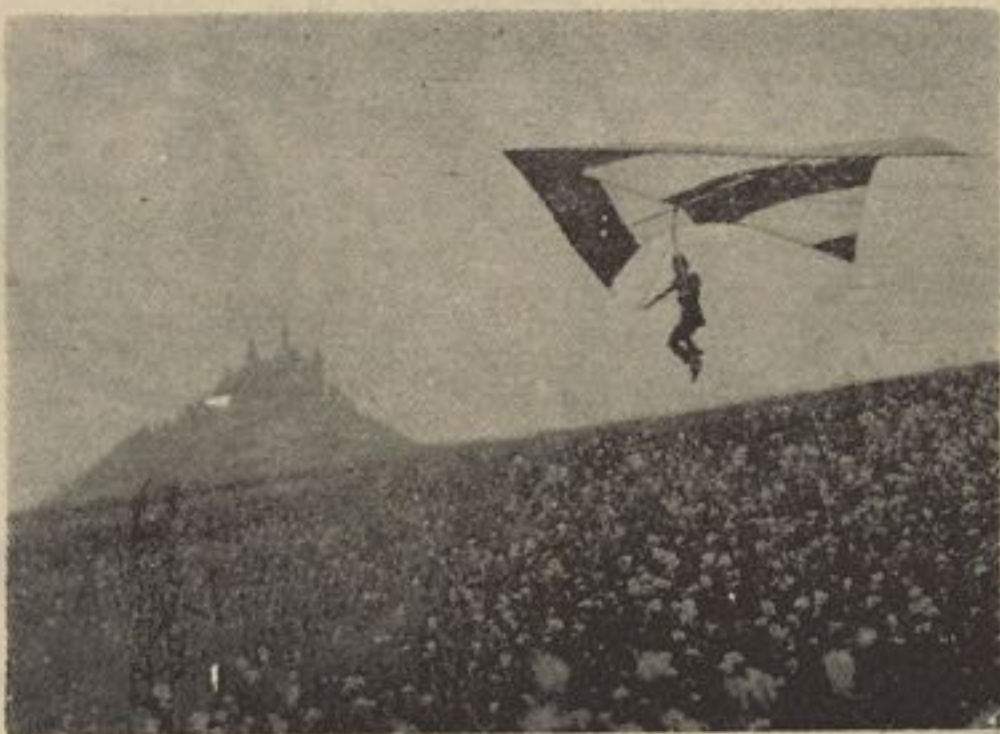


اگر نظری به افراد يك کشور بیندازیم خواهیم فهمید که يك فیصدی مهم نفوس آنها طبقه جوان تشکیل میدهد و این طبقه نظر به شرایط اجتماعی، طرز زندگی و با- لخصوص از نگاه اخلاق و آداب از هم فرق میکند. یعنی در ارتقای يك کشور همه افراد آن سهم دارند خصوصاً جوانان روشن ضمیر با کراتر و با اراده زیاده تر رول داشته و در همه امور زندگی پیشقدم میباشند. نباید تمام اشخاص را که از نگاه رشد جسمانی انکشاف می نمایند و به سن قانونی جوانی میرسند جوان نامید. کلمه جوان را باید یکسوی

خطاب کرد که دارای ذهن روشن حس تفکر مثبت، اخلاق حمیده، اراده متین، ثبات و غیره صفات نیک بوده و در تمام امور از ینگونه صفات خویش استفاده نیک نماید. جوانانیکه در يك محیط زندگی دارند نباید مصدر فعالیت های منفی گردیده و چشم امید همه افراد جمعیت خود را به ظلمت تاریک نمایند، زیرا در يك اجتماع تمام افراد آن نسبت به دیگر طبقات امید پیشرفت و ترقی را از جوانان واقعی و حساس دارند و همه به این آرزو میباشند که روزی جوانان شان پیشرو قافله ترقی و سعادت و آرامی آن جامعه گردند.

بقیه در صفحه ۵۶

از دنیای جوانان



آنهایکه گفته اند دنیای جوانان دنیای عجیب و شگفت انگیز است، خیلی بجا و درست گفته اند. زیرا این جوانان آنکه که با کار های خارق العاده و عجیب خویش توانسته اند در محیط، در خانه و بالاخره در زندگی خویش

واطراف خویش تازگی ها و نو آوری ها بیآورند که هر کدام آن به شکلی تحولی در زندگی شان بوجود آورده است که نشانه از زندگی آنهاست ممکن است تحولی که در زندگی آنها بوجود می آید گاهی هم مفید نباشد. بهر حال مقصد ما

تهیه و تنظیم از: سید احمد شاه (شامل)

آیا میدانید؟

به مرور زمان که سن بالاتر میرود، اعضاء بدن نیز بیترتو فرسوده تر میشود.

مغز - روزانه ۱۰۰ هزار سلول آن از بین میرود ولی سلولهای (رزور) آن برای هزار سال عمر کافیست.

گوش - بتدریج شنوایی آن ضعیف تر میشود و برای احتراز از آن لاقط میتوان از بسردن در جاهای پر سر و صدا مثل کارخانه خودداری کرد.

جربی - بالا رفتن سن مقدار چربی در اطراف کمر مردها و بالای ران زنها زیاد میشود و علاجش ورزش است.

ریه ها - بهرور زمان ظرفیت و گنجایش آنها کم میشود و علاجش عدم اعتیاد به سگرت است.

پوست - حالت ارتجاعی خود را از دست میدهد و علاجش مواظبت از آن و احیاناً عمل جراحی است.

کلیه ها - در ۶۰ سالگی تقریباً ۵۰ درصد فعالیت خود را از دست میدهد و برای جلوگیری از آن علاجی وجود ندارد!

عور مونهای جنسی: بهرور زمان فعالیتهای شان کاهش مییابد. چاره اش درزنها تزریق بعضی هورمونو نهاست برای عقب انداختن سن او در مرد ها داشتن يك زندگی جنسی - الم و متعادل.

استخوان بندی و بافتها - استخوانها بهرور زمان سخت تر میشود و بافتها حالت ارتجاعی خود را از دست میدهد و چاره اش سلولو تراپی، استعمال ویتامین با تزریق عور من است که نتایج هیچ يك صدم درصد مثبت نیست.

مویها - به مرور زمان دچار ریزش شده و رنگ طبیعی خود را از دست میدهند. علاجش بکار بردن مایه های طبی و یا تزریق هورمون های زنانه است که ممانا بر خطر نیز نمیباشد.

چشم - دید چشم کمتر میشود، علاجی برای آن وجود ندارد و چشم تابع اورگانسیم است سلول - به تدریج ضمن تکثیر، فعالیت سلول کمتر میشود و علاجی برای آن وجود ندارد.

قلب - قدرت و نیروی قلب به مرور کمتر میشود. علاج آن ورزش، فشار خون ثابت و تعادل روحی و جنسی است.

عضلات - بهرور زمان شل تر میشود، علاجش ورزش است و خوردن مواد پروتئین دار.

رگها - بهرور زمان سخت تر میشود، علاجی بران وجود ندارد ولی ممکن است سلولو تراپی یا عور مونو تراپی واقع شود.

زنیکه همپایه انیشتاین بود

و افتخار فراوان مهمترین صفحات خود را برای درج نظریات علمی و اکتشاف فیزیکی وی در اختیار میگذارند در حال حاضر، در محافل علمی، این زن را با آلبرت انیشتاین و مادام کوری مقایسه میکنند.

تأیید از این، مادام «چیان چیونگ وو» پرو فیسور عالی مقام پوهنتون کولمبیا و استاد بزرگ فزیک اتمی بود.

بسیاری از شخصیت های علمی واکا د میک جهان بر این عقیده اند که بزرگترین دانشمند فزیک جهان خانم «چیان چیونگ وو» می باشد این زن که در تحولات دانش فزیک عصر اتم سهم بسزایی دارد، در سراسر جهان از شهرت فراوانی برخوردار است و تمامی دانشمندان بزرگ جهان از او به احترام یاد میکنند و بزرگترین مجلات علمی جهان باعلاقه وافر

بخت و پز

رادروغن داغ سرخ کنید که کلابی شود.

تخم مرغ ها را باد و قاشق غذاخوری آب سرد بزنید مرچ و نمک بیفزایید. رویش نخود، بادنجان رومی و مکرونی بپاندازید، بملایمت بپزید وسط آنرا هم شور بدهید و اطرافش را با کارد بلند کنید که خوب خود را بگیرد. بعد آنرا به مدت یک دقیقه روی آتش قرار دهید آنرا چهار قسمت کنید و روی هر قسمت یک ورقه گوشت قرار دهید و بعد ...

تخمرو ستایی :

مواد لازم برای ۳ نفر :

یک دانه پیاز بزرگ - دو دانه بادنجان رومی - یکمقدار مکرونی - چهار تکه گوشت - چهار دانه تخم نمک و مرچ بقدر لازم و اگر بسیار شکم تا آنرا دوست دارید ۴ قاشق غذاخوری نخود پخته، تهیه کنید.

طرز تهیه :

پیاز را پوست و خرد کنید. بادنجان رومی را نیز پوست و خرد کنید. مکرونی را پخته کنید. تکه های گوشت را کباب کنید تا خوب نرم شود، پیاز

بدین فرار است که میگویند

در این معادله منظور از (س.س) سن شوهر و منظور از «سن ز» سن زن است و به عبارت ساده تر اگر سن شوهر را نصف کنیم سن زن باید با افزایش عدد هفت به آن برابر باشد.

بطور مثال اگر سن مرد ۳۰ سال است سن زن باید نصف ۳۰ سال به علاوه ۷ یعنی ۲۲ سال باشد و یا مرد ۲۲ سال دارد سن زن باید ۱۱ به علاوه ۷ یعنی ۱۸ باشد.

بدین فرار در سنین پائین دختر و پسر با اختلاف سنی کمتر باید از دواج کنند و هر چه

سن مرد بالاتر میرود، تفاوت سنی او با زن میتواند بیشتر باشد. البته این فرمول برای تعیین حد اکثر بوده و نه جامعیت داشته و نه در مورد همه صدق میکند. بعضی افراد، از نظر قدرت جسمانی و انرژی جوانی، در شرایط پستی قرار دارند و گروه دیگری پیرتر و شکسته تر از سن واقعی شان به نظر میرسند که در استفاده از فرمول متناسب سن ایده آل زن و شوهر معلوم خواهد شد. فرستنده: سید احمد شاه شامل



ژوندون

زنان و دختران



تهیه از: مریم محبوب

تفاوت سن زن و شوهر تا چند سال

مناسب و قابل قبول است؟

تفاوت سن زن و مرد در موقع ازدواج چند سال باید باشد. اگر دختر و پسر هم سن باشند آیا مشکلات مواجه میشوند. دره ورتیکه بیدریم ازدواج مرد مستتر بازن جوانتر پیوند استوار تری میان آنها بوجود می آورد این اختلاف سنی تا چند سال مجاز و قابل قبول است. پاسخ این برشش ها تاکنون بدستی و دقت روشن نبوده و هر صاحب نظری عقیده جداگانه ای داده است. اکثر روانشناسان و کار شناسان زناتوبی تفاوت سن میان زن و شوهر را لازم دانسته و عقیده داشته اند که اگر مرد چند سال بزرگتر

از زن باشد از دواج آن ها دوام و استحکام بیشتری داشته اما باید واضح شود که این تفاوت چه حدودی باشد آیا دو سال؟ پنج سال؟ ده سال؟ و یا بیشتر؟ یک روانشناس مشهور فرانسوی به تازگی با بهره گیری از محاسبات مغز الکترونی موفق شده است فرمولی برای جواب دادن به این سوالات پیدا کند که به عنوان یک کشف جالب مورد توجه قرار گرفته و مورد قبول عده زیادی از دانشمندان واقع شده است. فور مول پیشهاد شده و روانشناس فرانسوی برای یافتن تفاوت ایده آل میان زن و شوهر

بر نام طلاق خط بطلان بکشید چون

طلاق کلید بدبختی شما و کودک شماست

من حاضر نیستم زخم را طلاق بدهم

میکرد که من هیچگاه به مشکلات زندگی اندیشه نداشته باشم. و به همان پیمان زندگی قناعت کامل داشت.

اگر آب میخورم او همچنان آب میخورد و سکوت میکردن این که ... برای آسمانی بالایم نازل شد طوریکه در بالا گفتم شامل کار شدم و پول چند پس انداز کردم در محلیکه کار میکردم دختری بود. بلند اندام و خوش صورت حرکاتش طوری بود که هر بیننده را به خود جلب میکرد خلاصه هر چند گوشش کردم که از او دوری بجویم اما امکان نداشت تا این که من بکلی تحت لاله او قرار گرفتم و همان بود که محیط گرم خانواده می داد سخوش تصادفات شدن بکلی عوض شدم دردم اول شروع کردم به فعالیت و لذت و کوب اطفال معصوم و بالاخره کار به جانی رسید که خواستم زخم را طلاق بدهم زخم بازرگوانی که داشت قبول کرد با آه و ناله فراوان و طفلش را گرفته از من کناره جفت چندروزی گذشت ما دو از هم جدا شدیم ولی چه باید عرض کنم که وقتی همسرم و اطفال مرا ترک گفتند بدبختترین روز های زندگی به سراغم آمد .

بودم نشیب و فراز زندگی من و همسرم را بی حد دچار مشکلات ساخته بودن بی پولی نبودن زمینه مساعد ، زندگی آرام و دامت نبودن وسایل کافی برای رشد دماغی و جسمی کودک و امثال آن ها پرابلمهای بود که من و خانم با آن مواجه شدیم اما از آنجائیکه توافق روحی بین من و خانم حکمفرما بود توانستم با همه مشکلات زندگی دستوپنجه نرم کنیم و به جنگ ناملا یفات برویم و طفل دنیا آمدند من هنوز بیگار در خانه بودم اما خوشبختانه زخم دست دوزی را خوب بلد بودم و میتوانست که روز های فراغت را با نوخت سپری کند و هم یک مقدار پول برای خود بدست بیاورد به هر ترتیب..

نوصیه میکنم به آنانیکه بدخلقی میکنند و آتش نفاق و بد بینی را در بین خویش درگیر میسازند، انانیکه بپانه می طلبند، از خشم و ستیزه در مقابل زن فرزند خود کار میگیرند به شوهرانیکه با کوچکترین سب و خطای همسرانشان آنهارا باذکر کلمه طلاق شدید میکنند

مقدمه را که مطالعه کردید موضوعی بود از لابلای نامه یک مرد با تجربه، این شخص در نامه خود از جنگهای زن و شوهر برای ما زیاد نوشته از تجارب خود مطالبی تحریر داشته ا یسن شخص که خود را از همسرین در همی یکی از وزادت خانه حسا معرفی کردند برای ما بعد از یک سلسله مقدمه بیسی انتظار میشو بستند.

من مردی با تجربه ای هستم اگر چه از کار رسمی خود چندان تجربه ای حاصل نکرده ام اما در مو ضوعات فامیل تجارب زیادی اندوخته ام تقریبا پنجاه و پنج سال از سنم میگذرد زمانیکه هنوز دست راست و چپ خود را نمی شناختم و ناخود دسترخوان پدر و مادر بودم سر مرا به دستمال پیچیده برایم زن گرفتند تا موقع تولد اولین فرزندم به خانه پدرم نان خور

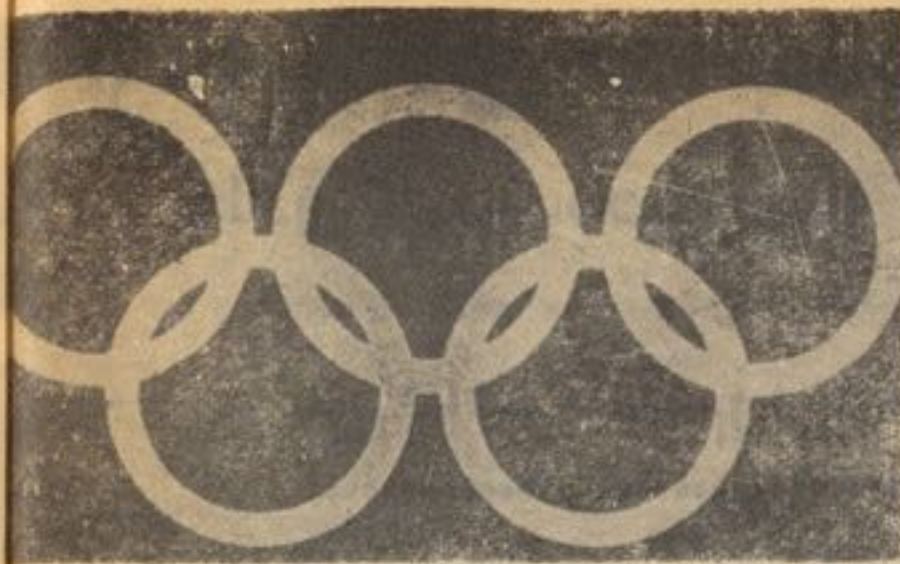


بشیرمان بودم سخت نادم شدم دوباره بر طرف همسرم برگشتم و او بازرگوانی خویش دوباره مرا بخشید اکنون خوشوقتم که زنی مثل او دارم شما هم گوشش کنید که زندگی تا دستخوش نا ملامت نشود .
م. از سرای غزنی

عکسها و مودها



ت
و
ر
ر
ت
سسه
ان
م
بی
وری
د
ونی
آ
کار
د
آتش
کنید
ست
باز
ر
س
مانی
دارند
سن
فاده از
وهر
سامل
ون



ورزش

دید و بازدیدهای ورزشی

استازینرو دایر کردن یک تیم والیبالی با ذوق و علاقه که به این ورزش در کار بست بس ساده ولی با آنهمه میان مردم حتی در دور ترین نقطه ذوق سرشار و استعداد کافی که میان کشور می بینیم متیقن هستیم که جوانان خود سراغ داریم تا مدت ها هیچ از آن تقدیر نمی شد و در مورد رهنمایی ایشان کدام اقدامی صورت نمی گرفت تا بالاخره دولت جمهوری با توجه خاصی که دارد متوجه این تقیضه گردیده و ورزشکاران را مورد تشویق و رهنمایی قرار داد که از آن جمله والیا لیست ها نیز میباشند همانطور یکه گفتیم

ما نتیجه مثبت آنرا هرگز نادیده گرفته نمی توانیم و معتقد هستیم که این مسابقات در بهتر شدن تکنیک و تکنیک بازی های شان رول عمده را بازی مینماید. چون ما به استعداد ذوق، لیاقت فهم ورزشکاران خود بخوبی واقف هستیم خوشبختانه ما در سراسر کشور بهترین ورزشکاران در هر رشته خصوصاً والیبالی داریم زیرا این بازی تنها یک جا ل بکار دارد و یک میدان کوچک که تدویر آن در هر نقطه مقدور و میسر

این هفته ما اخبار جالبی از جهان ورزش داریم که متشکل از مسابقات تیم والیبالی جمهوری مردم چین به کابل مراجعت تیم های والیبالی و باسکتبال و فوتبال بوطن و همچنان اشتراک تیم های پهلوانی و اتلتیک افغانی در بازی های آسیایی است. به اساس پرو گرام کلتوری بین دولتین جمهوری افغانستان و جمهوری مردم چین پس از مسابقات فرت تیم فوتبال افغانی به کشور دوست ما چین هیات والیبالیستان جمهوری مردم چین بکابل مسافرت نموده و در مدت اقامت خویش با تیمهای افغانستان بانک، نادرشاه مینه، پوهنتون کابل قوای هوایی و منتخبه کابل مسابقات دوستانه انجام دادند که در آشنایی بیشتر جوانان ورزشکار میان مملکتین خیلی موثر و مفید بود. هیات طی اقامت خود در کابل دید و بازدید های موثری با ورزشکاران افغانی انجام دادند که در تشدید مزید روابط میان مردمان هر دو کشور خیلی موثر میباشد.

با این مسابقات سومین بار است که تیم منتخبه والیبالی در ظرف همین سال باتیم های خارجی مسابقاتی انجام می دهند که



مسابقات تیم والیبالی جمهوری مردم چین با تیم های والیبالی کابل در چندین جا صورت گرفت که یکی آن در غازی ستد یوم بود

دورزش تربیوی ماهیتونه

دورزش او بدنی روزنی په تربیوی ماهیتونو باندی ستره آغیزه لری او باید ویل شی چه لایر اوسه پوری داقلیمی شرایطو له نظره دورزش او فیزیکی تمریناتو تربیوی ماهیتونه په علمی او مسلکی په بنه توگه خپل شوری نهدی او په دغه برخه کبسی دسپورت او ورزش دپوهانو لهخوا خپرنی روانی دی .

په شوروی اتحاد کبسی دور زشی ماهیتونه دخپراو، درجه بندی او تثبیتولو دپاره په خانکپی توگه تربیوی مرکزونه شته دی چه د بنوونکو ترخارنی لاندی کوچنیانو ته د راز راز ورزشونو لوست اوزده کپی ترسره کبزی. ویل شویدی چه د فیزیکی تمریناتو تنوع اود بنوونکو روش اوسلیقه په تربیوی ماهیتونو باندی مهم نقش لری، کهچیری په دله ایزه او گروهی ډول دورزش تربیوی پرو گرامونه تر تطبیق لاندی ونیول شی غوره نتیجی به ورخه ترلاسه شی خوبه عین حال کبسی ددله ایزو ورزشی تمریناتو دپرمخ وړلو دپاره دبنوونکو ورزشی استعداد او دغه راز دتشویق عامل د زیاتی پاملرنی وړبلل کیدای شی. اوس د مسکو په بنار کبسی دورزشی استعدادونو دتثبیتولو دپاره دورزشی مهراو هلی ځلی روانی دی .

(د.پ.ن له خپرونو څخه)

ابتکاراتو پیل شویدی. دماهرا نو دورخنیو خپرنو او تجربو له مخی دورزش او فیزیکی تمریناتو په تربیوی اړخونو کبسی یوزیات شمیر عوامل آغیزه لری چه د هغوله جملی څخه دورزش او فیزیکی تمریناتو تنوع، دورزشی لو سو وسیلی او سپورتنی ډگرونه اود ورزش او فیزیکی روزنی نوی طریقی دذکر وړبلل کبزی د ماهرانو طریقی دذکر وړبلل یکنواخت او په پرله پسې توگه یو ډول ورزش نه یوازی سترتیا راپیدا کوی بلکه په عمومی توگه دورزشکارانو استعدادونه هم شنویدی او په تیره دورکتوب او کوچنیوالی په دوره کی باید دسپورت دتنوع اود سپورتنی وسایلو دبنکلا عامل باید هیڅکله هیر نه شی .

ددی له پاره چه دورزش دتر - بیوی اړخونو سره څه ناڅه مرسته او کومک شوی وی شوروی ماهرانو عقیده څرگنده کړیده چه دورزشی دانکشاف او په تربیوی اړخونو کی دغه دودی او تدریجی تکامل دپاره یوه غوره لاره داده چه دورکتوب په دوره کبسی دورزش تربیوی ماهیتونه تربیت او وټاکلی شی اوبیاوروسته دطبیعی زکات دبه نظر کبسی نیولو سره دورزش ډولونه وټاکل شی. دغه راز دورخنیو تجربو له مخی اقلیمی شرایط هم په وار سره د

دژوندانه په ټولو دور و کبسی او په تیره دورکتوب او جوانی په مرحلو کی ورزش اوبدنی روزنه دار گونیزم دتدر یجی ودی او تکامل پاره یوه مهم او ضروری عنصر بلل کبزی .

په داسی حال کبسی چه اوس دورزش او بدنی روزنی دتمریناتو د اجرا کو لو اوسر ته رسو لو دپاره نوی شرایط او امکانات درا منځ ته کیدلو په حال کبسی دی گورو چه ورزش او فیزیکی تمریناتو تربیوی ماهیتونه هم دورزش دماهرانو دزیاتی پاملرنی وړ گرځیدنی دی او د ۱۹۷۴ کال دشروع څخه را په دیخوا په تربیوی اړخونو کبسی د کوچنیانو دورزشی استعدادونو دورولو دپاره په یولې نوو تربیوی



په گروهی توگه د کوچنیو ورز - شکارانو د تربیوی تعلیماتو ټولنه څخه

از منابع شوروی

قهرمانان جهانی

نیز می شوند به آمادگی مسابقات المپیا در اتحاد شوروی میخوایند پخومو او الکساندر گرشکوف برای آماده شدن در مسابقات المپیا که در سال ۱۹۷۶ صورت میگیرد آغاز نموده اند زیرا در پروگرام دوازدهمین مسابقات المپیک برای اولین بار بازی روی یخ شامل گردیده است. سازمان ورزشی اتحاد شوروی در نظر دارد که پروگرام جدید

هفت سال است که لود میلا پخومو او الکساندر گرشکوف در مسابقات قهرمانی بازی روی یخ اشتراک می نمایند و در طول این مدتی که در مسابقات اروپائی و جهانی حصه گرفته اند کلسیون بزرگی را از مدال های درجات عالی جمع آوری نموده اند. در مسابقات قهرمانی جهانی سال ۱۹۷۴ که بازی های روی یخ در شهر مونشن صورت گرفته بود میلا پخومو



در تصویر این دو قهرمان را موقع اجرای یکی از مشکلات این قسمت مسابقه را می بینید. شماره ۲۶ و ۲۵

یعنی هشتمین پروگرام بازی های روی یخ باهیچکدام از بازی های قبلی شان شباهتی نداشته باشد .



این زن وشوهر همیشه یکجا به تمرین میبر دازند .

مردی بانقلاب بقیه

تا اینجا داستان :

گنتر مامور لایق پولیس به تعقیب سازمان بقیه ها زندگی اش را از کف داد.
 لك معاون کمیسر پو لیس به تشویق دیک گاردون به تعقیب مایتلند پیر که مرد موزی است میبیراید. رای بنت جوان که نزد مایتلند کار میکند، به اثر تشویق لولا بسا نسوا پارتمان لوکس به کرایه گرفته می خواهد به خدمت خود نزد مایتلند پیرخانه دهد و تلاش خواهرش برای ادامه کار او نزد مایتلند به کدما نتیجه نمی رسد و او را ترک میکند. دیک از طرف وزارت خارجه انگلیس مامور حفاظت یک سند میشود. اما اسناد از سیف منزل لارد فار میلی بطرز اسرار آمیزی به سرقت میرود با تحقیقات پو لیس هاگن مدیروکلپ هیرون گرفتار میشود. اما هاگن بطرز عجیبی فرار میکند و اکسون پولیس به اثر اشتباهی که دارد یکس های راکه مرا جعین در شعبات حفظیه استیشن های ریل به اهانت می سپرد در دفتر مرکزی تفتیش مینماید. در اثنای تفتیش بمبی در دفتر پو لیس متعلق میشود و اینسک بقیه داستان.

جانسن پاسخ داد: این را نمی دانم شاید همینطور باشد که شما میگویید. منظورم اینست که بخوشی حاضرم اوراکمک کنم. چندین کار دیگری هم هست که کمتر با اهمیت مینماید و شاید طوریکه شما میگویید رای نخواهد دفعتا یک چنین کار پر مسئولیتی را قبول کند.

دیک نظر قطعی اش را ابراز داشت. یقینا نمی خواهد بار مسئولیت به این بزرگی را دفعتا بدوش خود بکشد. لك اظهار داشت: به نظر من مشکلترین کار برای مانجات رای بطور کلی از جنگ سازمان بقیه ها می باشد یک بار یک بقیه همیشه بقیه. و این آقای نمبریک که دست روی دست و چهارزانو نشسته، سرانجام سقوط خود را به چشم سر خواهد دید. ما او را گرفتار خواهیم کرد. امروز صبح ما شاهد یک حرکت جنایتکارانه آنها و سقوطشان نسبت به جان جانسن به روی خیابان بودیم. آنها میخواهند جانسن را به ضرب گلوله از پای در اندازند.

دیک لب تری را از گوشه دهانش دور کرده حلقه غلوی ازدود آبی را بهوا فرستاد و سپس اظهار داشت: بقیه میدان را باخته و مشتش باز شده است. یگانه سوالی که باقی مانده اینست که برای خاتمه دادن به این بازی کدام راه بهتر خواهد بود. بالدر دستگیر شده و هاگن در زندان بسر می برد. لیو برادی یکی از اجنت های بانفوذ بقیه کشته شده و لولا ...

لك گفت: لولا رفته است. او امروز صبح عازم ایالات متحد امریکا شده جو شابراد امکانات مسافرت لولا را توسط کشتی به امریکا فراهم ساخت. باین حساب تنها شخص بقیه باقی میماند و سازمانی که او آنرا اداره میکند. بمجردی دستگیر شود با تمام تشکیلاتش درهم می باشد و کلیه اعضای باندش تسلیم خواهد شد.

در همین لحظه جان بنت نزد آنها برگشت و به این ترتیب موضوع صحبت تغییر کرد. چند لحظه بعد جانسن خداحافظی کرده رفت.

دیک پرسید: آقای بنت، شما به ایلا چیزی نگفته اید؟
 - درباره خودم؟ نه چیزی نگفته ام. مگر لازم بود چیزی میگفتم؟
 دیک به آرامی گفت:

جان بنت سرش را پایین انداخته و با تردید اظهار داشت: پس شما میدانستید و باز هم ...
 دیک با سر اشاره ای نمود و بالحن دوستانه ای گفت:

من ناگامی تمام پلان های شما را برای یافتن یک کار آبرو مند و شغل مناسب میدانم. و هم متوجه ناراحتی شما بودم که چنین شکل دهشتناکی را قبول کرده بودید. شما در نظر من مجری قانون می آمدید نه بیشتر و نه کمتر از شخص خودم که بسیاری مردم را تابه روی چوکی برقی کشانده ام دهشتناک نبودید شما کمتر از یک قاضی نا پاک نبودید که اشخاص را محکوم میکند و در پای ورقه حکم اعدام محکومین امضاء مینماید ما همه ابزار و سامانی هستیم برای برقراری نظم.

ایلا و پدرش آنشب را در هارلی تریس مانده، فردا صبح عازم استیشن یاد ینگتن شدند تا رای را در آنجا ملاقات نمایند.

دیک از آنها همراهی کرد و لك اظهار داشت: اما بنظر من بسیار جالب می آید که نه شما و نه من بنت را درست می شناسیم.

دیک گفت: چگونه باید او را می شناختیم نه تو و نه من هنگام اجرای

تصور نمی کنم. بنظر من بهتر است بگذارید این موضوع به حیث یک سرپین شما و رای باقی بماند. من مدتها پیش این موضوع را میدانستم. در همان روز که لك بمن گفت شمارا در استیشن ریل کینگ کراس دیده بود و در همان روز سرقتی هم بوقوع پیوست من دریافتم که در همان روز یک نفر را در زندان یورک به دار آویختند. من بخودم زحمت داده درستون های مخصوص وقایع جنایی روز نامه ها و جراید به جستجو پرداختم و سر انجام دریافتم که قرار ادعای لك هر بلاغیبست شما پاسر قتل و دزدی همراه میبود.

اما همیشه در طول یک سال آنقدر دزدی و سرقت در انگلستان بوقوع می پیوندد که اگر این تصادف رخ نمیداد، عجیب می نمود. اما اتفاق های دیگری هم واقع میشود. در روزیکه قتل درجیلی کاپس رخداد، شما در گلاسستر بودید. و درست در همان روز ویلبس قاتل هر فورد

حکم اعدام محکومین حاضر میبودیم و قاعده شخصی که اجرای حکم اعدام را برعهده میداشتند باشد و هویت جلا دان مخفی میماند و حال اگر او میخواست از خود حرف بزند، او به شهری کاذب و قابل اندیشه می شایید میترسید. بنت از مواجهه شدن با ذهنیت عامه رم میکند و حتی از ظاهر شدن در استیشن های ریل شهر های که محکومین اعدام میشود دوری میجست. او عادتاً در یک از استیشن های قراء نزدیک شهر مورد نظر از ریل پیاده میشود و باقیمانده فاصله را پای پیاده میرفت و خود سرا به محل کارش میرساند.

سر محافظ زندان گلا سستر بمن گفت که او همیشه نیمه شب یک شب قبل از اجرای حکم اعدام خودش را به زندان می رساند. هیچکس آمدن و رفتن او را ندیده اند.

اما مایتلند پیر غالباً جان بنت را می شناسد.

دیک با سر اشاره کرد. به احتمال قوی آری. مایتلند مدتی را در زندان بود و امکان دارد که بعضی از زندانیان صاحب امتیاز میتوانند جلاد را ببینند و بشناسند منظور من از زندانیان ممتاز کسانی میباشد که بعلت رفتار خوب شان با زندانیان اجازه میداشته باشند در محوطه زندان آزادانه گشت و گذار کنند. مایتلند به ایلا گفته بود که او مدتی را در یک سو راخ گذشتا نده و این به عقیده من بهترین تعریفی برای حبس بودن خودش بوده است تمام مکاتیب رسمی برای بنت به دور کینگتک میرسید، جایی که او یک اتاق را برای تمام طول سال به کرایه گرفته بود. مسافرت های اسرار آمیز او در شهر برای مردم مرموز جلوه نمی نمود. زیرا آنها نه شکل او را دیده و نه نامش را شنیده بودند.

وقتی لك شام به هارلی تریس آمد و دیک را در آنجا ندید دچار حیرت شد. پیشخدمت اطلاع داد که صاحب پس از استراحت مختصر لباسش را عوض کرده و بدون گذاشتن پیاپی بیرون رفته بود. دیک معمولاً به تنهایی به گردش نمی رفت و لك نخست اینطور فکر

های خود ضرورت دارم البته در صورت تیکه مطابق نظریه سلینسکی در آینده هم نتایج و لغزانی داشته باشد و در خلال آن وقتی ایلا عروسی کرد تو میتوانی به جمع کردن کچالو هم بپر دازی.

رای متعجبانه بسوی خواهرش دیده پرسید: ایلا واقعا عروسی میکند؟ آنگاه بسوی خواهرش دویده اورا بو سیدوبه ایلا گفت: خواجه خوشحالم که اتفاقی که برای من افتاد ترا متضرر نساخت.

ناتمام



میالغه را در پیش گیرم. تصور میکنم يك زندگی آرام و مطبوعی در منزل برای خودم بسا کندن و جمع آوری کچالو از مز رعه فراهم سازم راستی کار در مزرعه راتر جیح میدهم و بانها بت خوشی این کار را میکنم.

بیرمرد متفکرانه به روی سبزه میزی خیره مینگرست. و پس از لختی تفکر اظهار داشت:

من یکنفر معاون برای قلمبرداری

کرد که شاید دیک به هواسها مرفته باشد الک به بستر مستریح دیک نظر انداخته بفکر استراحت افتید اما نمی خواست بدو ن دیدن ملاقات کردن با آمرش به منزل پر گردد. بنا بر این به اتاق کار دیک رفته روی آرام چو کی دراز کشید و تقریبا بخواب رفته بود که کسی آهسته به شانه اش زد. الک چشمها یش را باز کرد و دیک را در مقابل خود ایستاده دید.

دیک با چشمهای خواب آلود اظهار داشت: شما میخواستید تمام شب را در بیرون از منزل بگذرانید؟

دیک در جوابش گفت: مو تر من دم دروازه ایستاده است بالا پوشی خود را بردارید و بامن بیایید ما میرویم الک در حالیکه فازه میکشید به ساعت نگاه کرد اعتراض کنان گفت: او درین ساعت شب در بسترش غنوده است.

دیک جواب داد: امیدوارم همین گونه باشد اما من ترس دارم زیرا به من اطلاع رسیده که در ساعت ۹ شب بچه بزرگ را در خیابان های هواسها م دیده اند.

باشنیدن این مطلب الک کاملاً بیدار شده بود بانگاه تعجب انگیزی پرسید: این مطلب را از کجا می دانی؟

دیک جواب داد: تمام شب مراقب او بودم. اما او از چنگم فرار کرد. الک آهسته تکرار کرد: شما بچه بزرگ را زیر نظر گرفته بودید؟ مگر شما اورا می شناسید؟

دیک جواب داد: من او را از یک ماه به اینسو می شناسم. تفنگچه خود را هم بردارید. یگانه خوشبختی که در زندگی باخوشی های دیگر قابل مقایسه نمی باشد، زمانی به انسان دست می دهد که یکی از وابستگان نزدیک از خطری وارسته به سلامت نزد ما بر گردد.

رای بنت در پهلوی پدرش نشسته بانشاط و سعادت تمند مینمود و از خوشحالی بسیار سر از پای نمی شناخت. برای او مثل رویا بود و باورش نمی آمد که باز هم در یسن تشمین خوش هوا با پرده های مقبول اش بنشیند و بوی عطر خفیف لاوندل بخاری بزرگ دیو آزی و کلکین های نکلی آنرا دوباره ببیند و خواهرش

رای بنت خطاب به پسرش اظهار داشت: جانسن تصمیم گرفته آمریت شرکت مایتلند را بکنار می گذارم. بلی او اینطور تصمیم دارد. پسرش نظر تو درین باره چیست؟

رای سرش را بشور داد و پاسخ داد: من برای اداره شرکت مایتلند همان قدر مناسبم مثل آنکه ریاست بانک مرکزی انگلستان را بمن واگذار شوند.

در حالیکه لبخند خفیفی میزد به حرفش ادامه داد: نی پدر تو قعات من امروز مثل دیروز زیاد نیست و میل ندارم در زنده گی راه اغراق و

جان بنت خطاب به پسرش اظهار داشت: جانسن تصمیم گرفته آمریت شرکت مایتلند را بکنار می گذارم. بلی او اینطور تصمیم دارد. پسرش نظر تو درین باره چیست؟

رای سرش را بشور داد و پاسخ داد: من برای اداره شرکت مایتلند همان قدر مناسبم مثل آنکه ریاست بانک مرکزی انگلستان را بمن واگذار شوند.

در حالیکه لبخند خفیفی میزد به حرفش ادامه داد: نی پدر تو قعات من امروز مثل دیروز زیاد نیست و میل ندارم در زنده گی راه اغراق و

رای سرش را بشور داد و پاسخ داد: من برای اداره شرکت مایتلند همان قدر مناسبم مثل آنکه ریاست بانک مرکزی انگلستان را بمن واگذار شوند.

در حالیکه لبخند خفیفی میزد به حرفش ادامه داد: نی پدر تو قعات من امروز مثل دیروز زیاد نیست و میل ندارم در زنده گی راه اغراق و



ترجمه ژرف بین

رسم و رواج کهنه

ویتیا گر بیسوف بعد از فراغت از امتحان به این شهر آمد و فوراً مجذوب او شد. در فابریکه ای که گماشته شده بود همه چیز را مطابق ذوق خود یافت زیرا بصورت کلی کسانی که چرخهای این فابریکه را به دوران می انداختند همه مانند ویتیا جوان، خوش صحبت و مزاحی بودند. پس از چند روز او با همه شناسایی حاصل نمود. حتی گالیه منشی پروگرام های فابریکه او را به سالکری تولیدی خود نیز دعوت کرد. و گفت که روز پنجشنبه ساعت شش منتظر شما هستم.

ویتیا پوره ساعت شش شام حاضر شد گالیه او را به بدخل اپارتمان دعوت نمود و دست گلی را که با خود آورده بود از ویتیا گرفت و در یکی از گلدان های قشنگ کریستالی گذاشت و ویتیا گفت: گلدان زیبائی است.

گالیه مثل اینکه این سخن نفس نازی ای به او داده باشد با وجد خاصی گفت:

— خوش آمد؟ آنها بردار از تو باشد. در شهر ما عادت است که از هر چه مهمان تعریف کند مالکش میشود.

ویتیا جوان از حرفش خجالت کشیده گفت:

می بر آمد تحفه ای زیر بغل داشت. میخواست جای دیگری برود ولی گلدانی که در دست داشت مزاحمش بود بگر است بطرف منزل روان شد. روز دیگر ویتیا در مهمانی سر میخانیک فابریکه اشتراک جست که هنگام خروج شش جلد کتاب سرو-انس را زیر بغل داشت و در بجنده دیگر همینکه از منزل میخا نیسک شغور کوف برون شد بسته ای از ظروف چینی در دست معلوم میشد. روزی بعد از ختم کار ریابوف یکی از منظمین فابریکه رو به ویتیا کرد و گفت:

— بیا امروز بخانه ما برویم و در پروگرام رنگه تلویزیون کنسرت جالب دور ژاک را که بیانو می نوازند تماشا کنیم.

— باکمال میل.

به منزل ریابوف آمدند و پس از مدت ده دقیقه تماشای پروگرام کنسرت در تلویزیون ویتیا خسته شد و گفت:

— چه تلویزیون قشنگی دارید. منظم فابریکه سخنش را با تکان سر تصدیق کرد. مثل اینکه هیچ حادثه ای اتفاق نیفتاده باشد به تماشای کردنش ادامه داد.

مهمان فکر کرد که شاید پروگرام تلویزیون واقعا سرگرم کننده است و به سخنی که من گفته ام متوجه نشدند اینرو پس از ختم پروگرام



زن: مهمان بکار یارید

دو باره گفته اولی خود را تکرار کرد:

— شما چه تلویزیون قشنگی دارید. ریا بوف تأیید کنان جواب داد.

— بلی بسیار مقبول است. — من هم همین را گفتم و تلویزیون شما خوشم می آید. — بسیار عالی کار میدهد. ویتیا خیلی ناراحت شد و با خود گفت «این چه آدم نادان و نقمببی است.»

— تلویزیون شما خیلی ها زیباست. لاکن احتیاط کن که برسوم قدیمه آنها بمن تحفه ندی رنگه اش خیلی ها تیز و زننده است.

— ناراحت نشوید آنچه را که تحفه گرفته اند هدیه نمی کنند. — چه چیزی را تحفه گرفته اند؟ — تلویزیون را میگویم همین تلویزیون را به من داده اند. — چطور تو میتوانی ثابت کنی که این تلویزیون را نخریده ای؟ — ومن حتی در فکر ثابت کردن

آن هم نیستم زیرا تمام شهر می دانند که در تمام زندگیم جنسی را متعلق به من است خریداری نشده است. و تمام آن اجناس تعریف و توصیف شده است که توسط من صورت گرفته.

ویتیا فریاد زد: — همه شهر میدانند ولی من نمی دانم!

من انسان مسافری هستم. و برای آخرین بار برای شما میگویم که (تلویزیون شما خیلی ها مقبول و مورد پسند منست)

و یا اینکه به بولیس اطلاع می دهم. ریابوف نیز فریاد زد.

— اطلاع بده! او خودش شاهد است که این تلویزیون را من در منزل یکی از همکاران صفت کردم و گرفتم.

ویتیا با قهرو غضب در را بروی ریابوف زد و از منزلش بیرون شد و تا امروز دیگر حتی با او سلام علیکی ندارد.

آیا ممکن است انسانی را که به عادت و رسوم همیشگی و قعی نگذارد احترام کرد؟

این جهانگردان

جهانگردی برای دوستش تعریف میکرد.

- بلی ... روزی من در افریقا در چادرم نشسته بودم که ناگهان شمیری در مقابل من ظاهر شد و چون تفنگ در دستر سم نبود يك سطل آب روی یوزه اش ریختم دوستش گفت:

راست میگویند ... همان روز من در افریقا بودم و همان شیر را دیدم که آب از یوزش می چکید و در بدر به دنبال دستمال می گشت

خوراك مرغ

اندو تازه باهم ازدواج کرده بودند. هنگام ظهر، وقتی تازه عروس خوراك مرغ را روی میز گذاشت مرد حساس کرد که بوی ناخوشا بندی از غذا به مشام میرسد. کمی بو کشید بعد پرسید:

آیا چیز در شکم مرغ گذاشتی؟ زن با خوشحالی جوابداد. عزیزم... تنها دفا میخوام ستم بگذارم، والی در شکمش جای خالی وجود نداشت.

در عالم طبابت

مرد جوان خوش قیافه ای که ریش فرانسوی قشنگی گذاشته بود و عینک زده و پیراهن نخی بلندی پوشیده بود داخل کتابخانه ای که کتاب و مجلات کهنه و قدیمی می فروخت شده و به فروشنده گفت:

- آقا خواهش میکنم مقداری مجله قدیمی بمن بدهید. فرق نمی کند که چه مجله ای باشد. هر چه قدیمی تر و کهنه تر و کثیف تر بهتر.

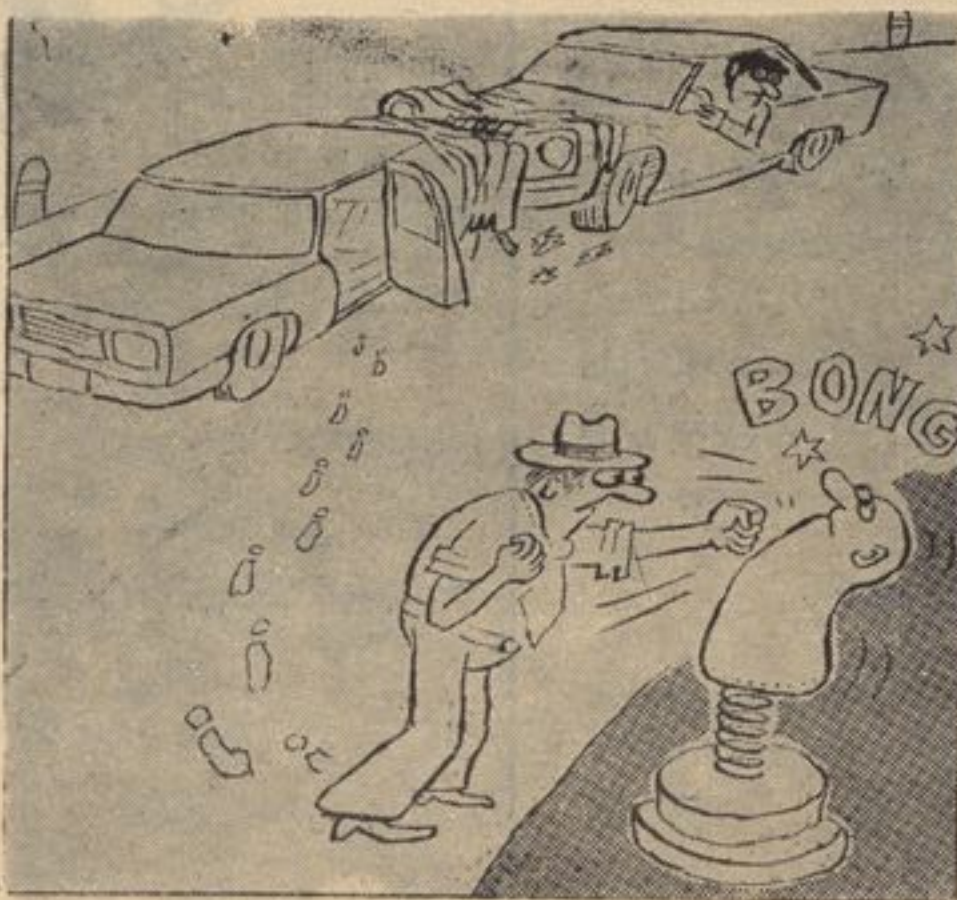
فروشنده تعجب زده نگاه می باو انداخت و گفت:

- ممکن است بپرسم این مجله کهنه ها را برای چه میخوایید؟

- بلی، من تازه از دانشکده طب فارغ التحصیل شده ام و قرار است تا يك هفته دیگر معاینه خانه دایر کنم میخوام هم آنها را در اتساق انتظار بگذارم تا مردم فکر نکنند طبیب تازه کار و بی تجربه ای هستم.



از بالا به پایین بدون شرح



چرا اینقدر ایجاد مزا حمت میکنی...؟ پی بگیر

گرفتاری عجیب

دو دوست بهم بر خورد کردند یکی از آنها رو بدبگری کرد و گفت - من گرفتاری عجیبی پیدا کرده ام!

- گرفتاری تو چیست؟
- هیچ ... زن من خیال میکند چوب لباس است.

- خوب چرا طلاقش نمیدهی.
- احق اگر طلاقش بد هم آنوقت لباس هایم را کجا آویزان کنم

در تکر اس

یکی از تفنگچه کش های تکر اس پس از خوردن مشروب زیاد در حالیکه سرش گیج میرفت از رستوران خارج شد، اما هنوز چند قدمی بر نداشته بود که ناگهان کنترل از دستش رفت و پای تفنگچه کش بروتی را لگد کرد ... تفنگچه کش لگد خورده که حسابی عصبانی شده بود یخن هفت تیرکش اولی را گرفت و يك مشت حواله چانه اش کرد ... رستوران که همه چیز را دوتا میدید فریاد زد: تا جوان ها ... چرا میزنید آخر چند نفر به يك نفر برابرو.

شیرینخ

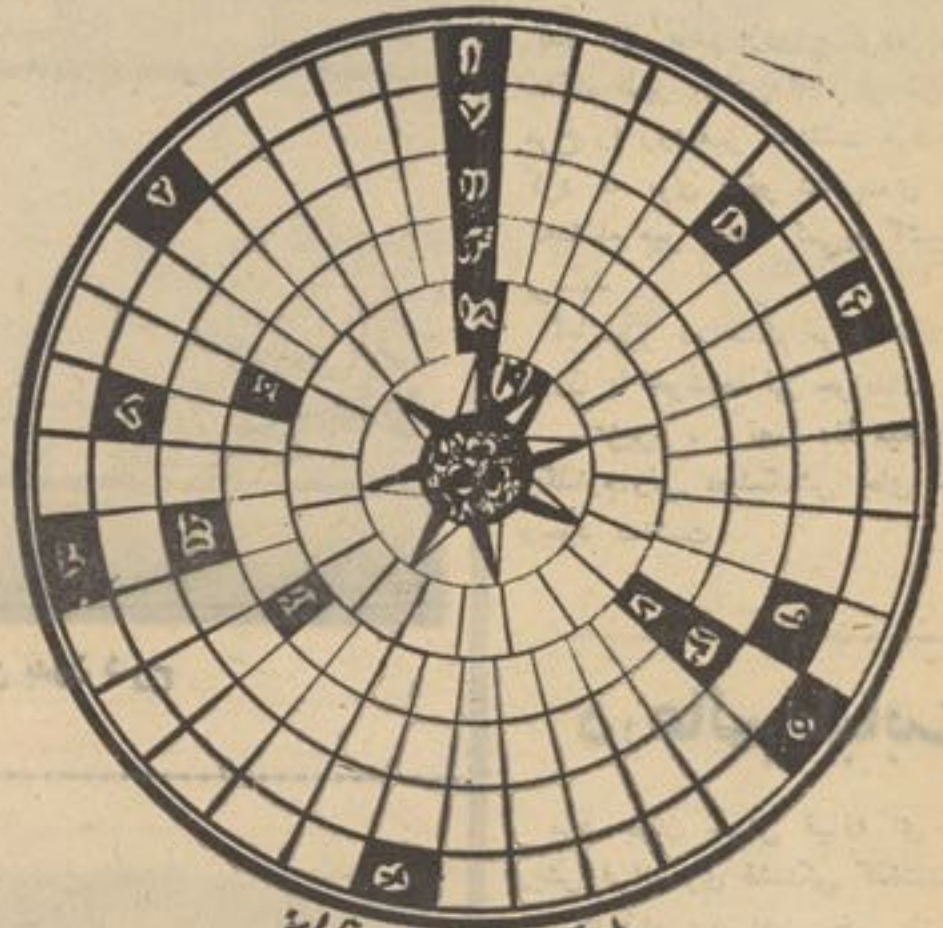
مادر کلان، دوسکه پنج سنتی به نوه کوچک خود داد و به او توصیه کرد که یکی از آنها را برای خود شیرینخ بخرد و دیگری را در کلیسا به صندوق جمع آوری اعانه مخصوص خیریه بیاندازد ولی پسر کوچک وقتی از مقابل شیرینخ فروشی می گذشت طاقت نیاورد و با هر دو سه دو شیرینخ خرید در بین راه، ناگهان یکی از شیرینخ ها لغزید و بزمین افتاد ... پسرک آهی کشید و گفت:

- سوای خداجان ... بستنی خیریه از دست رفت!



جدول اطلاعات عمومی

- ۱- این شاعر بزرگ که در عین حال عارف بزرگ هم هست در سال ۸۱۷ هجری متولد شده است .
- ۲- غزلسرایی است که از دیوانش فال میگیرند .
- ۳- نا بینا بود ولی هم موسیقی دان بزرگی بود و هم شاعر شیواییان .
- ۴- شاعر توانایی از بلخ در عصر غزنویان که بنام حکیم یاد میشود :
- ۵- و این نیز شاعر معروفی است از سیستان در همان عصر .



- ۶- فیلسوف بزرگی که قبل از میلاد زندگی میکرد و از آثارش سه نامه به شاگردان مشهور است .
- ۷- و این هم فیلسوف بزرگی است از وطن ما که دانشنامه اش معروف است .
- ۸- فاتح معروف جنگای صلیبی .
- ۹- شاعر بلخی که در عصر سامانیان میزیست و در دوسی هزار بیت از گفته او را در اثر خود گنجاییده است .
- ۱۰- از فلاسفه معروف فرانسه و نویسنده فر هنگ فلسفی است .
- ۱۱- رومان بزرگی است از الکساندر دو ماکه ازان فلمی هم ساخته اند .
- ۱۲- افلاطون ولا مارتین هر دو کتابی به این نام دارند .
- ۱۳- یکی از آثار برجسته حکیم سنائی غزنوی .
- ۱۴- کاشف اشعه ایکس .
- ۱۵- گوینده منطق الطیر .
- ۱۶- وطن عزیز ما .
- ۱۷- اثری از والتر اسکات .
- ۱۸- رسام چیره دستی که شاعرو نویسنده و موسیقی دان نیز بود و سال گذشته وفات یافت .
- ۱۹- نظام مترقی و محبوب ما .

در باره این صفحه

اداره مجله در نظر دارد از این رس صفحه سر گرمی و مسابقه را به شکل تازه تری که پیش از پیش حاوی مطالب ارزنده و آمو زنده باشد تقدیم نماید .

هر مطلبی که در این صفحه می آید، خواه به عنوان سر گرمی و تفریح باشد و خواه شکل مسابقه داشته باشد ، بطور کلی سعی شده است که در پرورش قوای فکری شما خواننده عزیز، کمک کند و اگر نتواند بر معلومات شما چیزی بیفزاید، لاف شایسته آن باشد که بعنوان یک تفریح یا سر گرمی سالم شناخته شود . جواب هر سوال که به رسم مسابقه طرح میشود یک هفته بعد نشر میگردد و البته کسانی که جواب صحیح فرستاده باشند نا هشان یاد میشود .

مسأله ای از هندسه

دو مثلث مختلف الاضلاع داریم .

مثلثی که اسم آنرا (الف) میگذاریم طول یک ضلعش ۱۵ سانتی طول ضلع دیگرش هشت سانتی و طول ضلع سو مش ۱۷ سانتی متر است .

مثلث دوم که بنام (ب) یاد میشود، یک ضلعش ۲۱ سانتی ، ضلع دیگرش ۲۵ سانتی و بالاخره ضلع سو مش ۲۹ سانتی طول دارد .

آیا شما می توانید معلوم کنید که کدام یک از این دو مثلث، قائم الزویه می باشد ؟

دلیل شما چیست ؟

جواب صحیح در هفته بعد تقدیم میشود .

معمای منظوم

قطعه ذیل گرچه معمای منظوم ، خوانده شده و لی معما نیست، بلکه از نوع لغز و چیستان است که با کمی دقت جواب آن بدست می آید .

ای حکیمی که ز کلك تو اگر نقطه فند

بر رخ حجله نشینان فلك خال شود

چیست آن نام که بر حرف نخستش الفی

گر زیادت بنما نی دل ابدال شود

و آنچه ماند پس از آن حرف ازین نام بزرگ

آدمی گر گذراند به زبان لال شود

جدول کلمات متقاطع

افقی :

- ۱- ماده ایست که از نفت استخراج میشود و مورد استعمال طبی دارد، ضد خواب .
- ۲- ضرب المثل است که اسمب خوب رایک . . . بس است .
- ۳- درپای حیوانات اهلی و درادویه سمی یافت میشود - ضمیر متکلم .
- ۴- شاعری که در قصیده سرایی مهارت بسزایی داشت و یک حکم نجومی هم به او نسبت میدهند - نان میفرودشد .
- ۵- به دندان میمانند .
- ۶- یکی از اعداد دو رقمی - جنگ - پوستین بهر... آمدنی بهار .
- ۷- المان - شاعران ابرو را گاهی به آن تشبیه میکنند .
- ۸- برادر (عربی) - رای میان خالی .
- ۹- یکی از معروفتترین روزنامه های کشور .
- ۱۰- موسسه جهانی که با امور فرهنگی سرو کار دارد - از میوه های خوب همین فصل .

	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱													
۲													
۳													
۴													
۵													
۶													
۷													
۸													
۹													
۱۰													

طرح کننده: هونسه بشیر

عمودی :

- ۱- از اعیان هنود است - عارف و شاعری از افغانستان در قرن نهم .
- ۲- از او زبان است ولی نه از سلسله متریک - رنگی است شادی بخش .
- ۳- عدد شش (عربی) - صفتی است برای کاری که چاره ناپذیر باشد - و این هم از اوزان است اما از سلسله متریک .
- ۴- نیمش حرف نفی عربی است و نیم دیگرش طلا - رطوبت .
- ۵- از آنسواهر از زیستن - دریا از لوازم موثر داشتن .
- ۶- تابناک - از اعضای بدن - به کاکا میگویند .
- ۷- روز میگیرند و شب میخورند .
- ۸- ساد - نوعی میوه است - در ادبیات هم بمعنی چوک آمده و هم بمعنی چالاک .
- ۹- حرف نفی (پشتو) - مخفف اینک - تکرار یک حرف .
- ۱۰- علامت جمع است بخصوص برای غیر ذیروح - دوست .
- ۱۱- از غذا های خاص افغانی - کمیاب - ضمیر مخاطب .
- ۱۲- در سر میروید - رفیق و همکار .
- ۱۳- مملکتی که در تاریخ فلسفه شهرت بسیار دارد - پیوسته به دندان

اعداد نامعلوم

$$\begin{array}{r}
 * 1 * \\
 \times \quad * 2 * \\
 \hline
 * 3 * \\
 * 2 * \quad * 3 * \\
 * 2 * \quad * 5 * \\
 \hline
 * 1 * \quad * 8 * \quad * 3 *
 \end{array}$$

به این کلیشه خوب دقت کنید و ستاره هایی را که بجای اعداد نوشته شده است از نظر بگذرانید . هر یکی از این ستاره ها از یک عدد نمایندگی میکند یعنی قیمت همه آنها یکی نیست ، ممکن است یکی از آنها صفر باشد و دیگری مثلاً هشت باشد . بهر حال یک عدد سه رقمی در یک عدد سه رقمی دیگر ضرب شده است و حاصل ضرب هم یک عدد شش رقمی است ، آیا می توانید : اعداد نامعلوم را پیدا کنید؟ اگر نتوانستید ، لطفاً تا هفته آینده صبر کنید و جوابش را در همین صفحه بخوانید .

مسابقه منظوم

این مسابقه ریاضی در کتابهای قدیمی آمده و لااقل از تاریخ طرح آن سه قرن میگذرد اگر می توانید جواب آن را پیدا کرده بفرستید والا تا هفته آینده صبر کنید و در همین صفحه بخوانید .

گوشواری داشتیم از لعل و مروارید و زر

بود یک مثقال و زن آن مرصع گوشوار

قیمتش کردند صرافان ز روی معرفت

لعل مثقالی به سی لولوبه هجده زربه چار

بستند ازین صبر فی وبیست دینارم بداد

ما نده ام حیران درین داد وستد بی اختیار

یک محاسب در همه روی زمین خواهیم که او

یک به یک آرد حساب و زن آ را در شمار

مسابقه دقت

در این کلیشه یک خانه و چهار نقشه دیده میشود ، یکی از این نقشه ها از ساختمان داخلی خانه نمایندگی میکند بعبارت دیگر نقشه « افتاده » داخل خانه است .



شما بر اثر دقت می توانید نقشه اصلی را از میان چهار نقشه پیدا کنید ، اگر پیدا کردید برای ما بنویسید و گرنه تا هفته آینده صبر کنید .

ازدوستانت

از: محمد آصف «غروب»

لبخند شیرین

مرا راندی ز خود در غمسرای سوزو تنهایی
چرا اینقدر مغرور ری تو ای دلبر به زیبایی
چه حاصل گر نمودی این چنین نالان و گریانم
چرا افتاده خوی تو سراسر، ای مه خود خواهی
اول لطف وصفای بی حدت بنمود خرسندم
ولسی در عاقبت کشتی مرا با درد تشبانی
اگر گویم که رفته از دلم عشق گل رویت
درو غی گفته ام زیرا که در خوابم تومی آنی
دو چشمت گر بسوی دیگری افتاده باکی نیست
من هم ترکت نمایم بعد ازین ای رخت هرجانی
برو «آصف» مشو غافل به لبخند شیرین «او»
که خوبان عادتت دیگر نماند جز فریبا نی

از: زیلا همین بود

دختر رویائی

بانگهای مست و مزگامی بلند
معبد هر دیده بینا شدم
بالبانی بوسه خیزو بوسه خواه
آفت دلهای شیدا شدم
تا که درآینه دیدم خویش را
کانچنان دلخواه و بی همتا شدم
از فسون بی تو نی دادی زدم
گرچه من چنین بیجا زیبا شدم
بی تو اینهارا بمن آینه گفت
سخت بالآینه دروغا شدم
آنچنان بشکستم آینه را
کز دلش نابود و ناپیدا شده

بی تو یکشب دختر رویا شدم
چون خیال شاعران زیبا شدم
دردل نازک لباسی از حریر
سخت باب خواهش دلها شدم
خوش تر از انعام و دران پیراهن
چون شراب ناب درمیتا شدم
زانچه پیدا بود زچاک پیراهن
عشق انگیز و هوس افزا شدم
بادو چشم جادویی مخمور خویش
سد میستان مستی جام ها شدم

از: عبدالوحید (قبرزاده)

بزم مشتاقان

به من شمع بزم مجلل کیست
جرس امشب بشوق محفل کیست
دو چشم ترگی اوقاتل کیست
بدم اعتبارین زلفش دل کیست
نمیدانم که امشب بیدل کیست

دل امشب بشیخ بسمل کیست
رسیدند عاشقان بروصل جانان
چنون در بزم مشتاقان زنده موج
فتاده بر سر شانه دوگیسو
(وحید)) اوشمع بزم دیگران است



انتخاب از: محمد یعقوب قراق

فلسفه عشق

چشمه های رود خانه ها
ورود خانه ها به اقیانوس ها میبوندند
بادهای آسمانی برای ابد
بارانچه طبیعی در هم میآمیزند
هیچ چیز در دنیا تنها نیست
همه چیز با قانون خارق العاده ای
بالشیا دیگر در میزنند
چرا نباید من همراه تو باشم
به بین که چگونه کوهها بر آسمان بلند بوسه
میزنند
و امواج یکدیگر را سخت در بغل میگیرند
آفتاب بر زمین میتابد
و پرتوهای بر دریا بوسه میزند
ارزش این همه بوسه ها چه خواهد بود
اگر مرانبوسی

انتخاب از: قربان بی بی دستاکی

عرض و نیاز

ساقی بریز باده تابی به چشام ما
مطرب بزن نغمه بساز خورام ما
از بوستان وصل نجیدم گل امبد
گردون بود همیشه زپی انتقام ما
زاهد اگر به صومعه مسکن گزیده است
باشد به کنج میگه چاه و مقام ما
عرض نیاز بی تراست پیش ناز یار
اظهار عجز موج زند از سلام ما
تائب به وصف ذات نکویش نهاده ایم
این است در جهان تعنا مرام ما
(پسغام) برو گوشه صیر اختیار کن
شاید که روزگار عیش بخرد بگام ما

از: (راضب)

زخم پیکان

بیا ساقی بده جامی بیاد لعل خندان
که دارم زان لب میگون دلی در قید حرمانش
شنیدم از صبا روزی حدیثی زان لب گلفام
تو گفتی خطر را آمد میسر آب حیوانش
مرزبان طردشکن بسازم زیست در عالم
که گاهی بر خم و چین بینم و گاهی پریشان
عجب زخمیست اندر دل تو «راضب» از آن پیکان
که نبود مرحمی جز لعل میگون بهر دوامش



تابلو بانمبر تيلفون

آقای لرو تمندی به تماشای يك
باشگاه نقاشی رفته بود ،ضمن
زدید تابلو ها تصو یردختر جوان
پائنی که در حال بر آمدن از حمام
د خیلی نظرش را جلب کرد .
از نقاش پرسید :
- قیمت این تابلو چند است ؟
- دو هزار فرانك .

- خیلی قیمت است .
نقاش سری تکان داد وگفت :
- معذرت میخواهم ، چون فراموش
کردم که بگویم ، در مقابل این مبلغ
علاوه بر تابلو نمره تيلفون مد ل
آن هم در اختیار خریدار گذاشته
میشود .

كبو تر سخنگو

شخصی که به کبوتر خیلی علاقمند
بود ، نزد بیطاری رفت وگفت :
- شما فکر می کنید وسیله ای باشد
که بكمك آن يك کبوتر بايك طوطی
را بتوانند جفت گیری کنند ؟
داکتر بیطار حیرت زده به آن مرد
خیره شد و گفت :
- این چه کاری است ، از این کار
خود راز او بپرسد .

- چون من کبوتر قاصد تربیه می
کنم ، و اگر ما بتوانیم چنین کاری را
بکنیم ، در آینده هر وقت یکی از
کبوتر های من راه خود را گم کرد
می تواند رهگذری را پیدا کند و را
خود راز او بپرسد .



مژده به زنان

از سالهاست که در اروپا و امریکا
مانکن ها را از زنان می سازند . ولی
اخیرا یکی از کار خانجات سا زنده
وسایل پلاستیکی ، فواسه ، از مرد
ها هم مانکن ساخته است ، و اکنون
يك عده از زنانی که آرزو دارند ،
تنهایی بسفر بروند ، و ضمنا لا زم
می دانند در نظر دیگران مردی هم
بکنار شان درموتور باشد ، می توانند
ازین مانکن ها خریداری کنند و در
پهلوی خویش در موتر بنشانند .



تصمیم الیزابت تایلور

به امر یکا رفت تادر فیلمی که
نقش يك زن طناز و و سوسه انگیز
رادارد ، شرکت نماید . و جا لب
اینجا ست که الیز تایلور بخا طر
بازی درین فیلم گرانترین دستمزدی
راکه تا حال يك هنر پشمه داده
شده است ، دریافت خواهد کرد ،
و این از برکت کاهش وزن اوست .

هائی را امضاء کند زیرا مدتی بود
که کار گردان ، تنها بعلت چاق بودن
او ، از امضاء قرار داد جدید باوی
ابا میوزید ند ، تایلور چندی پیش
تو (و دیگر کارگردانان و هنرپیشگان
ده سال جوانتر شده است .
لاغر شدن الیز تایلور باعث شده که به
خاطر بازی در چندین فلم قرار داد

چندی پیش الیزابت تایلور ستاره
موفق سینما که از دیر زمانی به
اینطرف ، به چاق شدن و افزایش وزنش
بی اعتنا مانده بود ، بالا خره تصمیم
در وزن خود را کم کند او در
کار موفق شد و اکنون از نظر (بر-

دراثر زلزله اخیر در حدود دهمليون افغانی به امریت معدن کرکر خساره وارد گردیده است

در حدود يك مليون و ۲۰۰ هزار تن ذغال از معدن کرکر استخراج گردیده است

زلزله شدیدی که بتاريخ هشت اسد امسال در اکثر نقاط کشور بوقوع پیوست صدمه آن بیشتر متوجه امریت معدن ذغال سنگ کرکر واقع پلخمری بود. البته قرار خبر آژانس باخترا در سایر نقاط کشور آسیب و خساره دیگر از این ناحیه عاید نگردیده است. در اثر این زلزله، که محل رهايش کارگران بیشتر صدمه دیده است، به قرار تجویز حکومت به اسرع وقت ۱۵۰ خیمه از طرف جمعیت افغانی سره میاشت روز ده اسد به آنجا ارسال و مورد استفاده کارگران قرار گرفت. برای مطالعه خسارات ناشی از این زلزله، يك هیات فنی با اساس تجویز حکومت از طرف وزارت فواید عامه به آنجا ارسال و اینک راپور هیات مذکور در مورد خساره ناشی از زلزله و مصاحبه که با رئیس موسسه ذغال سنگ شمال بعمل آورده ایم خدمت خوانندگان تقدیم میگردد.

بنامغلی انجنیر احمد شاه رئیس موسسه ذغال سنگ در مسورد استخراج و امور ساختمانی معدن چنین گفت: معدن ذغال سنگ کرکر در ده کیلومتری شهر پلخمری واقع است، کار و استخراج ذغال از معدن کرکر در حدود سال ۱۳۲۳ شروع و تا امروز استخراج از آن دوام دارد. در حدود يك مليون و ۲۰۰ هزار تن

ذغال از معدن کرکر استخراج و از طریق ریاست ذغال سنگ شمال برای استفاده موسسات و اهالی توزیع گردیده است. پروگرام کار و استخراج ذغال همه ساله به اساس احتیاجات موسسات دولتی، موسسات خصوصی و احتیاجات انفرادی شهرها و مردم ترتیب و تثبیت میشود. در سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ سطح استهلاك ذغال خیلی پایین افتیده که موسسه از این ناحیه به ضرر مواجه گردیده بود و خوشبختانه بعد از استقرار نظام نوین در کشور یک جنبش در سمت صنایع مخصوصاً فابریکجات نساجی ها و سمنست رونما گردید و هم نسبت کیفیت ذغال استهلاك انفرادی نیز بلندتر شد. که به این اساس تا دیات ذغال نظر به شمال ۵۰ تخمیناً ۵۰ فیصد بلندتر رفت. البته در همین سال مراجعین و استهلاك ذغال بيك فیصدی بلندتر توقع می رود.

موصوف افزود: موسسه ذغال سنگ شمال از سال ۱۳۵۰ باین طرف به حیث بيك تصدی فعالیت می نماید. منابع معدن کرکر موسسه شمال، معدن ذغال سنگ کرکر، معدن دهنه تور، دره صوف و معدن آشپشته میباشد. موسسه ذغال سنگ شمال نظر به تجویز مقامات ذیصلاح، ذغال مولده را به قیمت تمام شده عرضه میکند باین اساس در سالهای ۵۰

۵۱ نسبت پایان آمدن سطح استهلاك ذغال و دوام مصارف ثابت معدن این موسسه ضرر دیده است. امید است با بلند رفتن تولید سال های ۵۲ و ۵۳ تا اندازه از ضرر های دو سال قبل مر تفع گردد. انجنیر احمدشاه رئیس موسسه ذغال سنگ شمال در مورد منازل رهايش و علت تخریب منازل در اثر این زلزله گفت:

منازل رهايش و سایر ملحقات معدن، از بدو شروع استخراج و ذغال استفاده از این معدن بدون کدام پلان فنی بصورت خامه اعمار گردیده وهم گذشته سالها، متمادی بالای محل رهايش و ملحقات معدن باعث گردیده که مقاومت آن در مقابل زلزله ناچیز بوده و یکی از بین برود. امید است بعد از مطالعه هیات فنی و وزارت فواید عامه، کار ساختمانی منازل رهايش کارگران و سایر ملحقات معدن بصورت فنی و متکی به اساسات تخیلی صورت گرفته تا از حوادث ناشی از طبیعت بصورت عمومی در امان باشند.

راپور و چشم دید هیات فنی ریاست تعمیرات وزارت فواید عامه از خسارات معدن ناشی از زلزله اخیر می رساند تخریبات که در حصص مختلف عمارات رهايش و غیره ملحقات ساحه معدن بوجود آمده تا اندازه از سبب تأثیر شدید بودن زلزله در این ناحیه بوده و از جانب دیگر چون تعمیرات رهايش و غیره ملحقات ساحه معدن بدون از اطاق طعام خوری، کاملاً خامه کار و غیر فنی اعمار گردیده و به این اساس تأثیرات زلزله در این ناحیه فوق العاده احساس و زیاده بوده است. قرار خبر منتشره آسیب وارد

زلزله در معدن کرکر، که به اثر آن عمارت رهايش ۶۰۰ نفر عمه تعمیر امریت معدن، حمام، تحویلخانه مواد ارتزاقی و سه محراب مسجد بکلی خراب گردیده است. ایجاب تعمیر مجدد را می نماید. راپور هیات مذکور اضافه میکند:

برای رهايش کارگران با یست در داخل شهر در دامنه کوه مقابله بند برق خانه های فامیلی و بایک هتل بصورت فنی اعمار گردد تا در آینده از این منازل و یا هتل در صورت اختتام استخراج از معدن کرکر برای کارگران سایر پروژه های مربوطه بصورت يك محل مناسب استفاده شده بتواند از طرفی چون شهر پلخمری و سعت یافته است، در صورت اعمار این منازل و محل رهايش کارگران در ساحه مذکور، در زیبایی شهر کمک بسزائی مینماید.

قرار راپور و خبر منتشره، صدمه جانی بکلی متوجه کارگران نبوده و کارگران که در حین زلزله مصروف کار بوده اند، از ناحیه زلزله در امان بوده و خطر مستو جانی آنها نگردیده است. راپور هیات مذکور در مورد پلان ساختمانی تعمیرات مربوط معدن از لحاظ مقادیر و مدت در برابر حوادث طبیعی چه گونه و سرعت کار پیش از فرا رسیدن موسم سرما چطور پیش بینی شده است، می افزاید. در صورتیکه پلان ساختمان تعمیرات برای رهايش کارگران آماده گردد، موانع برای ساختمان آن وجود ندارد. اگر ساختمان تعمیرات بصورت فنی باشد، يك ر یخت باشد مربوط به و شاید بقیه در صفحه ۵۶

بناغلی خلعتبری

بناغلی عباس علی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران و همراهانش که بنا بدعوت وزارت امور خارجه دولت جمهوری افغانستان برای مسافرت رسمی در وستانه به کابل آمده بودند قبل از ظهر روز نهم سنبله عازم تهران گردیدند. بناغلی خلعتبری طی اقامت در کشور نماز شرف بناغلی محمد داؤد رئیس دولت پذیرفته شد و پیامات افغانی از کراتی پیرامون مسایل مورد علاقه انجام داد و از ولایات بلخ و بامیان بازدید نمود.

برای وداع با همپانان ایرانی دوکتور عبدالحمید وزیر عدلیه، بناغلی وحید عبدالله رئیس سیاسی وزارت امور خارجه، بناغلی زلمی محمود غازی سفیر کبیر جمهوری افغانستان در تهران، بناغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی

بقیه صفحه ۸

روز مطبوعات و سواد

همچنان رهبر بزرگ مادر بیانات «خطاب ب مردم» شان به مشکلات و پرابلمهای اساسی کشور ا شا راتی نموده اند.

ازین بیانات بنیانگذار نظام جمهوری ک شور درمی یابیم که کشور ما چه مشکلات و پرابلمهایی در پیش دارد و ما باید چه را هائیرا تعقیب نماییم تا بتوانیم این مشکلات را که مانعی در راه پیشرفت کشور خلق کرده است رفع نماییم. البته این وظیفه خطیر متوجه مطبوعات است تا از راه نشرات مطلوب و مثبت مرامهای نظام جوان کشور را مبنی بر روی کار آمدن اصلاحات بنیادی در مملکت به نحوی شایانی تمثیل نماید.

بقیه صفحه ۸

دسنبللی ۱۸ دملی شوراد تاسیس

دیژندلو په لړکی ددغو اساسونو بنسټونو د ښکارندوی په حیث د دسنبللی ۱۸ ورځ دملی شورا دتاسیس دورخی په نوم نمانځل دمښتو گټورو لرغونی ارز بنټو څخه په الهام اخیستلو د صلاحیتو نو او اخلاقی جراتونو سره مرسته ده.

د سنبللی ۱۸ نیټه دملی شورا دتاسیس ورځ ده چه نما نځل ئی تاریخی ثوابونه دی دملی شورا د مؤسس اعلیحضرت محمد نادر شاه روح ته دبنسټی دعاگوو اود دغسی ورځو نمانځل مښتو تاریخی ارزښتونو درنښت بولو :-

څکه - نن مونږ او زمونږ هیواد او وطن وال دجمهوری نظام په رڼا کی دخپل تاریخی کرامت نه الهام اخیستلو په افتخار دمترقی او مثبت تحول انکشاف دپاره چه صلاحیتونو راته وختونه او فرصتو نه مساعد گړیدی وپنوجه استعدادونه او ذهنی بیداری دحقایقو په درک کولو د پسمانی په رفع کولو اود جرعتو او بشری قوت د عملی تشویق کولو په کوشش کی دیوی خوا د پوهنی پراختیا د ذراعتی سیمی سروی د شاپو ځمکو ودانی دمخ په ترقی کرهڼی اصلاحات دمالداری دروزنی دپاره دکرونډو او ورشو گانوتقسیم او حدبندی وټاکلی شولی، دخپلو کرونډو او غرنیو مناظرو طبی بوټی چه دمرض دارو لرو دطب پوهانو په مرسته او علمی تجربو ثابت او وطنی دارو تولیدات شول، درنگوانو چه د ملی شتمنی دی رابرسیره او استخراج ته زمینی مساعدی شولی اوبه همدی شان دجمهوری نظام په رڼاکی دژوندون په هره برخه کی جاری فعالیتونه دوخت په ژبه دازیری کوی چه د جمهوری سباون افغان بخت راویښ کړیدی اوس کولی شو چه خپلی وړی پخپله شری کړی او وختونه او فرصتونه دتاریخی ماضی په ترجمانی دمستقبل دپاره دافتخار مظهر اود سعادت زیری شی .

شماره ۲۶۹۲۵

روز ملی پښتو نستان

خوشحالخان و همچنان اتن چیان شکر دره توام باوزیک اتن ملی اجرا کردند . مراسم درحوالی ساعت ۹ پایان یافت.

خبر تکارباختر علاوه میکند که میسدان پش تو نستان با بیرق های ملی جمهوری افغانستان و بیرق های پش تو نستان تزئین گردیده و در خلال مراسم شماره های فوق العاده روزنامه های جمهورییت ، هیواد ، انیس ، و کابل تایمز و همچنان کتاب دخیلواکی ترون که از طرف وزارت امور سرحدات نشر شده است به حضار توزیع گردید .

روز نامه های مرکز در شماره های فوق العاده که بمناسبت روز پش تو نستان انتشار داده اند بیرق پش تو نستان و فوتو های زعمای پش تو نستان و بلوچستان را چاپ نموده و راجع به حقوق حقه مردم پش تون و بلوچ سر مقاله ها و مقالاتی نشر کرده ، یکبار دیگر پشتیبانی دولت جمهوری افغانستان را در راه مبارزه مردم

پش تو نستان برای حصول حق تعین سرنوشت شان تاکید نموده اند .

نامه نگاران باختر از ولایات اطلاع میدهند که روز ملی پش تو نستان در مراکز ولایات نیز با فراشته شدن بیرق پش تو نستان ایراد بیانیه ها ، مضامین و مقالات و اشعار و همچنان اجرای اتن های ملی با شور و شغف زاید الوصلی تجلیل شد .

در مراسم برگزاری روز پش تو نستان ولایات و ایالت ، قوماندان های عسکری مامورین محلی و هزاران نفر از اهالی و پش تو نستانی ها اشتراک نموده و ازین روز برداران پش تونستانی با ابراز احساسات ، گفتارها شعارهای زنده باد افغانستان ، آزاد باد پش تونستان استقبال نمودند و رادیو افغان نستان مشاعره را که از طرف پش تو تولنه ترتیب شده بود قسما ساعت ۷ تا ۸ عشت شب ۹ سنبله نشر کرد .

بقیه ص ۲۷

فور ددر دوهمین هفته

فورد با بعضی از زنان بانفوذ و سرشناسی کانگرس آمریکا منجمله خانم بیلا ، خانم ایزوگک، و خانم شیشو لم نمایندگان ایالت نیویارک ملاقات نمود. این وقتی بود که رئیس جمهور اعلامیه را با مضامین رسانید که با اساس آن ۲۶ آگست بنام روز پنجاه و چهارمین سالگرد آزادی زنان و روز مساوات زنان - آمریکا تعیین گردید . است . و ی تقاضا کرد تا سایر ایالتا تعدیل حقوق مساوی را بحیث تعدیل قانون اساسی آنکشور به تصویب برسانند.

رئیس جمهور فورد قسمت زیاد وقت هفته دوام ریاست جمهوری را به تحکیم و تشدید روابط خود با اعضای کانگرس ، دیموکرات ها و جمهوری خواهان بمصرف رسانید . و ی میزبان یک سلسله مجلس و ملاقات هایی بود که در (دفتر او و ال) به شمول اعضای کانگرس ، بصورت منفرد و دسته جمعی دایر گردید . درین مجالس و ملاقات ها پیشنهاداتی که گذارش آن به تعویق افتیده است مطرح بحث و غور قرار گرفت . فورد دومرتبه در (کمیته ل هل) با همکاران سابق خود ملاقات نمود . در مرتبه اول وقتی بود که وی از خدمات ما یک منسفیید که یک ریکارد خدمت

۱۳ و نیم ساله را بحیث رهبر حزب اکثریت در مجلس سنای آمریکا قایم نموده است تقدیر و تمجید کرد .

فورد گفت : این ثابت می سازد آنها بیکه میتوانند مد اگره و مفاهمه نمایند نسبت به آنها بیکه یک روش سخت را به پیش میگیرند بهتر زنده می نمایند .

بعد تر فورد دوباره به کمیته رفت تا بیانیه های مختصر خو را - در مجلس نمایندگان و مجلس سنا ایرا د کند .

وی گفت : (فقط خواستم تا امروز در اینجا توقف نمایم و بشما خوش آمدید بگویم . و رسما جاده پسنلو بنا را بحیث یک جاده دو طرفه افتتاح کنم .

هر دو مجلس از این بیانیه های کوتاه فورد به گرمی استقبال نمودند .

یکی از نشانه های دیگر تما یل وی به دو حزب ، اینست که فورد یک یور تریت هری ترو من را در دیوار اطاق کابینه در جوار عکس لیندن جانسن که یکی از روسای جمهور دیگر مقبول و مطلوب فورد است تعلیق نموده است .

فورد از جرات ، حوصله و بالاخره از راست و مستقیم بودن ترو من پیوسته تو صیف و تمجید میکند .

جوانان و استفاده

جوانانیکه به چشم امید اینگونه افراد خاریاس و ناهمبندی را فرو می برند نباید اسم جوان را بالای خود ها بگذارند .

جوانان در يك مملکت ، در يك اجتماع چه (خورد و چه بزرگ) در امور ترقی سهم بزرگ داشته و این سهم مهم آنها ناشی از مفکوره عالی نسجایای نیکو ، کردار نیک شان می باشد . جوانان باید بگو شدند تا همیشه از اثر اعمال نیک خود در قلوب همگان جا بیند کنند و در نظر همه محترم باشند ، زیرا همیشه احترام جوانان ، اعمال نیک و خدمات صادقانه شان نسبت بدیگران موجب میشود که محترم گردند و لفظ جوان را با تمام معنی و اوصاف آن بر خویش بگذارند و جلب اعتماد مردم را حاصل نمایند .

پس بر جوانان است تا همیشه در راه از بین بردن جهل ، فساد اخلاقی و غیره عوامل وسعادت اجتماع خویش سهم گرفته و همیشه باشعار

ع . ك . حمید
مورخه ۱۷ ر ۵ و ۱۳۵۳

بقیه صفحه ۹

(بقیه ص ۵۴)

در اثر زلزله اخیر

دست داشته دستگاه های ساختمانی می باشد . زیرا در شرایط فعلی ساختمانی ، عوامل طبیعی سردی و گرمی هوا ، باعث توقف امور ساختمانی شده نمی تواند اقدامات جدی در امور ساختمانی متنازل رهاش و سایر ملحقات معدن مربوط به مقامات وزارت معادن و صنایع می باشد .

در صورتیکه برای رهاش ملحقات معدن پلان ساختمانی روی کار گرفته شود واضح است که در شرایط فعلی ساختمانی های کانکریتی بصورت فنی ، تمام موضوعات حوادث ناشی از طبیعت در نظر گرفته میشود .

يك منبع ریاست ذغال سنگ شمال اضافه می نماید که چون عمارات متذکره از بودجه دولت ساختن میشود ، امید است بزودی پلانی در مورد ترتیب و به ساختمان آن اقدام بعمل آید .

صفحه ۵۶

اسرائیل به تحریکات

هر گاه اعمال اسرا ئیل را طی جنگهای آن با عربها بدقت ملاحظه کنیم بخوبی دیده میشود که حرکات غیر انسانی انجام داده است ، آیا مردم فراموش خواهند کرد کسه اسرا ئیلی ها در جنگهای خود در مقابل اعراب از بم خای نیالم و آتش افروز استفاده کردند مختصر اینکه شواهد و غلایم زیاد در دست است که نشان میدهد اسرا ئیل هیچگاه صلح نخواسته است .

آیا این موضوع که اسرا ئیل می خواهد از يك موقف قدرت با عربها پیشامد کند خود کلا تئوریک دلیل بر این نیست که اسرا ئیل زور گویی متجاوز است و آیا همین خود دلیل شده نمیتواند که اسرا ئیل آرزوی صلح ندارد از جانبی معلوم میشود که اسرا ئیل از بساوا قعیت ها هم چشم پوشیده است و رنه هیچگاه این ادعا را نمیکرد که شرایط مذاکره و تخلیه سر زمین های اعراب شرطی برای شناسائی خود بداند . چه از زمان ناصر فقید به اینسو اعراب روش خود را در برابر اسرا ئیل اندکی ملایم ساخته اند و رنه هیچ امکان نداشت سادات اسد و ملك حسین در امر جدا ساختن قوا در جبهات مربوط از در مذاکره پیش آیند گرچه شاید این امر تعبیر دیگری هم داشته باشد به این معنی که عربها به تناسب

بقیه صفحه ۱۷

عایشیر نوایی

به مطالعه در خود احتیاس نکرد می بایستی برخی از کتب نادر مورد ضرورت خود را جستجو میکرد و می یافت . ناگهان بیاد مولا عبدا لاحد کیمیا گر معروف افتاد که از مدتی باینسو آرزو داشت با یکی از ملاقات کند . بدون تا مل ازجا برخاسته راه (دروازه قبحاق) شهر رادر پیش گرفت .

در گوشه ای از شهر هرات ، روی محلی که آرامگاه یکی از اولیا محسوب میشد و پوشیده با درختان شمه خانه ، چنار های عظیم کهنسال و دیگر انواع درختان بود ، نزدیک

گذشته هم از لحاظ تکنیک های حربی و هم از لحاظ قوای نظامی پیشرفت هایی که حاصل کرده اند که این امر در جنگ ماه میزان سال گذشته صریحا بملاحظه رسید مگر با وجود آنهم اگر سیاست نسبتا ملاسیم کار نمی گرفتند تا اسرا ئیل بمذاکره نمی پرداخت بنا اگر اسرا ئیل از حقوق حقه و مسلم اعراب با ارتباط به سر زمین های اشغالی از يك سرور اگر از حقوق مردم فلسطین منبهری تشکیل يك حکومت مستقل از جانب دیگر چشم نپوشد امکان آن موجود خواهد بود که عربها در راه ایجاد مزاحمت بر اسرا ئیل کدام اقدامی نمایند و بلکه هیچ وقت عربها نه خواسته اند بر اسرا ئیل مزاحمت خلق کنند و این اسرا ئیل بوده است که داریم به این چنین مزاحمت هادست زده است .

ولی وقتی ملاحظه میشود که اسرا ئیل تشکیل حکومت فلسطینی را محور بهبود تلقی میکند و برای تهدید و ایجاد مشکل بر اعراب هر روز سخن تازه را بنیان میکشد و هیچ روزی نیست که در راه تحقیر قوای نظامی خود قدم نازد نگذار بنا به این نتیجه میرسیم که اسرا ئیل نه صلح میخواهد و نه آرزوی راحت زیستن را با اعراب دارد و این نیست اسرا ئیل مسلما اعراب را و امیدار تا برای مقابله با این عنصر زورگوی و متجاوز تدابیر لازم اتخاذ بکند .

خانه ای مخروبه توقف کرد و دروازه خانه را که روز گاری یکی از نمونه های عالی صفت حکا کی بحسا بمی رفت ، اما اکنون در اثر گذشت آرام و درگرو ن کننده زمان ، نفاست و زیبا یی خویش را باخته بود ، آهسته و بملا یمت کوبیده ، چون هیچگونه صدایی از داخل شنیده نشد باردیگر شدیدادق الباب کرد ، یکی از رهگذران بگوش خود اشاره نموده خنده کنان گفت : (گلمیخ خورد) است میتوانید بداخل بروید (سلطان مزاد بخاطر آورد که قبلا نیز را جمع به ناشنو ایی گوشهای صا حب خانه چیز هایی شنیده بود ، با خود خندید ، و قلم بداخل گذاشت و در صحن وسیع پر از علفهای وحشی

(باقی دارد)

ژوندون

لری. فاسفور دکسیم سره یو ځای اود عصبي دستگاہ اوسلولى هستی په متابولیزم کښی هم برخه لری. (پتاسیم) دزړه دعضلی په متابولیزم کښی لازمی ده. نور مواد چه په زړه اندازه د بدن دپاره ضروری دی دای اوسپنه اتلس میلی گرامه، مس ۲۵ میلی گرامه منکنیز درى میلی گرامه فلور یومیلی گرام او کوبالت ډیره لږه اندازه اوسپنه دسرو گلو بولونو په جوړښت کښی فلور د غاښونو دجنجی خوړلو په مختوی کښی برخه لری او (کوبالت) د (ویتامین ب-۱۲) مرکزی هسته ده چه دوینو دکموالی ضد ویتا مین دی

ویتا مینونه -

ویتا مینونه نه په بدن کښی جوړیږی او نه کالوری جوړوی او نه د بدن دغړو په جوړښت کښی په کارېږی. مگر دهغو وجود لازمی ده اود بدن دسلولو کیمیا وی اعمال مساعد گرزی. نن ورځ شل ډوله مصنوعی ډول هم جوړیږی او لهدی ویتامینونه پېژندل شویدی او په امله چه په اوبو یاغورو کښی محلول وی، په دوو ډلو یعنی په اوبو او غورو کښی دمحلول په شکل ویشل کیږی- په غورو کښی د محلولو ویتامینو په جمله کښی ویتامین (آ) د پوستکی دساتلو اود عفونت په مقابل کښی دهغه د ټینګ ساتلو ماشومانو دودی دپاره ضروری ده دپاره ضروری ده. ویتامین (آ) د اود سترگو په لیدو کښی هم برخه لری او لږوالی یی په شپه کښی د لیدو دنا توانی سبب گرزی. لازمه اندازه یی ۱۵ میلی گرامه ده اودغه ویتامین په غوړیو، لبنیاتو اود کب په غوړیو کښی شته او په ځینوسبو کښی، هم د (کاروتن) په شکل شته چه په بدن کښی په ویتامین (آ) تبدیلېږی.

په غورو کښی بل محلول ویتامین (د) ده چه دکب په غوړیو، لبنیاتو او هکیو کښی شته اوسربیره په دی دلور وړانګه هغه په پوستکی کښی تولیدوی. دغه ویتامین ددهوکى د پوستوالی په ضد دی اودغه عمل دکلسیم او فاسفور په متابو لیزم کښی دهغو داغیزی له امله دی. په غورو کښی بل محلول ویتامین، ویتا مین (ای) ده ددغه ویتا مین اغیزه که څه هم په انسان کښی

۱۹ مخ پاتی

څه شی باید وخورو

پېژندل شوی نه دی مگر په ځینو حیواناتو کښی دهغه نشتوالی دجنین دلویدو سبب گرخی. دغه ویتامین په غوښو اود غنمو په وږی اوسبو کښی زیات دی. ویتامین (کا) هم په غورو کښی محلول دی او لږوالی یی دوینو دجوړیدو په موده کښی د اختلال اود وینودتوئیدو سبب کیږی دغه ویتامین په تازه سبو کښی زیات پیدا کیږی.

په اوبو کښی محلول ویتامینونه د (ب) ډله ده چه ویتامین (ب-۱) دقندی موادو په سون او جوړښت کښی اغیزه ناک دی او لږوالی یی د اعصابو دپرسوب اود زړه دنا توانی سبب گرخی. ویتامین (ب-۲) په سلو لی اکسیدیشن کښی دخالت لری او شمیریی زیات دی اولهغی جملی څخه ویتامین (ب-۶) دی. دغه ویتامین په سبو، میوو او په تیره بیا په مرکباتو کښی پیدا کیدای شی.

اوبه -

په ۲۴ ساعته کښی د ضرورت وړ اوبو اندازه درى لیتره ده چه نیمه یی دغذا په تیره بیا دموی او سبو په وسیله او پاتی نیماسی د مایعاتو چښلو له لاری تامین کیږی. باید وویل شی چه دغه اندازہ دورځی له خوا دا دار وپه وسیله ۱۴۰۰ سانتی متر مکعبه د پوستکی دتنفس په وسیله اته سوه سانتی متر مکعبه اود سرود تنفس له لاری درى سوه سانتی متر مکعبه اودخولی له لاری درى سوه سانتی متر مکعبه اود مدفوع له لاری ۱۵۰ سانتی متر مکعبه له بدن څخه دفع کیږی.

غوښی او لبنیات -

غوښه، کب، هکی، شیدی او له هغی څخه پیدا شوی مواد دحیوانی پروتینو ډیره مهمه منبع ده اواهمیت

او ویلای شو چه لومړنی حیوان دی چه دانسان دغذا په حیث مصرف شویدی. باید په دی پوه شو چه کب ډیر ژر ورسپړی اوله دی امله د پېرودلو په وخت کښی باید دی ته پاملرنه وشی چه پوره تازه اوروغ وی. تازه کب خوندر بوی اوغوره څیره لری. پوستکی یی ښوینده او خلیدونکی دی. دگوتی پکښی ایستلو سره دهغی نښه پکښی پاتی کیږی او سترگی یی زڼی اوخلیدونکی دی. باید پوه شو چه دخیگر دویتامین (ب-۲) اندازه دغوښو په نسبت لس چنده اود ویتامین (۱) اندازه یی دغوښی په نسبت درى چنده زیاته ده اود ویتامین (ب-۱۲) له پلسوه ډیره بډایه ده.

لبنیات -

شیدی وړ کوونکی حیوانات که غوا، میږه او وزه چه شیدی یی د انسان دتغذیب دپاره ده، د بیلوریکى ماشین په عنوان دی چه وابنه په حیاتی موادو اړوی. شیدی دتی له ترشمی مرغیرو څخه پیدا کیږی اود تی کار په دغه برخه کښی پښتورگو ته ورته دی چه ځینی مواد لهوینو څخه اخلی اود دفع کوی یی. دیوه لیتر شیدو ترشح دپاره باید دا څه نا څه پنځه سوه لیتره وینه له تسی څخه تېره شی. شیدی د بدن دداخلي مرغیرو تراغیزی لاندی ترشح کوی. نژاد او تغذی یی ډول دکمیست او کیفیت له پلوه په شیدو کښی اغیزه لری مثلا ددوبی په فصل کښی چه حیوان له تازه وښو څخه استفاده کوی، دشیدو کیفیت ښه وی اود ویتامین (آ) اندازہ پکی زیاته ده.

شیدی اوله هغی څخه پیدا شوی لبنیات له پنیر او مستی د حیوانی پروتین اود بدن دپاره دضرورت وړ امینو اسیدونو ددرلودلو له امله غوښی اوکب ته ورته دی اودغوا هره څلور سوه گرامه شیدی اود میږی هره دوسوه پنځوس گرامه شیدی دشل گرامه غوښی یا کب سره مساوی دی اوله دی کبله چه شیدی ارزانه دی له اقتصادی نظره غوره ده داوسپى اومسو له نظره غوښه دشیدو په نسبت بډایه ده اودغه مواد په شیدو کښی لږدی. شیدی دکلسیم مهمه منبع ده د بدن ددهوکو او غاښو په جوړولو کښی ضروری ده.

په دغه برخه کښی زیاته اغیزه لری اوله اصلاح شوی نژاد څخه پسه زیاته اوبه غوښه ورکوی، له پروتین نه علاوه، غوښه فاسفور، او سپنه مس، اود (ب) ډلې ویتامینو نه هم لری چه دانسان دپاره ضروری ده. دپروتین له پلوه د غوښی اوکب ارزښت یوشان دی مگر دکب د اوسپنی اندازه له غوښی نه لږه ده. ځیگر هم زیات غذایی ارزښت لری اود ضروری ویتا مینونو د درلودلو له امله دانسان دپاره له مهمونایابو غذایی موادو څخه دی اوله همدغه امله لازمه ده چه څه نا څه په هفته کښی یوځل وخورل شی. ځیگر د ماشومانو او امیندوازو ښځو اوهغو ناروغانو دپاره چه دوینو دکموالی په ناروغی اخته وی، ډیرگټور دی.

د راز راز غوښو غذایی ارزښت یوشان دی اوداچه وایی سره غوښه دسپینی غوښی په نسبت زیاته مغذی ده، علمی ارزښت نه لری. کب هم داخلی غذاگانى په جمله کښی دی

ارزشهای جهانی اسلام

واضح و روشن در می یابد که اسلام با رهنمائی های حکیمانه اش انسان را در طریق پیشرفت بسوی استفاده از مظاهر خلقت و از سرمایه های آفریده شده زمین اینگونه رهبری می نماید: (الله الذی سخزلکم البحر... ولتبتغوا من فضلہ... وسخزلکم ما فی السماوات وما فی الارض... ان فی ذالک لآیات لقوم یتفکرون).

یعنی خداوند (ج) بحر را بر سر ای کشتی رانی و استفاده شما مسخر فرموده و این هیولای عظیم سرکش را چنان برای شما تسخیر نمود که آزادانه کشتی را در آن مرانید و از جایی بجائی حرکت میدهید. به تجارت بحری بپردازید یا جانوران بحری را شکار کنید و یا از عمق آن مروارید و غیره را بدر آورید، اما در حین بهره برداری ازین همه منافع و سودها، منضم حقیقی را از یاد نبرید. حق او را بشناسید و بزبان و دل و قلب و همه جوارح ادای شکر نمائید، خداوند (ج) همه آنچه در آسما نها و زمین است تحت تسخیر شما قرار داده است و همه را جهت استفاده انسان رام و با اطاعت ساخته است طوری که همه برای خدمتگذاری بایشان مصروفیت دارند.

انسان با درک این حقایق در پهنه کائنات موقف خود را روشن تر می یابد و درک میکند که بحر عالم اقیانوس های خروشان در خدمت انسان و مسخر اوست لکن کشتی و وسایل تردد و حمل و نقل در اقیانوس ها و استفاده از ذخایر و نعمات تحت البحری، از عالم غیب تیار و ساخته بوجود نیامده و او خود بایست این کشتی را بسازد و مانند نوح (ع) دست بکار و وسایل ابزار زندو آنرا آماده حرکت در سطح بحر ها نماید و این راهم درک میکند که آنچه در آسمان هاست برایش تسخیر و قابل استفاده ساخته شده است اما چیزی

که باید او خودش تهیه نماید طیاره و سایر وسایل و اسبابی میباشد که او را درین راه یاری و کمک نماید. اسلام بمنظور اینکه انسان ها همیشه در کاوش و جستجو باشند و برای رسیدن با اهداف عالی زندگی لحظه ای آرام نگیرند و وسایل بهتر را برای تامین یک حیات بهتر تهیه و بکار برند، در برخی از موضوعات با اشاره ای اکتفا مینماید تا انسان در بر تو نیروی عقل و خرد یکسره خداوند (ج) بوی ازرانی فرموده از آن استفاده های اعظمی نماید و آنچه را که از آن بدست می آورد و استحصال کند بطور شایسته و مشروع در خدمت بشریت قرار بدهد.

اسلام با اساس این روش جهان بینانه اش میگوید: (وانزل لنا الحدید فیه باس شدید و منافع للناس و...) یعنی... خداوند (ج) آهن را بیافرید و معادن آن را در زمین حفظ کرد و از این ماده هر نوع سامان و اسلحه جنگ ساخته میشود و منافع فعی در آن برای انسانها وجود دارد و بسیاری از کار های ایشان از آن بر آورده میشود.

هیچ چیز در دنیا و کائنات وجود ندارد که قرآن تصریح و یا اشاره ای بر آن نکرده باشد و تمام مسایل و موضوعاتی که در تکمیل و شیرازه بندی حیات معنوی و مادی انسانها و بنی نوع بشر، ضروری و لازمی پنداشته میشود در قرآن درج و به منظور رهنمائی و اصلاح انسانیت، آن را خاطر نشان و واضح ساخته است پس این وظیفه انسان یعنی آنکه علم خلافت را در روی زمین بشانه دارد، شمرده میشود که قرآن و موضوعات حیاتی آن را درک کند و خویشتمن را به فلسفه های نهایت حکیمانه ارشادات و احکام قرآنی آشنا ساخته ارزش های جهانی

عشق

میان انبوهی از موهای طلای تا ر یک بر فرق وی میخورد او هم چنانیکه سرش را در بغل ب گذاشته بود حرفها یشرا تکرار کرد: بی همتای من من به انتظار بازگشت تو نشسته بودم.

شوهر نازنینم، موجود بی همتای من.

ب در حالیکه به موهای خانمش دست میکشید پرسید: این مدت بر تو بسیار سخت گذشت!

صدای همسرش راشنید که نجوا کنان میگفت، بی همتای من.

ب به دست کشیدن به موهای زنش ادامه داده سوال کرد: من بسیار پیر شده ام؟

زنش زانو های او را در بغل کشیده به سینه خود فشرد و پاسخ داد:

برای من همان کسی هستی که در آن روز شوم می بایست از تو جدا میشدم.

ب سوالی خود را تکرار کرد.

بسیار پیر شده ام؟

همسرش در گوش ب زمزمه کرد: تا وقتی زنده هستم دو سنت خواهی داشت.

— مرا دوست داری.

عضلات پشت خانم ب میلر زید او بشدت میگر یست. ب دست خود را از روی موهای همسرش برداشته پرسید: با اینهم بمن عادت خواهی کرد.

همسر ب پاسخ داد: من هرگز کسی دیگر را نتوانسته ام دوست داشته باشم. من ترا تا سر حد پرستش دوست دارم.

— انتظار مرا داشتی؟

همسر ب در جواب گفت: من همیشه بتو فکر میکردم و با تو یکجا بودم هیچ روزی شام نمیشد تا به تو نمی اندیشیم، من مطمئن بودم که یک روزی بر میگردی اگر حدس من حقیقت نمی پیوست و تو بر نمیگشتی، در آنصورت در تنها بی به استقبال مرگ میشتافتم. علاوه در وجود طفلت تو را پیدا کرده بودم.

ب دو باره پرسید، مرا دوست میداری،

همسرش پاسخ داد: غیر از تو هیچ کسی را دوست نداشتم ام. و اگر احیانا تو تغییر هم میکردی باز هم تو را دوست نداشتم.

ب اظهار داشت: من تغییر کرده ام من پیر شده ام.

همسر ب در حالیکه اشک می ریخت، زانو های شوهر را به سینه اش می فشرد.

ب مجددا انگشتان دست خود را ب موهای بلوته همسرش فرو برد آرام آرام پسرش دست میکشید همسر ب پرسید: ما می توانیم اولاد بیشتری داشته باشیم.

او پاسخ داد: شاید. اگر من دوست داشته باشی. بر خیز.

زن بر خاسته پرسید: او را صد کنم که بیاید.

ب جواب داد: هنوز نمی، میخواهم اولتر یک مقدار باتو تنم باشم.

او هنوز برای من بیگانه است او را در کجا رها کردی. در باغچه منتظرش گذاشتمی.

همسر ب گفت: فوراً پائین رفتن وقتی او شتابان به اتاق برگشت.

ب در کنار کلکین ایستاده پشتش به طرف اتاق بود تخته پشتش باریک و به نظر می رسید و یک مقدار تپان داشت. ب رویشا برنگرداند و همسرش را برای یک لحظه در چوکات دروازه ایستاده مانده اظهار داشت: به او گفتم که برای پدرش گل بچیند آهنگ صدای وی از شدت هیجان میلرزید در باغچه یاسمن ها هم باز شده است. او باید یک دسته گل بزرگ برای پدرش جمع کند.

ب پرسید: مرا دوست داری.

همسر ب بسوی شوهرش دوید و با زوان خود را بدور گردن و شانه های شوهرش حلقه کرد و با تمام قوت او را در روی سینه اش فشرد شوهر بی همتای من.

ب از همسرش یکبار رد بگرد پرسید: می توانی خودت را با من عادت بدی؟

همسر ب پاسخ داد: من پس از رفتن تو هیچکسی را دوست نداشتم

چنین اندازه شده است که اگر آب دوچا دیگر هم به این مخزن بیافتد بر داشت دارد. از این مخزن تمام شهر نو قدیم تاد ور توین مسافه جاده میوند مناطق این طرف و آنطرف دریای کابل آب نوشیدنی میگیرند.

بقیه صفحه ۱۳

مطابق ۲۵ ساله شهر کابل

متبع دیگر آب نوشیدنی شهر کابل از چشمهای قرغه میباشد. چشمهای قرغه که در زیر بند قرغه واقع میباشد بیست و دو انچ آب می دهند که اگر ما تمام این منابع اولی چاه های عمیق علاوالدین و منبج این چشمه ها را جمع کنیم در حدود پانزده هزار کوبیک متر آب مابسه شهر کابل توسط نل ها توزیع می کنیم که به این حساب ماسی و پنج هزار کوبیک متر آب کمبود داریم. ضرورت شهر کابل ما: پنجا هزار کوبیک متر در ۲۴ ساعت.

است این آب به مخزن بریکوت وصل شود تا سه هزار کو بیک متر آب دیگر مخزن بریکوت بیفتد به این صورت چون مقدار آب زیاد میشود مردمی که از این مخزن آب میگیرند آب شان زیاد میشود.

ناگفته نماند که از مخزن بریکوت سه هزار کوبیک متر آب تنها و تنها پوهنتون اخذ می نماید که این مقدار آب برای تمام ما یحتاج آنها کفایت میکند یعنی مقدار آب یک چاه عمیق علاو لداین به مصرف پوهنتون و ملحقات آن صرف میشود. بناروالی کابل در این بار چندین دفعه با پوهنتون در تماس شده است که:

اگر خود پوهنتون برای خود چاهی حفر کنند و از خود منبع آب آشامیدنی تهیه نمایند تا ما این مصرف را از آن ها قطع نموده و به مردم شهر کابل توزیع می نمایم - بالاخره این پیشنهادات جامعه عمل را گرفته و پوهنتون موفق شد تا چاهی برای خود حفر کنند. چاه حفر شده فعلا در صد نل دوانی چاه به مخزن می باشند که اغلب این مخزن در عقب شفاخانه علی آباد در بالای کوه ساخته خواهد شد. به این ترتیب یک چاه دیگر بمردم فائیده خواهیم کرد.

طرف دیگر شهر که از این مخزن آب نمیگردد مثل کارته پروان و تمام نواحی آن از چشمه های قرغه استفاده میکنند برای ازدیاد آب آن بناروالی نیز فعالیت نموده یک نل هشت انچ دیگر از قرغه کش کرده است و یک مخزن آب قرغه فعلا افتاده است اما نموده است که این آب در آنجا میافتد. ظرفیت این مخزن یک هزار و دو صد کوبیک متر میباشد. به این مخزن آب قرغه فعلا افتاده است چون نل های توزیعی (شبکه شهری) از این مخزن به شهر پول هنگفتی را ایجاد می نمود بودجه بناروالی

نتوانست این شبکه را خریداری کند.

فعلا آب این مخزن رابه یک نل بزرگ کارته پروان وصل نمودیم که هم به آب نل های کارته پروان مقدار آب زیاد شود وهم فشاری آب نل ها تولید کند تا مردمان این منطقه خصوصاً خانه های که در بلندی کوه واقع اند آب گسرفته بتوانند.

در اینجا باید تذکر شود که یک قسمت دیگر شهر از قبیل ده افغانان قلعه هزار ها چنداول و دیگر نواحی همجوار آنجا آب نوشیدنی خود را از مخزن آب گورده ده افغانان میگیرند.

این مخزن آب در عصر امیر حبیب الله خان شسپید ساخته شده بود که آب یغمان در آن میا فساد ظرفیت این مخزن هشت صد کوبیک متر است چون آب یغمان در حصه بند قرغه قطع شده و یکی به شهر کابل نمی آید در این مخزن آب جای عمیق نزدیک پل آرتن میافتد که این چاه ظرفیت (۲۵۰۰) کوبیک متر آب را در ۲۴ ساعت دارد اما این چاه به مصرف مشترک وزارت صحتیه و بناروالی تعمیر شده است که یک مقدار آب آن به شفاخانه ابن سینا موسسه اکسریز و شفاخانه صدری و ملحقات شفاخانه ابن سینا بسه مصرف میرسد تنها در مخزن ده افغانان نصف آن میافتد.

علاو تا در این مخزن آب چشمه قرغه نیز میافتد. به این ترتیب شهر کابل سه مخزن آب دارد که یکی در بریکوت دیگر در کوه باغ بالا و سومی در گورده ده افغانان می باشد که از این سه مخزن تمام شهر کابل

آب نوشیدنی خود را میگردند. آب که رکن اول زندگی است در کابل قلت دارد. مراجعین به بناروالی هر روزه زیاده تر شده میرود باید به هر صورت که باشد ما مقدار آب نوشیدنی خود را در شهر کابل زیاد کنیم والا نه آب پاک و صحتی بسه مردم نمی رسد وهم خطر مهم امراض وبائی هر سال در کابل تصور بعقیده من بهترین حل این معضله فیصله پروژه آب رسانی افشار می باشد که این پروژه سالها است عاقل مانده - پول قر ضه ۲۲ میلیون دالر المان غربی نقدو آماده به این منظور در بانک المان غربی بوده و ریاست شهر سازی و خانه سازی سالهاست که این کار را به تعویق انداخته اند.

پروژه افشار عبارت از کندن ۵ تا ۷ چاه عمیق است که در ساحه افشار (زمین های مقابل سیلو) به کار میافتد و این چاه ها ظرفیت پنج تا ۷ هزار کوبیک متر آب را در یک شب و روز دارد که آب این چاه ها در یک مخزن بزرگ ده هزار کوبیک متر که در بلندی کوه گورده باغ - بالا ساخته میشود میافتد و به این صورت هم تمام شهر کابل را آب فراوان میدهد وهم ناحیه خیر خانه را آب میدهد اگر این پروژه هر چه زودتر بکار بیافتد علاوه از پوزه کردن کمبود سی و پنج هزار متر مکعب که ما برای نفوس شهر کابل فعلا ضرورت داریم چندین هزار متر مکعب آب اضافی دیگر نیز برای ما میدهد که ما آنرا نیز به کوجه ها چهار راهی ها بصورت فواره ها حوض ها وغیره استعمال کرده

بتوانیم. این بود مختصر تشریحات من در باره شبکه آب رسانی شهر کابل و معضلاتی که به آن روبرو هستیم و چاره این معضله های آن نقدیم خوانندگان مجله ژوندون گردید.

ملکه زیبائی

لی لی جوانک سوی لیان ازمالیزیا نمرات بلندی میگرفت . او که متیو- درس هواپیمائی سنکا پور میبا شد قرار معلوم هنگام مسافرت بجزیره هرما نامایور ازدوشیزگان پاتردستی پذیرائی مینمود .

یکی از جذاب ترین شاملان مسابقه امسال الیزابت تنوریو ازگوام بود . او حتی هنگا میکه از کمر شکن ترین بخش های مسابقه خسته هم میشد مگر با آنها از نثار لبخند ملیحش به هیچکس دریغ نمیکرد . اما نیکو لین بروید کس زیبا روی حالتندی چنین نبود . هنگامیکه وی جهت دادن امضایش درانای تمرین به شخصی نزدیک میشد .

گفت: ازین زندگی واین همه دستخط خسته و دلگیر شده ام .

پیرا ستگی در دوشیزه ها نکانگی بنام جوجو چیونک بخوبی بچشم میخورد و سادگی اش چنان بود که فوراً پنجا ما پلیت پچان تایلند یرا در خاطر زنده مینمود .

از همان نخستین آواز دره خیابانی با قضاوت نظر بطول تبصره اخبارو جراید چنان بر میآمد که ماورین آواورا زیبا روی طنناز جزیره اروپا پیشترین

اشتهارا بدست آورده است . ولی هیچیک از کاندیدان-اورا به جا نشین مارچی موران فلیپینی قلمداد نکرده بود . وقتی علت پرسیده شد یکی از کاندیدان گفت دو شیزه ارو با خودش نیست . یگانه چیز بر جسته اش نمای جلواش میباشد)

حتی زنان محافظ هم نتوانستند از بازی انتخاب دوشیزگان مورد نظر خویش خود داری کنند . ولی انتخاب اینان اساساً بر اطلاع شان از شخصیت و کراترزیبایان بنیافته بود . دوشیزه سویدن ، ایوارو میکه بلوند بنام دارلنگ محافظان یاد میشد زیرا هرگز در برابر مقررات و محنت ودیت های موضوعه بر کاندیدان

عشق

روز و شب به فکر تو بودم . وهم به پسر تو هر روز در باره پدرش قصه میکردم .

ب از جایش دور زده ، همسر خود را در آغوش کشید و با توجه خاص به چهره او دقت کرد در روشنی غروب شامگاهی که از کلکین اتاق به درون می تابید توانست آثار شکستگی و پیری را در صورت همسرش نیز مشاهده کند اما باوصف آنها زیباتر از تصویری جلوه مینمود که ۷ سال تمام در چهار دیوار تنها نشی با آن راز و نیاز کرده بود . چشمها را رویهم گذاشتند و لبهای شان به سراخ همدگر رفت .

ب نفس گرم همسرش را از میان لبهای نیمه باز و دندانهای سپیدی به روی لبهای خود احساس نمود . واز زیر مژه های بلند غلو که روی پوست بی رنگ صورت آرام گرفته بود ، در خشمش مرطوبی داشت . صورت او پاک و بی ریاجلوه مینمود ب بوسه ای از چشمهای زرش بر گرفته ، سپیس ویرا در میان باز و ان خود لختی نگاه داشت .

همسر ب در حالیکه هنوز چشم- هایش را بسته بود ، در گوش ب به نجوا گفت : تو باید پسر تو را هم دوست بداری .

ب پاسخ داد : بلی . من با او عادت خواهم کرد و او را دوست خواهم داشت .

- او فرزند تو است .

ب در جواب گفت : و پسر تو هم هست .

همسر ب به گردن شوهرش آویخته گفت : من ترا شست و شو میدهم .

- بلی . خوبست .

ب لبها سپایشرا از تن کشید همسرش آب گرم آماده کرد . صابون و دستمال روی آورد دستمال روی را در ظرف آب گرم فرو برده صابون زد و بدن ب را از سر تا به- صابون کاری کرد و آنگاه در مرتبه آب سطل را تبدیل کرد و از نو آب پاک آورد . دستهای ب لرزش داشت اما گرفتگی سیمایش بر طرف شده بود و آهسته از همسرش پرسید : تو بامن عادت خواهی کرد ؟

همسرش پاسخ داد : شوهر می

همنای من .

- امروز شام پیش من می خوابی ؟

همسر ب پاسخ داد : بلی پیش تو می خوابم .

- و او در کجا می خوابد ؟

همسر ب در جواب گفت : برای او به روی زمین جای خواب درست می کنم . او بچه است و خواب عمیق دارد .

- و تو تمام شب راد رکناش خواهی ماند ؟

همسر ب گفت : بلی . نه امشب ، بلکه تمام شبها را تا وقتی زنده هستیم در کنا رتو خواهم ماند .

ختم

اینست



مسؤل مدیر :

علی محمد «برالی»

معاون روستا باختری

مہتمم ع.م عثمان زاده

دمسؤل مدیر ددفتر تیلفون: ۳۶۸۴۹

دمسؤل مدیر دکور تیلفون: ۲۱۹۶۰

سوچبورڈ ۲۶۸۵۱

دمعاون ددفتر ارتباطی تیلفون ۱۰

دتوزیع او شکایات مدیریت ارتباطی

تیلفون ۵۹

پتہ: انصاری واپ

داشترالہ بیہ

بہ باندنیو هیوادو کبسی ۱۵۲۴

دیوی گنہی بیہ ۱۳ افغانی

بہ کابل کبسی ۱۰۰۰ افغانی

کیو کواساکورا



مجسمه «دختر» از ساخته های کیو کو

هنری پدرش را که در وجود ریزه کاری
ی دقیق تبلور یافته است ، می توان دید
ش از طرف دیگر در آن ها می توان احساس نو
نبرد مند را دید .
این کار نشان میدهد که او هنرزیوسی
نده بهتر گامزن است .

یکی از منتقدان هنری در روز نامه ای خاطر نشان
وده بود که : « کار های او در این نمایشگاه
برو انباشته از طرافت زنانگی بوده و نشان
دهد که او می خواهد فرانسوی سرحد های
برای یک تراشی سنتی برود »

تمام بیکر هی او از پروتز ساخته شده اند .
جایان هنرمندان انگشت شماری اند که با
وزن که سبب تکنیکی آن خیلی تنگ
امکانات کار روی آن مشکل است ، دست
آفرینش هنری بزنند . از طرف دیگر
زش وقیمت تمام شد این کار ، قابل اندیشه
ست . برای ترتیب همین نمایشگاه آخری او
عبور شد بامه نفر بخش کنندگان پروتز
آزاداد بیندر در حالیکه آنها هم نتوانستند
بروقت مواد تهیه نمایند .

از جانب دیگر ، برای زمانی که بخواهند
میدان رقابت با مردان پیروز گردیدند کار
شکل و طاقت فرسا نیاز است . او با
ساخته نمایش پر حور خبلی طبیعی دارد .
بجس فکر کرده نمی توانست که سرانگشتان
ریف و شکننده این زن روی چنین فلز سخت
فرسایشگر بنماید . او به صورت کامل
های زیاده دارد . او می گوید : « زندگی من
قط در چار چوت پیکر تراشی و مجسمه سازی
ر بند نمی مانند ، روی همین اساس لحظاتی
برای آشنیزی ، رفتن به تئاتر و دنبال نمودن
ندگی عادی اختصاص داده ام »

در حالیکه عهده ای از دوستانش می گویند
که او هنوز حالت یک شاگرد مکتب را دارد
ولی در حقیقت ، او یک هنرمند نجبه و کار
گشته است . او از جمله هنر مندان کاملاً
تشریفات بوده و بسادگی می توان با او پای
سخن و گفتگو نشست . هنگامیکه او در سفر
است صرف نظر از اینکه در کجاست پیوندش
را با دوستان نمی گسلد ، او می گوید :
« من به سفر عشق می ورزم . این سفر
خواه در امریکا باشد یا اروپا ، بهترین
و سادترین لحظات زندگی ام را در سفر
می یابم »

فلسفه هنری او چنین خلاصه می نمود :
« احساس می کنم که بحیثیت یک مجسمه ساز
آزاد ، سبتر می توانم کار نمایم هرگاه اوقات
از هنر دور باشم تا وابسته بدان »



بیکره «زن» که در نمایشگاه اخیر آثار کیو کو جلب توجه نمود .

قرائت پیام رئیس دولت

میوزند تبریک میگویم واز بارگاه خدا و ند
متعال (ج) برای شان توفیق خد مست
میخواهم .

روزنامه های مرکز ولایات کشور پیام
بنامی رئیس دولت و صدر اعظم را که بدین
مناسبت صادر شده است نشر کرده و پیرامون
اهمیت حیاتی سواد و مطبوعات در جامعه سرمایه
عالمین ، تبصره ها و مصاحبه هایی بچاپ
رسانیده اند .

وزارت اطلاعات و کلتور نیز بمناسبت
بزرگداشت روز مطبوعات و روز جهانی سواد
علاوه از آنکه پیام زعمی ملی ما را بصورت
یک رساله نشر کرده هفت رساله دیگر که
اهمیت حیاتی وسایل اطلاعات عامه سواد
ارتباط این دو موضوع حیاتی را ارائه می نماید
انتشار داده است .

این رساله ها عبارت اند از مطبوعات
و جمهوری و اثر آن در سواد توسعه سواد ،
وسایل اطلاعات و سواد مطبوعات و سواد
آموزی رادیو و سواد آموزی ، سهم مطبعه در
انکشاف سواد ، سهم وسایل سمعی و بصری
در سواد آموزی و نقش کتاب و کتابخانه در سواد
آموزی .

در همین حال اداره ملی مبارزه با بیسوادی
وزارت اطلاعات و کلتور نیز بمناسبت
روز بین المللی سواد نشر کرده است .

همچنان رادیو افغانستان با نشر پروگرام
های خاصی از روز مطبوعات و روز جهانی
سواد تجلیل بعمل آورد و تمام سینماهای مرکز
فلمهای مستندی درباره سواد و سواد آموزی
قبل از آغاز نمایش فلمها بصورت سرفلمی
نمایش دادند .

های نیروی کار خارج مکتب چنانکه علما و عملا
مقتضی بنماید تلاش صورت گیرد .

باین اساس دولت جمهوری در او اسط
سال ۱۳۵۲ اداره ملی مبارزه با بیسوادی
رادر چوکات وزارت معارف فعال ساختن
مکتی به اساسات علمی و با در نظر داشت تجارب
حاصله از سایر کشور هاییکه از لحاظ مولف
مبارزه با بیسوادی با وطن ما وجه مشترک دارند
عملیات سواد آموزی را بشکل حیاتی و مرحله
به مرحله با فعالیت های پروژه های منتخبه
انکشافی بیایزد و متدرجا دامنه این مبارزه را
در سرتاسر مملکت بشکل یک مبارزه ملی
گسترش دهد .

البته تعمیم سواد در مسیر انکشاف الف
نظر محدود دانش مردم محض یک قدم نخستین
است . تامین اهداف مراحل بعدی آنرا همانا
مطبوعات مابعدیه دارد که از طریق نشرات
رادیویی ، وسایل سمعی و بصری و انتشار
مواد مطبوعه مخصوص کم سوادان و تاسیس
کتابخانه های عامه و شبکه های وسیع
کتابخانه های سیار برای مناطق روستایی
در جهت تعمیم اطلاعات عامه و معسولو م
اخلاقی و فغید مورد ضرورت انکشاف اجتماعی
اقتصادی و فرهنگی به موثر ترین شیوه ها
تلاش ورزد .

در خانمه روز مطبوعات و سواد را بپسرای
امعای کامل بیسوادی افغانستان عزیز و در
جهت تعمیم مطبوعات حامل دانش حیاتی بین
کنله های محروم جامعه یک روز میسون
شمرده و بامید آنکه همه موسسات دولتی
و غیر دولتی و كافة طبقات جامعه درین مبارزه
ملی اشتراک مساعی نمایند این روز مهم رابه
آنانیکه در راه سواد و مطبوعات مجاهدت

یک جنایت بزرگ

یک چنین توطئه را از طرف خود جدا
رد میکرد . چنانچه باحرکات نمایشی
می خواست اتن از قضات واهل
خبره را به قبول بی گناهی خود
متقاعد گرداند اما محکمه حرفهایش
را باور نکرد .

وقتی زیم بورگر حکم محکمه رادر
تورو خوشنید ، صدای اعتراضش در
سرتاسر سالون محکمه که جمعیتی
بزرگ در آنجا گرد آمده بود ،
پیچید و با صدای بلند و خشکی اظهار
داشت : این یک فیصله دوراز عقل
و دیوانگی است .

از حادثه دوستی که زیم بورگر را
وارث یگانه خود معرفی کرده و
انتقال هستی و دارایی اش را پس
از مرگ به او توصیه کرده بود ،
برای دریافت پول بیمه حیا تقس
مراجعه کرد از طرف پولیس باز
داشت شد .

تا روز صدور فیصله محکمه ، زیم
بورگر در مجادله بود و ادعای طرح



(۱) این موتوری بود که سلوستر سکوتنیک با سرعت ۸۰ کیلو متر فی
ساعت می راند و قربانی او یوهان بو خمایر که کنار دست راننده نشسته
حادثه در حصه کوه بر کوه زاپر در بوقوع پیوست .

در باره اسرار يكه در كف دست شما نهفته است

كف شناسي بدون كميشن

كف شناسي مانند ساير علوم واكتشافات از خود تاريخي داشته از زمانه هاي خيلي قديم در ميان يونانيها و مصريهاي قديم رايج بود شاهان و حكمرانان وحتي مردمان عادي در آن اوقاتيكه هنوز ديگر علوم مخصوصا علوم روانشناسي انكشاف نكرده بود به آن اهميت واعتقاد زيادي قايل بودند و تمام امور اجتماعي خود را بشنوره كف شناسان پيش ميبردند و تا امروز كه جوامع بشري انكشاف نموده و علوم پيشمازي به پيمانه تكامل خود رسيده هنوز هم از طرف يكهده اشخاص مخصوصا صا زنان و مردان تطبيق ميگردد . اين چنين اشخاص در كشورهاي اروپايي نيز اكثرا باین شغل مسي بپردازند و توسط قطعه بازي يا ازروي خطوط علامات كف دست آينده شخصي را پيشگويي كرده يك عده زنان و اشخاص را كه باوشان معتقد اند در خود جمع كرده و از آن امر ار حيات ميورزند درين مقاله خصوصيات شخصي را توسط كف شناسي از قول كف شناسي بولندي بتفصيل ذكر ميكنم كه بيشتريجهت سرگرمي و تفنن شما است اگر راست بود و بهتر و اگر مفاد آن با خلق و خود شما منطبق نبود مشوش و دلسرد ميباشيد . آيا كف دست آينه كر كتر، پرهيز گاري و تقوي، خطا و شتابا تمايل و آرزو است . بعضي باين عقيده كاملي دارند و بان اهميت سنگيني را قايل اند . با اين هم

بذكر چند نمونه آن براي آنها ييكه به كف شناسي علاقه خاصي دارند مينگاريم . اول - بايست به كف دست و ساختمان انگشتان خود بدقت تمام نظر انداخت زيرا جهت پيشگويي رول مهمي را بازي مي كنند . اگر دست شكلي گوشه داري داشته باشد دليلي بر روحيه انيرومند و چنين انرجي قوي شخص ميكنند و چنين اشخاص به آساني بكسي موقع نمي دهد تاوي را تحت نفوذ خود آورده كمر دست شكل بيضوي داشته باشد شخص مذكور بسيار اندك رنج و تند خوي بوده ، كه معمولاً خود را بيك قوه محرکه آني قابل تاثيري رهنمائي ميكنند . دست نو كدا ربا كناره اي بسا شخصي كم جرت و غير مصمم را معرفي ميكنند چنين اشخاص از موفقيت خيلي بعيد واقع شده اند . دستيكه انگشتا نش فوق العاده انكشاف كرده باشد نمايند گي از قوه و توانايي بيشتري ميكنند و تمايلش را بدو ديگران خوبتر نشان داده و بكمال ميل ديگر انرا بخود جلب ميكنند . اگر انگشت صميمي و انگشت بين شست طويل وانگشت كو چك نسبت به انگشت شهارت طويلتر باشد از طبيعت شخصيكه بيشتريه عشق تمايل دارد حكايه ميكنند . به هر اندازه يكه انگشت كوچك

طويل باشد بهمان اندازه بلند همي وجاه طلبي را نشان داده و اشخاصيكه درين ردیف قرار دارند خود را به حل بزرگترين سوالات و مشكلات زندگي قادر ميدانند . دوم - اينك به تشر يحات جزيات كف دست ميپردازيم ، برسم اين صفحه بدقت تمام توجه كرده خطوط اساسي را در آن خواهيم ديد كه خطوط زندگي ، قسمت و تقدير ، عقل ، قلب ، موفقيت و خطا امزش را نشان ميدهد و باو عداد از ۱-۷ تبه كك هاي كف دست نشاني شده اند كه براي شناسايي كف دست خيلي مهم بشمار ميروند . بعد از آنكه به خطوط كف دست در رسم هاي مذكور آشنا شديم سپس نظر به پنج توضيح ذيل ميتوان با سراز ي كه در كف دست شما نهفته است بي برد .

۱- كر كتر و رابطه با زند گسي
درين مبحث مهمترين خط عبارت از خط تقدير و قسمت ميباشد چنانچه ... اگر خط مذكور مستقيما به طرف عمق كف دست امتداد داشته باشد دلالت بر آگاهي و يك مسوليت علمي شخص ميكنند در صورتيكه از چند جا قطع شده و غير متناسب واقع شده باشد شخص مذكور كر كتر زوليده غير مصمم داشته و دايمآ تغيير عقيده كرده و نظر به استواري ندارد . اگر ... خط مذكور عميقا و واضح در

كف دست فرو رفته باشد شخص مذكور حتى بكسانيكه استعداد قدرت هاي هم داشته باشد معتقد نيست .

اگر عيناً در وسط كف دست امتد يافته باشد شخص مذكور همه چي را در زندگي خيالي ميپندارد اگر باخط زندگي وصل شد باشد در اينصورت شخص مذكور دايمآ در آرزوها و آمال خويش واق بين ميباشيد .

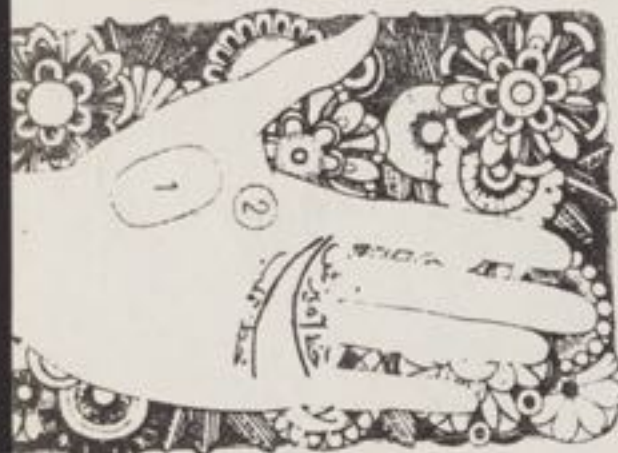
... اگر به قاعده شست صميمي ختم شده باشد دلالت بر علاقه شخص مذكور به چار جانبش كرده و دايمآ متوجه آنست كه ديگران در بار آن چه مي گویند .

... اگر به سمت بالايي تبه كك (۷) ديوده باشد شخص مذكور كر كتر رو مانتيكي دارد .

۲- مزاج ، طبيعت و صحت :
لازمست تا خط زندگي و تبه كك هاي از (۲) الي (۷) را بدقت تما ملاحظه كرده اگر خط زندگي : ... طويل و واضح معلوم شود شخص مذكور را داراي روحيات و قوه بسي عالي خواهيم يافت .

... طويل و باريك ، شخص اندك رنج و حساس را بسا معرفي ميكنم اگر عمل وي بصورت عادي ادا نمي پيدا ميكنند در آنصورت ممكن است حوادث غير مترقبه اي در زند گي وي ببار آيد .





... از چند جاه قطع شده باشد
شخص مذکور به عشق وفادار نبوده
دایما وصل قلبی خود را تغییر میدهد
.. پیایه انگشت شهادت رسیده
باشد شخص مذکور زرزری بوده و
در عشق تائید و ابراهم برای ارزش
قیمت خود جستجو میکند .

... بقاعده انگشت وسطی رسیده
باشد شخص مذکور در موضوعات
عشقی خیلی خیره سر بوده هیچگاه
نمیتواند شخصی را که باو (عشق)
و محبت دارد به تصرف خود بیاورد.
... بشکل زنجیری قرار گرفته
باشد دلالت بر ارجحیت شخصی
مذکور کرده و دایما بر عشق غلبه حاصل
میکند .

اگر خط آمیزش :

... بسیار واضح باشد در آن
صورت دلالت بر جاذبه و کشش
شخص مذکور نموده همه را بخود
جلب می کند .

... قطع و بریده بریده باشد دلالت
بر بی پایداری شخص در عشق می
کند .

اگر تپه گک های ...

... نمره (۱) برجسته باشد شخص
مذکور در عشق بسیار فعال است.
... نمره (۲) بسیار برجسته باشد
شخص مذکور عشق را از روی عقل
و فراصت خود قدم بقدم تعقیب و
پیش میبرد .

۵- علامت خصوصی :

... اگر خطوط در سطح کف دست
واضح و شکل حرف (ام انگلیسی) را
داده باشد شخص مذکور به شهرت
ظاهری عشق اهمیت را قایل نشده
بلکه عشق و حیات فامیلی برای وی
نسبت به موفقیت در شغل و وظیفه
اهمیت بیشتری را دارا است .
... اگر خط زندگی جوهره و موازی

با افکار زنده داریم لایسق و لسی
لیاقتش پوشیده است .

... کوتاه و کج بطرف کودال کف
دست در شخص مذکور کسر مهارت
و استادی دیده میشود .
اگر خط مو فقیهت ...

... شدیدتر سیم شده و طویلس
باشد در آن صورت کسی وی را
سوی کامیابی و موفقیت سوق داده.
و حتی زبانی موجب شهرت وی میگردد
... جوهره و یا از چندین خطوط
باریک تشکیل شدن با شد
ستاره مو فقیهت در امور
مختلفه زندگی از چار جانب بسوی
چشمک خواهدزد .

... کوتاه و خط عقل را قطع نکرده
باشد و یا اینکه نزدیک بخط عقل ختم
جهت بدست آوردن موفقیت چانس
شده باشد شخص مذکور در زندگی
زیادی دارد ولی خودش به آن تجربه
نداشته پشت کار و از خود گذری
لازم دارد .

۴- عشق و مواضع عشقی :
در این مبحث خط قلب، خط آمیزش
و تپه گک های (۱) و (۲) در مورد
شخص تصمیم گرفته و جواب میدهند.

اگر خط قلب ...

... عمیق و واضح ترسیم شده
باشد دلالت بر تند مزاجی و شهوانی
شخص مذکور میکند .

... درشت و واضح نباشد لا کس
طویل در آن صورت شخص مذکور
ظریف و زیرک و در عین زمان اندک
رنج بوده از شیفتگی قلبی دایما در
هراس میباشد .

... بمشکل خوانده شده و یا اینکه
قطعا وجود نداشته باشد شخصی
مذکور در مقابل عشق خشک «کوره»
بوده نمیتواند که عشق حقیقی، پاک
و بی آرایش را درک کرده نمیتواند
و همه موضوعات عشقی نزدش به
صورت بسار عادی جلوه می کند

... طویل و در انتها بدو حصه
تقسیم شده باشد در آن صورت
شخص مذکور از همت خود هراس
نداشته بیشتر تنوع طلب است .

... کوتاه و بکلی واضح باشد
را معرفی میکند حامل و کنجکاو و در
عین زمان آسانگیر و بی بند و بار.
... کوتاه و آنقدر واضح دیده
نشود موصوف بقوه خود اتکا کرده
و حیات متوسط دارد .

اگر بر جستگی تپه گک خوب واضح
و بلند تر آمده باشد در آن صورت ..
تپه گک نمره (۲) شخص را بما
معرفی میکند که دارای شهوت بلند
بر خود غالب .

تپه گک نمره (۳) دلالت بر اعتبار
بخود شخص نموده و او میتواند
خواسته ها و میل خود را بوجه حسن
رهنمایی کند .

تپه گک نمره (۴) شخص مذکور
فوق العاده بانگ و غیرت بقوه و
قدرت خود حاکم است .

تپه گک نمره (۵) دارای استعداد
ارتنستیک بو دی ملایم و محجوب
میباشد .

تپه گک نمر (۶) با ارزش ترین
خصایص چنین اشخاص شعور و
افکار منطقی شان میباشد .

تپه گک نمر (۷) آدم بظاهر خون
سرد ، اما روما نیک بوده و روحیه
نا قرار دارد .

۳- ذکاوت و موفقیت های حیاتی :

در این جابه خطوطه محفل و موفقیت
مراجعه میکنم .

اگر خط عقل مستیقا ادامه پیدا کرده و
عمیق باشد منظور از شخصیت
بسیار خواه گيرو بحرانی وی دایما
منطق فکر کرده و خیلی ذکی میباشد.

... واضح بطرف بند دست تاب
خورده باشد در نزد خود شخص را



مود و فیشن



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**